



موسسه ایران دانش نوین

رویای خودت شو...



@IranDaneshNovies

برای دانلود بقیه ی گام به گام ها و جزوات با کلیک روی لینک
های زیر به سایت یا کانال ما در تلگرام سر بزنید:

www.IDNovin.com

<https://telegram.me/irandaneshnovin>



الدَّرْسُ الْخَامِسُ

ترجمه



۶۹۳ ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾: بگو...

- ۱) آنان که در زمین سیر کردند، بنگرند که به چه شکل مخلوقات را آفرید!
- ۲) در زمین بگردید سپس نگاه کنید چگونه آفریدن را آغاز نموده است!
- ۳) در زمین حرکت کنید و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرد!
- ۴) روی زمین راه بروید تا ببینید خلقت چگونه آغاز شده است!

۶۹۴ ﴿إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ أَنفُسَكُمُ﴾:

- ۱) آنگاه که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! شما به خودتان ستم کردید!
- ۲) زمانی که موسی به اقوام خویش می گفت: ای قوم! شما به خود ظلم می کنید!
- ۳) وقتی که موسی خطاب به قومش گفته بود: ای قوم من! بی شک شما به نفس خویش ستم روا داشته اید!
- ۴) هنگامی که موسی به قومش گفت: ای قوم! بی شک شما بیید که به خودتان ظلم نمودید!

۶۹۵ عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) أَكْبَرُ الْحُمَقِ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالذَّمِّ: بزرگ ترین حماقت در مدح و نکوهش، اغراق کردن است!
- ۲) التَّدَمُّ عَلَى السُّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ التَّدَمُّ عَلَى الْكَلَامِ: پشیمانی بر سکوت بهتر از پشیمانی بر سخن است!
- ۳) نَوْمٌ عَلَى عِلْمٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاةٍ عَلَى جَهْلٍ: خواب با علم بهتر از نماز با جهل است!
- ۴) جَمَالُ الْمَرْءِ فَصَاحَةُ لِسَانِهِ: زیبایی انسان شیوایی زبان او است!

۶۹۶ عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) أَتَا مَرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنَسَوْنَ أَنفُسَكُمْ ﴿: آیا مردم را امر به نیکی می کنید و خودتان را فراموش کرده اید!
- ۲) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ: محبوب ترین بندگان خداوند نزد الله، سودمندترین آن ها برای بندگان اوست!
- ۳) نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى وَالِدَيْهِ حُبًّا لِهَمَّا عِبَادَةٌ: پسر به خاطر دوست داشتن به پدر و مادرش نگرست!
- ۴) عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ: دشمن خردمند بهتر از دوست نادان است!

۶۹۷ ﴿لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾: من ...

- ۱) جز در آنچه خدا خواسته است، برای خود مالک نفع و ضرر نبوده ام!
- ۲) من مالک نفع و ضرر نیستم جز آنچه پروردگار برایم می خواهد!
- ۳) نه اختیار سود و نه زیانی برای خودم ندارم مگر هر چه خداوند می خواهد!
- ۴) جز آنچه خدا خواسته است، برای خودم سودی و نه زیانی را مالک نیستم!

۶۹۸ ﴿رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ﴾:

- ۱) پروردگارا! من به تو پناه می برم که از تو چیزی بخواهم که بدان علمی ندارم!
- ۲) بارالها! من خود را به تو سپرده ام از این که چیزی بپرسم که دانش آن را نداشته باشم!
- ۳) خداوند! من از این که چیزی را که به آن دانشی نداشته ام از تو بخواهم به تو پناه می برم!
- ۴) پروردگارا! همانا من به تو پناه می آورم، چون که از تو چیزی می خواهم که مرا علمی به آن نیست!

۶۹۹ «نَحْنُ الْإِيرَانِيِّينَ يَجِبُ أَنْ نُوَثِّرَ عَلَى الْغَرِبِيِّينَ لِأَنْ نَتَأَثَّرَ بِهِمْ.»:

- ۱) ما ایرانیان لازم است که از غربی ها تأثیر بپذیریم نه این که بر آن ها تأثیر بگذاریم!
- ۲) وظیفه ایرانی ها این است که بر غربیان اثر گذارند و تحت تأثیر آن ها قرار نگیرند!
- ۳) ما ایرانیانی هستیم که بر غربی ها تأثیر می گذاریم و هیچ تأثیری از آن ها نمی پذیریم!
- ۴) ما ایرانی ها، باید بر غربی ها تأثیر بگذاریم نه این که از آن ها تأثیر بپذیریم!

۷.۰۰ ﴿لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا: هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ﴾:

- ۱) و چون احزاب انسان های مؤمن را به چشم بینند گویند: این همان وعده پیرو دگاریه ما بود!
- ۲) موقعی که مؤمنان احزاب را دیدند گفتند: این است آن چیزی که ما به خداوند وعده دادیم!
- ۳) زمانی که مؤمنان را احزاب دیدند گفتند: این است آنچه خدا به ما وعده داد!
- ۴) هنگامی که مؤمنان احزاب را دیدند گفتند: این چیزی است که الله به ما وعده داده است!

۷.۰۱ عَيْنِ الْخَطَأِ:

- ۱) الخَفَاشُ هُوَ حَيَوَانٌ صَغِيرٌ يُشْبَهُ الطَّيُورَ الْأُخْرَى، خَفَاشَ هَمَانِ حَيَوَانِ كَوَاجِكِي اسْتِ كِه بَه پَرَنَدگان دِیگر شَبَاهت دَارَد،
- ۲) وَ هُوَ مِنْ أَعْجَبِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ تَعَالَى لِأَنَّهُ، وَ أَنْ أَعْجَبِ تَرِینِ مَخْلُوقَاتِ خُدَاوَنَد بَلِنَد مَرْتَبَه اسْتِ، زَبِرَا كِه أَنْ،
- ۳) لَا یَسْتَفِیدُ مِنْ عُیُونِهِ عِنْدَ حَرَكَتِهِ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ، مِنْ جِشْمَانِش دَر هَنگَامِ حَرَكَتِ از مَكَانِی بَه مَكَانِ دِیگر اسْتِفَادَه نَمِی كِنَد،
- ۴) بَل یَسْتَعْمِدُ أُذُنَهُ لِأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَعْطَاهُ حَاشَةَ سَمْعٍ قَوِیًّا، بَلَكِه كُوشِشِ رَا بَه كَارِ مِی كِیْرَد، زَبِرَا اللَّهُ بَه اَوْ حَسِ شِنَوَائِی قَوِی ای دَادَه اسْتِ!

۷.۰۲ «أَنْظُرْ كَيْفَ يَتَصَاعَدُ الْمَاءُ فِي هَذَا الْجَوِّ اللَّطِيفِ بَعْدَ أَنْ تُحَوِّلَهُ أَشِعَّةُ الشَّمْسِ بُخَارًا»:

- ۱) اشعُ خورشید را نگاه می کنم که به چه شکل پس از آن که آب را در هوای تمیز به بخار مبدل ساخت، بخار می شود و به هوا می رود!
- ۲) بین چگونه آب در هوای پاکیزه بالا می رود و بعد از آن اشعه آفتاب آن را به بخار تبدیل می گرداند!
- ۳) نگاه کن چگونه آب در این هوای پاک پس از این که اشعه خورشید آن را به بخار تبدیل می کند، بالا می رود!
- ۴) بنگر که چطور آب در این هوای پاکیزه بالا می آید پس از آن که اشعه آفتاب با آن به بخار تبدیل می شود!

۷.۰۳ «لِلغُرَابِ صَوْتٌ يُحَدِّزُ بِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْأُخْرَى مِنَ الْأَخْطَارِ لِتَتَبَعَهُ بِسُرْعَةٍ»:

- ۱) صدای کلاغ برای دیگر جانوران هشداری نسبت به دور کردن سریع آن ها از خطر هاست!
- ۲) کلاغ صدایی دارد که با آن حیوانات دیگر را از خطرات هشدار می دهد تا به سرعت از آن ها دور شوند!
- ۳) برای کلاغ صدایی است که با آن دیگر حیوانات را از خطر آگاه می کند، تا زود از آن، خود را دور کنند!
- ۴) کلاغ را صدایی است که به کمک آن، حیوانات دیگر را از خطاها بر حذر می دارد که به سرعت از او دور بشوند!

۷.۰۴ عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) الغُرَابُ هُوَ نَوْعٌ مِنَ الطَّيُورِ الْمَشْهُورَةِ وَ لَهُ أَنْوَاعٌ مُتَعَدِّدَةٌ فِي الْعَالَمِ الَّذِي نَسَكُنُ فِيهِ، كَلَاغِ نَوْعِي از پَرَنَدگان مَعْرُوفِ دَر جِهَانِ اسْتِ كِه اَنْوَاعِ مُتَعَدِّدِي از آن دَر جِهَانِ اسْتِ كِه مَا دَر آن سَكُونَتِ دَارِیْمِ،
- ۲) وَ تَجْدُبُهُ الْأَشْيَاءُ الْمَلُونَةُ كَثِيرًا فَلَیْسَ عَجِيبًا أَنْ یَجِدَ النَّاسُ فِي عَشِّهِ، وَ بَسِیَارِي از اَشِیایِ رَنگِی رَا بَه خُودِ جَذَبِ مِی كِنَدِ پَسِ عَجِيبِ نِیَسْتِ، كِه مَرْدَمِ دَر لَانَه اش بِيَابَنَد،
- ۳) قِطْعُ الصَّابُونِ الْمَلُونَةِ وَالْأَشْيَاءِ الذَّهَبِيَّةِ الْجَمِيلَةِ وَ هُوَ ذَكِيٌّ جَدًّا عَلَى حَدِّ، نَكِه هَايِ رَنگِی صَابُونِ و اَشِیایِ طَلَائِیِ زَبِیَا و آن بَسِیَارِ بَاهُوشِ اسْتِ بَه حَدِی كِه،
- ۴) یَمَكِّنُهُ أَنْ یَعْرِفَ عَلَى وَجْهِهِ الْبَشَرِ وَ هَذَا مَا اكْتَشَفَهُ الْبَاحِثُونَ آخِرًا، بَه أَنْ اِمكَانِ مِی دَهَدِ كِه بَا چِهْرَه هَايِ بَشَرِ اَشِنَا شُودِ و اِیْنِ هَمَانِ اسْتِ كِه پِژوهشگرانِ آن رَا كَشَفِ كَرْدَه اَنَد!

۷.۰۵ «هَلْ كُنْتَ تَعْرِفُ أَنَّ الْكَلْبَ يَمْلِكُ حَاشَةَ سَادَسَةِ تَشَعُّرٍ بِالْخَطَرِ قَبْلَ حِصُولِهِ؟!»: أَيْ ...

- ۱) می دانی که سگ ها با حس ششم خود خطر را پیش از آن که فراسد، حس می کنند؟!
- ۲) می دانستی این سگ مالک حس ششمی است تا پیش از حادثه، احساس خطر کند؟!
- ۳) می دانستی سگ از شش حس برخوردار است تا قبل از رخ دادن خطر آن را حس نماید؟!
- ۴) می دانستی که سگ حس ششمی دارد که خطر را قبل از اتفاق افتادنش احساس کند؟!

۷.۰۶ «أَرِيدُ التَّقَدُّمَ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَتَّى أُسْتَطِيعَ أَنْ أَعْرِفَ مَفَاهِيمَ الْآيَاتِ الْقُرْآنِيَّةِ عِنْدَمَا أَقْرُؤُهَا»:

- ۱) اراده می کنم پیشرفت در زبان عربی را تا توانسته باشم مفهوم های آیه های قرآن را زمانی که می خوانم فهمیده باشم!
- ۲) می خواهم در عربی پیشرفت کنم، تا بتوانم مفهوم آیات قرآنی را زمان تلاوتشان بشناسم!
- ۳) پیشرفت در زبان عربی را می خواهم تا بتوانم مفاهیم آیات قرآنی را زمانی که آن ها را می خوانم بفهمم!
- ۴) پیشرفت در زبان عربی را برای توانستن و دانستن مفاهیم آیات قرآن همراه تلاوت آن ها را می خواهم!

۷.۰۷ «تَوَجَّدَ فِي الْبَحَارِ أَسْمَاكَ تَبَعَتْ أَضْوَاءَ تَحَوَّلَ ظِلْمَاتُهَا إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ»:

- ۱) در دریا ماهیانی را می یابی که با فرستادن نورشان، تاریکی را همچون روز، روشن می کنند!
- ۲) ماهی هایی در دریاها یافت می شود که نورهایی می فرستند که تاریکی های آن ها را به روزی روشن تبدیل می کند!
- ۳) در دریاها ماهی هایی وجود دارند و پرتوهایی را ارسال می کنند تا تاریکی ها را به روز روشن تغییر دهد!
- ۴) ماهیانی در دریاها به وجود می آیند که نورشان فرستاده می شود و به وسیله آن ها تاریکی ها به روزی درخشان تبدیل می شوند!

۷۰۸. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) للكثير من الأعشاب الطلبية تأثيرات مفيدة على الصحة عندما يتناولها البشر: وقتي که انسان بسیاری از گیاهان دارویی را بخورد، تأثیرات مفیدی بر سلامتی اش می‌گذارد!
- ۲) تمتلك النباتات القدرة على صنع مجموعة كبيرة من المواد الكيميائية التي يمكن أن نستخدمها كالدواء: گیاهان قدرت ساخت مجموعه‌ای بزرگ از مواد شیمیایی را دارند و می‌توانیم از آن‌ها دارو بسازیم!
- ۳) هذه الأسماك ذات ألوان متعددة وتُرسل أضواءها المضيئة لتحويل ظلام البحر إلى النهار: این ماهی‌ها، دارای رنگ‌های متعددی هستند و نورهای درخشان خود را برای تبدیل تاریکی دریا به روز می‌فرستند!
- ۴) هل تُعرف كيف يمكن لنا أن نلتقط أجمل صور من هذه المزارع والأشجار الخضراء الموجود فيها: آیا می‌دانی که چطور می‌توانیم از این مزارع و درختان سرسبز موجود در آن عکس‌های زیبایی بگیریم!

۷۰۹. «عَادَةُ الْخِيَوَانَاتِ لِلِاسْتِفَادَةِ مِنَ الْأَعْشَابِ الطَّيِّبَةِ تُسَبِّبُ الْوَقَايَةَ مِنْ ابْتِلَاءِهَا بِالْأَمْرَاضِ.»:

- ۱) عادت حیوان‌ها جهت استفاده کردن از گیاهان طیبی، سبب جلوگیری از ابتلا به بیماری‌ها می‌گردد!
- ۲) جانداران عادت کرده‌اند با استفاده از علف‌های دارویی از سبب ابتلاء به مرض پیشگیری کنند!
- ۳) عادت حیوانات برای استفاده کردن از گیاهان طیبی سبب می‌شود از مبتلا شدنشان به امراض پیشگیری شود!
- ۴) عادت حیوانات برای استفاده از گیاهان دارویی، سبب پیشگیری از ابتلای آن‌ها به بیماری‌ها می‌شود!

۷۱۰. عَيْنُ الْخَطَأِ:

- ۱) قد اكتشف الغواصون أن الأضواء تنبعث من عيون الأسماك الموجودة جنب النباتات البحرية: غواصان کشف کرده‌اند که نورها از چشم‌های ماهی‌های موجود در کنار گیاهان دریایی فرستاده می‌شود!
- ۲) إن أغلب الحيوانات، تعرف لغة خاصة للتفاهم مع بعضها إضافة إلى غيرها لدرك الأخطار: بی شک بیشتر حیوانات، علاوه بر داشتن غریزه برای درک خطرها، زبانی خاص با همدیگر دارند!
- ۳) هذه الطائفة تسكن في الأماكن المتروكة تنام في النهار وتخرج في الليل: این پرنده در جاهای متروکه زندگی می‌کند، در روز می‌خوابد و در شب بیرون می‌آید!
- ۴) أطنن المسافة سبعة وثمانين كيلومتراً عجيب لم تذهبون إلى المدائن؟ گمان می‌کنم مسافت هشتاد و هفت کیلومتر عجیب است، چرا به مدائن می‌روید؟

۷۱۱. «لِللِّفْظِ لِسَانٌ يَلِيقُ بِهِ جُرْحُهُ مَزَاتٌ كَثِيرَةٌ لِيَلْتَمَمَ وَهُوَ مَمْلُوءٌ بِغَدِيدٍ تَفْرُزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا.»:

- ۱) برای گربه زبانی است که زخمش را با آن بارهای زیادی می‌لیسد برای این‌که بهبود یابد و آن پراز غده‌هایی است که مایعی پاک شده ترشح می‌کند!
- ۲) گربه دارای زبان است و با آن بارهای متوالی زخم‌های خود را لیس می‌زند تا خوب شوند و آن غده‌های زیادی دارد که پراز مواد پاک‌ترشح‌کننده است!
- ۳) گربه زبانی دارد که بارهای زیادی با آن زخمش را لیس می‌زند تا بهبود یابد و آن آکنده از غده‌هایی است که مایعی پاک‌کننده ترشح می‌کند!
- ۴) گربه یک زبان دارد تا چندین مرتبه زخم‌هایش را بمکد تا درمان شوند و آن مملو از غده است تا ماده‌ای پاک ترشح کند!

۷۱۲. «قَدْ اسْتَطَاعَتِ الْجُرْبَاءُ أَنْ تُغَيِّرَ لَوْنَهَا بِمَا يَتَنَاسَبُ مَعَ النَّبَاتِ الَّتِي تَقْفُ عَلَيْهِ حَتَّى تَحْمِيَ نَفْسَهَا مِنَ الْأَخْطَارِ.»: آفتاب پرست ...

- ۱) توان آن را داشته است که رنگش تغییر کند، با گیاهی که متناسب باشد و جهت حمایت خودش از خطرات بر روی آن بایستد!
- ۲) استطاعت تغییر رنگ خود را نسبت به گیاهی که بر روی آن توقف می‌کند داراست تا بدین طریق خودش را از خطرات حمایت نماید!
- ۳) توانست که رنگش را تغییر دهد، به وسیله گیاهی که با رنگش تناسبی ندارد و بر روی آن توقف کند تا از خطرات خودش را حمایت کرده باشد!
- ۴) توانسته است که رنگش را به آنچه تناسب دارد با گیاهی که رویش می‌ایستد تغییر دهد تا خودش را از خطرات حفظ نماید!

۷۱۳. «قَدْ فَهِمَ الْعُلَمَاءُ أُخِيرًا فِي تَحْقِيقَاتِهِمْ أَنَّ الْعَنْكَبُوتَ لَا تَنْتَظِرُ أَنْ تَأْتِيَ الْحَشْرَاتُ إِلَيْهَا بَلْ تَسْتَعْدِمُ خِيَوَاطِهَا كَوَسِيلَةَ لِصِيدِهَا.»:

- ۱) به تازگی علما تحقیق کرده‌اند، همانا عنکبوت منتظر نمی‌ماند تا حشرات به سمتش بیایند، بلکه از دندان‌هایش همچون وسیله‌ای برای صیدشان استفاده می‌نماید!
- ۲) دانشمندان سرانجام در تحقیقات خود فهمیدند که عنکبوت به انتظار نمی‌نشیند تا حشره‌ها به سمتش بروند، بلکه تارهایش را برای شکار آن‌ها به‌کار می‌گیرد!
- ۳) دانشمندان بالاخره پی بردند که عنکبوت به انتظار آمدن حشرات به سوی خود نمی‌ماند، بلکه از تارهای خود مثل یک وسیله استفاده می‌کند تا شکارشان کند!
- ۴) به تازگی علما در تحقیقاتشان فهمیده‌اند که عنکبوت انتظار نمی‌کشد که حشرات به سمتش بیایند، بلکه تارهایش را مثل ابزاری برای شکارشان به‌کار می‌برد!

۷۱۴. «الْخَرْطُومُ فِي الْفِيلِ عَضُوٌّ خَاصٌّ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَأْخُذَ بِهِ حَبَّةَ السُّكَّرِ وَيَأْكُلُ أَوْرَاقَ الْأَشْجَارِ الْخَضْرَاءِ وَالْأَعْشَابِ أَيْضًا.»: خرطوم ...

- ۱) اندام ویژه فیل است که با آن توان گرفتن حبه قند را و برگ درختان و گیاهان سرسبز را هم دارد!
- ۲) فیل عضوی خاص در اوست تا بتواند با آن دانه‌های قند را بلند کند و برگ‌های درختان سرسبز و گیاهان را نیز بکند!
- ۳) در فیل، یک عضو مخصوص برایش است که با آن می‌تواند دانه قند را بگیرد و برگ‌های سرسبز درختان را با گیاهان بخورد!
- ۴) عضوی خاص در فیل است که می‌تواند با آن دانه قند را بگیرد و برگ‌های سبز درختان و گیاهان را هم بخورد!

۷۱۵. «هل يمكن أن يأتي يومٌ أن البشر يستعينَ بالبكتيريا المُضيئة لإضاءة المُدن؟ نعم ربّما يستطيعُ فعل ذلك.»: آیا ...

- ۱) امکان دارد که بشر از باکتری های نورانی برای منور کردن شهرها در روز کمک بگیرد؟ بله شاید توان انجامش را داشته باشد!
- ۲) ممکن است که روزی بیاید و بشر از باکتری های نورانی برای روشن کردن شهر یاری بجوید؟ آری چه بسا بتواند آن را به انجام رساند!
- ۳) احتمالش هست روزی بیاید که بشریت از باکتری هایی که نور می دهد برای روشنایی شهرها استفاده نماید؟ بله احتمالاً می تواند آن را انجام بدهد!
- ۴) امکان دارد که روزی بیاید که بشر از باکتری های نورانی برای نورانی کردن شهرها یاری جوید؟ بله، چه بسا بتواند آن را انجام دهد!

۷۱۶. «إذا نظرنا نظرةً إلى قصص الأطفال القديمة وجدنا أنها مملوءة بالحوادث التي يكون فيها الذئب والإنسان عدوين.»:

- ۱) چنانچه به داستان های قدیمی کودکانه نگاه کنیم، می بینیم که آن پر از حوادثی است که گرگ و آدم دو دشمن هم شده اند!
- ۲) اگر نگاهی به داستان های قدیمی کودکان بیندازیم، می یابیم که آن ها پر از حادثه هایی است که گرگ و انسان در آن ها دو دشمن هستند!
- ۳) هرازگاه که به قصه های اطفال قدیم گوش داده ایم آن ها را مملو از حوادثی یافته ایم که گرگ و انسان دشمنان همدیگر هستند!
- ۴) هنگامی که نگاه ما به قصه های خردسالان افتاده است، آن ها را آکنده از حوادثی یافته ایم که گرگ و انسان در آن ها به دشمنان هم تبدیل گشته اند!

۷۱۷. «ضوء الشمس وإن كان قليلاً في فصل الشتاء عاملٌ مساعدٌ لنمو الأشجار والأعشاب الطيبة.»:

- ۱) اگر چه گرمای کم خورشید در فصل زمستان اندک است، اما عاملی در کمک به پرورش درختان و گیاهان طبی است!
- ۲) اگر پرتو خورشید در فصل زمستان کم بود، اما عامل حامی پرورش درختان و علف های طیبی بوده است!
- ۳) نور خورشید، هر چند در فصل زمستان کم است، عاملی کمک کننده برای رشد درختان و گیاهان دارویی است!
- ۴) اگر چه نور خورشید در فصل زمستان کم باشد، عامل یاری رسان است برای پرورش درختان و علف های طیبی!

۷۱۸. «من العجيب جداً أن عيون البومة لا تتحرك لكن رأسها يتحرك دون أن يحرك جسمها.»:

- ۱) خیلی عجیب است که چشم های جغد حرکت نمی کند لیکن سرش را تکان می دهد بدون این که جسمش تکان بخورد!
- ۲) چشمان جغد بسیار عجیب است، آن ها را تکان نمی دهد و سرش را بدون این که جسمش به حرکت درآید، به حرکت درمی آورد!
- ۳) بسیار عجیب است که چشم های جغد حرکت نمی کند، اما سرش بی آن که تنش را حرکت دهد، حرکت می کند!
- ۴) از عجایب این است که چشم های جغد به حرکت در نیاید، اما سرش حرکت کند، بدون آن که جسمش، او را به حرکت درآورد!

۷۱۹. «أكنت تعلم أن البطة لها خزانات طبيعية تحتوى زيتاً خاصاً ينتشر على جسدها ولا تتأثر بالماء.»: آیا ...

- ۱) می دانی ذخایر مرغابی دارای روغنی ویژه است که بر جسمش می ریزد و بر آب تأثیر نمی گذارد!
- ۲) می دانستی که برای اردک انبارهایی طبیعی است و شامل روغن ویژه است تا بر روی بدنش منتشر شود و از آب تأثیر نپذیرد!
- ۳) از این که اردک، به طور طبیعی انباری دارد که روغنی مخصوص را در برمی گیرد که از آب اثر پذیر نیست و بر روی تنش پخش می شود!
- ۴) می دانستی که اردک انبارهایی طبیعی دارد که حاوی روغنی خاص است که بر روی بدنش پخش می گردد و از آب تأثیر نمی پذیرد!

۷۲۰. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) إذا نظرنا إلى حولنا شاهدنا بعض الطيور والحيوانات في الطبيعة،: اگر به اطراف خود نگاه کنیم، برخی پرندگان و حیوانات را در طبیعت مشاهده می کنیم،
- ۲) وهی تُعرفُ بغريزتها الأعشاب الطيبة وتعلم كيف تستعمل منها،: و آن ها با غریزه خود گیاهان دارویی را می شناسند و می دانند که چطور از آن ها استفاده کنند،

- ۳) للوقاية من الأمراض المختلفة وقد دلت هذه الحيوانات،: برای پیشگیری از بیماری های مختلف و این حیوانات راهنمایی شده اند،
- ۴) على الخواص الطيبية لكثير من النباتات البرية وغيرها!،: به خواص پزشکی بسیاری از گیاهان زمینی و غیر آن ها!

۷۲۱. «مع أنه ليست للبومة عيون متحركة بل هي ثابتة لكنها تحاول أن تروض هذا النقص بتحريك رأسها في كل ناحية.»: با این که ...

- ۱) دو چشم جغد جنبه نیست و آن ثابت است، اما او عوض این عیب تلاشش را می کند سرش را به هر ناحیه تکان دهد!
- ۲) برای جغد چشمانی متحرک نیست بلکه آن ها ایستا هستند، لیکن او این نقص را جبران می کند و سرش به هر سمتی می چرخد!
- ۳) جغد چشم هایی متحرک ندارد، بلکه آن ها ثابت اند اما او تلاش می کند که این کاستی را با حرکت دادن سرش در هر سمتی جبران کند!
- ۴) چشمانی که جغد دارد، حرکت کننده نیست بلکه آن ثابت شده است، می کوشد تا این کمبود را با تکان دادن سر خود به هر سمتی جبران نماید!

۷۲۲. عَيْنُ الصَّحِيح:

- ۱) يا أيها الإنسان! إنَّ قلبك للحبِّ لأنَّ الحبَّ بكلِّ أشكاله وأوانه يسبُّبُ،: ای انسان! قلبت را به عشق ببخش، زیرا که عشق با همه شکل ها و رنگ هایش سبب می شود،

- ۲) أن تُحبَّ الحياةَ ورتباً وأن تُعطيه قلبك له خالصاً وتستعين به في كلِّ الأمور،: که زندگی و خدایت را دوست داشته باشی و اگر قلبت را خالصانه به او ببخشی در همه امور از او یاری می جویی،

- ۳) وكن شاكراً وإن وقعت في الصعوبات واصبر فالمُعجزة تحدث في ثوانٍ لا سنوات،: و شکر کن که اگر در سختی افتادی و صبر کن چرا که معجزه در چند ثانیه رخ می دهد نه سال ها،

- ۴) ربّما اليوم ولعلَّ غداً فهي إن تعسّرت عليك لا بدَّ أن تتيسّر وهذا وعد رتّبك!،: چه بسا امروز و شاید فردا، پس اگر آن را بر خود سخت بگیری، برای حتماً آسان می شود و این وعده پروردگارت است!

۷۲۳. «يا أبناء أمتنا الإسلامية، لِنواصل جُهدنا حتّى تحقيق النَّصر النَّهائى وَنَتَصِرَ عَلَى أَعْدائنا فى كُلِّ الْمَجالات.»:

- ۱) ای فرزندان اُمت اسلامی ما، باید به تلاش‌های خود تا تحقق پیروزی نهایی ادامه دهید و در تمام زمینه‌ها بردشمنان پیروز شویم!
- ۲) ای جوانان اُمت اسلامی ما، ما باید تا تحقق پیروزی نهایی به تلاش خود ادامه دهیم و بتوانیم بردشمنان خود در همهٔ زمینه‌ها پیروز شویم!
- ۳) ای فرزندان اُمت اسلامی ما، باید به تلاش خود تا محقق شدن پیروزی نهایی ادامه دهیم و بردشمنانمان در تمام زمینه‌ها پیروز گردیم!
- ۴) ای فرزندان مسلمان اُمت ما، باید تا زمان تحقق پیروزی نهایی به تلاش خود ادامه دهید و در همهٔ زمینه‌ها بردشمنان خود پیروز شویم!

۷۲۴. «لم يشارك هؤلاء التلاميذ فى امتحان اليوم و لن يشاركوا غداً لأنهم مرضى جداً.»:

- ۱) این دانش‌آموزان در امتحانات امروز شرکت نکرده‌اند و فردا شرکت نخواهند کرد، زیرا آن‌ها واقعاً بیمارند!
- ۲) این دانش‌آموزان در امتحان امروز شرکت نکرده‌اند و فردا شرکت نمی‌کنند، زیرا آن‌ها بسیار مریض‌اند!
- ۳) این دانش‌آموزان در امتحان امروز شرکت نکرده‌اند و فردا شرکت نخواهند کرد، به دلیل این‌که آن‌ها بسیار بیمارند!
- ۴) این دانش‌آموزان در امتحان امروز شرکت نکرده‌اند و در امتحان فردا شرکت نخواهند کرد، زیرا آن‌ها در واقع مریض هستند!

۷۲۵. «الالتزام و التمسك بقيم الإسلام الرفيعة و الاهتمام بالحريات و مشاكل الناس، من الأصول.»:

- ۱) التزام و پایبندی به ارزش‌های والای اسلام و توجه به آزادی و مشکلات مردم، از اصول است!
- ۲) تعهد و پایبندی به ارزش‌های والای اسلام و توجه به آزادی‌ها و مشکلات مردم، از اصول است!
- ۳) التزام و تعهد به ارزش‌های اسلام که والاست و توجه به آزادی‌ها و سختی‌های ملت از اصل هاست!
- ۴) تعهد و پایبندی به ارزش‌های ارزشمند اسلام و عنایت به آزادی‌ها و مشکلات ملت از اصول مهم است!

۷۲۶. «كان الجنودُ يذهبون إلى ساحات القتال و تجرى على ألسنتهم أنشودةٌ حماسيةٌ.»:

- ۱) سربازان به میدان‌های نبرد می‌رفتند در حالی‌که بردهانشان سرودی حماسی جاری می‌شد!
- ۲) لشکریان به میدان‌های جنگ می‌روند و برزبانانشان سرود حماسی روان می‌شد!
- ۳) سربازان به میدان‌های جنگ می‌رفتند و برزبان‌هایشان سرودی حماسی جاری می‌گشت!
- ۴) سپاهیان به سوی میدان‌های نبرد روانه می‌شدند و برزبان‌های آن‌ها سرودی حماسی جاری می‌شود!

(تجربی ۹۷)

۷۲۷. «إنَّ السَّعادةَ ليست الحصول على ما لا نملك، بل هي أن ندرك قيمة ما نملك!»:

- ۱) سعادت در آنچه که داریم نیست، بلکه آن است که ارزش آنچه را داریم بدانیم!
- ۲) خوشبختی در آنچه نداریم نیست، بلکه درک آن چیزی است که مالک آن هستیم!
- ۳) سعادت، دستیابی به آنچه نداریم نیست، بلکه آن است که ارزش آنچه را داریم درک کنیم!
- ۴) خوشبختی به دست نیآوردن نداشته‌ها نیست، بلکه فهمیدن آن چیزی است که مالکش هستیم!

(ریاضی ۹۶)

۷۲۸. «هناك كثيرٌ من الأشخاص يتحملون المشقات فى حياتهم ليكتسبوا المعالى.»:

- ۱) آن‌جا بسیارند کسانی که سختی‌های زندگی را متحمل می‌شوند تا بزرگی‌هایی برایشان به دست آید!
- ۲) این‌جا هستند افراد بسیاری که مشقات را در زندگی‌شان تحمل کرده، برتری‌ها را به دست می‌آورند!
- ۳) بسیاری از اشخاص هستند که مشقات را در زندگانی‌شان تحمل کرده، برتری‌ها را کسب نموده‌اند!
- ۴) بسیاری از افراد هستند که در زندگی خود سختی‌ها را تحمل می‌کنند تا بزرگی‌ها را به دست آورند!

(ریاضی ۹۶)

۷۲۹. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) هذه اليد يحبها الله: این دست است و خداوند آن را دوست می‌دارد!
- ۲) هذه يدٌ يحبها الله: این دستی است که خداوند آن را دوست می‌دارد!
- ۳) هؤلاء المكرمون لا يتكبرون على أولئك: این گرامیان بر آن‌ها تکبر نمی‌ورزند!
- ۴) هؤلاء مكرمون لأنهم لا يتكبرون على الآخرين: اینان گرامی هستند، چون بر دیگران تکبر نمی‌کنند!

(هنر ۹۴)

۷۳۰. «الدين الوحيد الذى له لغةٌ مشتركةٌ لأتباعه، هو الإسلام، و لغته المشتركة هي لغة القرآن.»:

- ۱) اسلام یگانه دینی است که برای پیروان خود زبان مشترک را قرار داده، یعنی زبان مشترک قرآن را!
- ۲) تنها دینی که برای پیروان خود زبان مشترکی دارد اسلام است و زبان مشترک آن زبان قرآن است!
- ۳) اسلام همان دینی است که برای پیروانش زبانی مشترک دارد، یعنی زبان مشترک قرآن!
- ۴) فقط اسلام است که برای پیروانش زبانی را مشترک قرار داده که آن زبان قرآن است.

(ریاضی ۹۴)

۷۳۱. «الفُرسُ الذَّهبيَّةُ تحصلُ لجميع الناس، و لكنَّ النَّاجحين هم الذين يقتنصونها.»:

- ۱) فرصت‌هایی طلایی وجود دارد که برای همهٔ مردم پیش می‌آید ولی تنها پیروزمندان هستند که موفق به شکار آن‌ها می‌شوند!
- ۲) فرصت‌های طلایی برای تمامی مردم حاصل می‌گردد، ولی انسان‌های موفق همان کسانی هستند که آن‌ها را شکار می‌کنند!
- ۳) فرصت‌های زرّین برای همهٔ انسان‌ها حاصل شدنی است، اما تنها افراد پیروز هستند که شکارش می‌کنند!
- ۴) برای تمامی مردمان فرصت‌هایی زرّین به دست می‌آید، ولی فقط افراد موفق به شکار آن نایل می‌شوند!

- ۷۲۲.** «كنت أحسن أن الحياة سوف تَمُرُّ بي بصعوبة كثيرة مع فقدانه.» (تجربی ۹۳)
- (۱) حس کرده بودم زندگی با عدم وجود او بر من خیلی سخت می‌گذرد!
 (۲) حس می‌کردم با فقدان او زندگی جداً با من به دشواری روبه‌رو خواهد شد!
 (۳) احساسم این بود که زندگی بر من بسیار دشوار سپری خواهد شد با نبود او!
 (۴) احساس می‌کردم که با از دست دادن او زندگی بسیار سخت بر من خواهد گذشت!
- ۷۲۳.** «الإبتسام على الحياة يقويك على إنجاز الأعمال الصعبة والأمر العظيم.» (انسانی ۹۳)
- (۱) خندیدن بر زندگی، تو را بر انجام کارهای شاق و سخت و بزرگ قادر می‌سازد!
 (۲) خندیدن برای زنده ماندن، اعمال سخت و کارهای بزرگ را برای تو ساده می‌کند!
 (۳) لبخند زدن برای حیات داشتن، تو را در اعمال سخت و کارهای عظیم یاری می‌دهد!
 (۴) لبخند زدن به زندگی تو را در انجام دادن اعمال سخت و کارهای عظیم توانمند می‌کند!
- ۷۲۴.** «من يسمعون كلام الأنبياء الحق قليلون، أولئك هم الفائزون والمرشدون إلى طريق الحق.» (زبان ۹۱)
- (۱) آن‌ها که سخنان درست را از پیامبران شنیده‌اند کم هستند؛ و آنان رستگاران و هدایت‌شدگان به راه حق می‌باشند!
 (۲) کسانی که سخن حق انبیا را می‌شنوند اندک هستند آن‌ها همان رستگاران و هدایت‌شدگان به راه حق می‌باشند!
 (۳) آن‌ها که حقیقتاً کلام انبیا را بشنوند اندک هستند آن‌ها همان رستگاران و راهنمایان به طریق حق می‌باشند!
 (۴) کسانی که سخن حق را از انبیا بشنوند کم‌اند ولی آن‌ها همان رستگاران و هدایتگران به راه حق‌اند!
- ۷۲۵.** «على البخيل أن لا يشككي حياته المحقرة لأنه قد انتخبها بنفسه.» (انسانی ۹۱)
- (۱) کسی که بخیل است زندگی محقر را خود پذیرفته، پس نباید از آن شکایتی کند!
 (۲) بر بخیل واجب است که زندگی فقیرانه‌ای که خود انتخاب کرده بپذیرد و شکایتی نکند!
 (۳) انسان بخیل نباید از زندگی حقیرانه خود شکایت کند، زیرا خود آن را انتخاب کرده است!
 (۴) انسان بخیل لازم نیست از زندگیش که محقر است شکایت کند، زیرا انتخاب خود اوست!
- ۷۳۶.** «كانت أمي ألحت علي أن لا أحاكي الآخرين وأعتد على نفسي وأقف على قدمي.» (تجربی ۹۱)
- (۱) مادر من اصرار داشت که از دیگران پیروی نکرده فقط بر خویش تکیه کنم و بر پاهای خود بایستم!
 (۲) مادرم بر من فشار می‌آورد که از دیگران تبعیت نکرده به خود تکیه کنم و روی پای خویش بایستم!
 (۳) مادر من پافشاری کرد که از دیگران پیروی نکنم و اعتماد به نفس داشته باشم و روی پای خود بایستم!
 (۴) مادرم به من اصرار کرده بود که از دیگران تقلید نکنم و به خود اعتماد کنم و بر روی پاهای خود بایستم!
- ۷۳۷.** «لا تسمح لنفسك أن تخدعك و توقعك في طلب مال الدنيا بذريعة ضرورية.» (زبان ۸۹)
- (۱) نفس تو اجازه ندارد که به وسیله نیاز به مال، تو را فریب داده، تا به راه کسب ثروت دنیا وارد شوی!
 (۲) به نفست اجازه مده فریبیت دهد و تو را به دنبال طلب مال دنیا بیندازد به بهانه ضروری بودن آن!
 (۳) اجازه مده که نفست به بهانه ضرورت، تو را به دنبال طلب مال اندک دنیا انداخته، فریب بدهد!
 (۴) نیاز به مال را بهانه‌ای برای به دست آوردن مال دنیا قرار مده، تا نفس تو نیز چنین بهانه‌ای یابد!
- ۷۳۸.** «كان الباحثون المسلمون يهاجرون إلى النقاط البعيدة من الأرض لاكتشاف أسرار الكون.» (ریاضی ۸۷)
- (۱) پژوهشگران اسلامی به مناطق دوردستی از زمین برای کشف راز هستی سفر کرده‌اند!
 (۲) محققان مسلمان برای کشف اسرار هستی به نقاط دوردست زمین مهاجرت می‌کردند!
 (۳) جست‌وجوگران اسلامی به اقصی نقاط زمین برای به دست آوردن رازهای جهان مسافرت کرده بودند!
 (۴) تحقیق‌گران مسلمان بودند که به مناطق دوردست زمین برای اکتشاف اسرار دنیا مهاجرت نمودند!
- ۷۳۹.** «إذا انكسر ضوء الشمس في قطرات الماء الصغيرة الموجودة في الجو، تحدث ظاهرة بإسم قوس قزح.» (ریاضی ۸۶)
- (۱) هنگامی که نور خورشید در قطرات کوچک آب موجود در هوا بشکند، پدیده‌ای به نام رنگین‌کمان اتفاق می‌افتد!
 (۲) وقتی شعاع خورشیدی در قطره‌های کوچک آب موجود در جو شکست، شکل آشکار قوس قزح ظهور می‌یابد!
 (۳) هرگاه اشعه خورشید در قطرات کوچک آب‌های موجود در فضا شکسته شد، جلوه ظاهری رنگین‌کمان پدیدار می‌شود!
 (۴) زمانی که نور خورشید در قطره‌های آب کوچک موجود در جو شکسته شود، قضیه قوس قزح به وجود می‌آید!
- ۷۴۰.** «من الواجب علينا أن لا نغض عيننا عن فوائد النباتات الكثيرة لسلامة جسمنا.» (انسانی ۸۶)
- (۱) بر ما واجب است از فواید گیاهان بسیاری که برای سلامتی بدن ما وجود دارد، چشم‌پوشی نکنیم!
 (۲) ما نباید از فایده‌های بی‌شمار گیاهان که برای سلامتی بدنمان ساخته شده، صرف‌نظر کنیم!
 (۳) بر ماست که از فواید بسیار گیاهان برای سلامتی بدنمان چشم‌پوشی نکنیم!
 (۴) ما نباید از فایده‌های گیاهان بسیار، برای سلامتی بدن خود صرف‌نظر کنیم!

(زبان ۸۹)

۷۴۱. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) اُتْرَكَ الْكَسْلُ الْيَوْمَ لِكِي تَتَقَدَّمُ غَدًا: اگر تنبلی امروز را ترک کردی فردا پیشرفت می‌کنی!
- ۲) لَا تَعْجَلْ فِي أَنْ تُحْصِيَ عِيُوبَ النَّاسِ، أَيُّهَا الْفَتَى: ای جوان، در شمردن عیب‌های مردم عجله مکن!
- ۳) اصْبِرْ عَلَي مِرَاةِ الْحَقِّ لِتَذُوقَ حَلَاوَةِ عَاقِبَتِهِ: بردشواری حق صبر کن تا شیرینی عاقبت آن را بچشی!
- ۴) لَا حِجَابَ أَظْلَمَ مِنْ جَهْلِ الْإِنْسَانِ رَيْهَ: هیچ حجابی تاریک‌تر از جهل انسان نسبت به پروردگار خود نیست!

(هنر ۸۸)

۷۴۲. «إِنْ أَرْفَعِ الْعِبَادَ دَرَجَةً مِنْ أَمْتَلًا قَلْبُهُ إِيمَانًا»:

- ۱) بالاترین مرتبه برای بندگان آن است که قلبشان را پر از ایمان کنند!
- ۲) بلند مرتبه‌ترین بندگان کسی است که قلبش پر از ایمان شده باشد!
- ۳) بی‌شک کسی که قلبش پر از ایمان شده باشد از بندگان بلندمرتبه است!
- ۴) آن‌که قلبش را از ایمان مملو سازد در بالاترین درجه بندگی قرار گرفته است!

(ریاضی ۸۶)

۷۴۳. «قَدْ حَاوَلَ الْمُسْلِمُونَ كَثِيرًا فِي الدِّفَاعِ عَنِ الْمَظْلُومِينَ فِي عَالَمِنَا الَّذِي مُلِيَءٌ بِالظُّلْمِ»:

- ۱) مسلمانان فراوانی برای دفاع کردن از ستمدیدگان در دنیای مملو از ستم ما، تلاش نموده‌اند!
- ۲) مسلمانان در دفاع از مظلومان در دنیای ما که مملو از ظلم شده است، بسیار تلاش کرده‌اند!
- ۳) برای دفاع از مظلومان این جهان که غرق در ظلم است، مسلمانان تلاش بسیاری را نموده‌اند!
- ۴) مسلمانان بسیاری در جهان پر از ظلم و ستم برای دفاع از مظلومان، سعی و تلاش زیادی کرده‌اند!

(زبان ۸۶)

۷۴۴. «إِنَّ الْإِبْتِعَادَ عَنِ التَّبَعِيَّةِ وَالتَّكَاسُلِ كَانِ مِنْ أَسْبَابِ التَّقَدُّمِ لِلشُّعُوبِ الْمُتَقَدِّمَةِ»:

- ۱) دوری کردن از تبعیت و تنبلی علت پیشرفت ملت‌های متقدم بوده است!
- ۲) دوری جستن از دنباله‌روی و کاهلی از جمله علل پیشرفت ملل پیشرفته بود!
- ۳) اگر ملل پیشرفته تبعیت و تنبلی را کنار بگذارند به پیشرفت بیشتری نایل خواهند شد!
- ۴) چنانچه ملت‌ها از دنباله‌روی و کاهلی دوری کنند وسیله پیشرفت و تقدم خود را فراهم می‌سازند!

(ریاضی ۸۶)

۷۴۵. «عِنْدَمَا تَرُوحُ عِنْدَ وَالِدَيْكَ وَهَمَا قَدْ عَاتَبَا جُورَ الزَّمَانِ، ابْذُلْ لَهُمَا حَبْكًا»:

- ۱) وقتی نزد پدر و مادرت که از ظلم زمانه رنج کشیده‌اند می‌روی، محبت خود را نثارشان کن!
- ۲) رایحه پدر و مادرت که از ظلم زمانه رنج بسیار برده‌اند، باعث شده که محبتت را نثارشان کنی!
- ۳) زمانی که پیش پدر و مادرت راه می‌روی درحالی‌که ستم زمان آن‌ها را ضعیف کرده، محبتت را برای آن‌ها بخشش کن!
- ۴) آن‌گاه که پیش والدینت رفتی، عشق خویش را برای آن دو که از جور زمان در رنج هستند ارزانی بدار!

(خارج از کشور ۸۸)

۷۴۶. «إِنَّ الْإِنْسَانَ السَّاعِي هُوَ الَّذِي يَقْذِفُ قَلَادَةَ الْكَسْلِ بَعِيدًا»:

- ۱) کوشا انسانی است که گردنبنند کسالت را همیشه به دور می‌اندازد!
- ۲) کوشا کسی است که گردنبنند تنبلی را از خود دور می‌کند!
- ۳) انسان کوشا کسی است که قلاده تنبلی را دور می‌اندازد!
- ۴) انسان کوشا قلاده کسالت را دائماً به دور می‌اندازد!

واژگان

۷۴۷. عَيْنُ الصَّحِيحِ: «ظَنَّ وَالِدِي أَنَّ الْعَابِرَ فَقَدَ الطَّرِيقَ فَدَلَّهُ عَلَى الطَّرِيقِ الصَّحِيحِ»:

- ۱) هدایت شد
- ۲) پیدا کرد
- ۳) راهنمایی کرد
- ۴) یافت

۷۴۸. عَيْنُ الْخَطَا فِي التَّرْجُمَةِ:

- ۱) رَبَّنَا خَالِقِنَا وَهُوَ لَطِيفٌ: آفریدگار
- ۲) بِالْعِبَادِ لِأَنَّهُمْ خَلَقَهُ: او خلق کرده است
- ۳) وَهُوَ خَلَقَنَا عَلِيمٌ: بسیار آفریننده
- ۴) وَلَيْسَ خَلْقُ الْمَخْلُوقَاتِ لَهُ صَعْبًا: خلق کردن

۷۴۹. مَا هُوَ الصَّحِيحُ فِي التَّرْجُمَةِ:

- ۱) رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا: گوش دادیم - پیام‌دهنده‌ای
- ۲) يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ: دعوت می‌کند - ایمان بیاورید
- ۳) فَاَمِنَّا رَبَّنَا فَأَغْرَفْنَا دُنُوبَنَا: ایمان آوردیم - ببخش
- ۴) وَكَفَّرْنَا عَنَّْا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقْنَا مَعَ الْأَبْرَارِ: بیوشان - مردیم

۷۵۰. عَيْنُ الْجَوَابِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ فِي تَرْجُمَةِ الْمَفْرَدَاتِ ذَاتِ الْمَعْنِيِّينَ حَسَبِ سِيَاقِ الْجَمْلِ:

- ۱) هَلْ تَعْرِفُ مَا اسْمُ هَذَا السَّائِلِ: پرسشگر / مابِع
- ۲) أَيُّمَاكَ أَنْ تُدِيرَهَا؟ نعم: اداره کنی / بچرخانی
- ۳) إِنِّي أَمْلِكُ كِتَابًا لِسَانًا: دارم / فرمانروایی می‌کنم
- ۴) هَذِهِ الْعُيُونُ جَمِيلَةٌ: چشم‌ها / چشمه‌ها

۷۵۱. «إِذَا أَدْرَكَ الْغَرَابِ الْخَطَرَ يُحْذِرُ بِصَوْتِهِ الْحَيَوَانَاتِ لِتَبْتَعِدَ عَنِ الْخَطَرِ» اخْتَرِ الصَّحِيحَ فِي تَرْجُمَةِ الْمَفْرَدَاتِ:

- ۱) کبوتر - صدا می‌دهد - تا دوری کنند
- ۲) کلاغ - برحذر می‌دارد - که دور روند
- ۳) کلاغ - هشدار می‌دهد - تا دور شوند
- ۴) کلاغ - هشدار می‌دهد - تا دور کند

۷۵۲. عین العبارة التي جاءت فيه مفردة غريبة عن الأخرى:

- (۱) حُسْن - فُجِح - نَظَر - صَيِد - قَيْد - حُمُق
(۲) لِسَان - عَيْن - أُذُن - يَد - وَجْه - رَأْس
(۳) جِرْبَاء - بَوْمَة - بَط - قَطَع - كَلْب - حَمَامَة
(۴) غَيْم - شَمْس - قَمَر - سَحَاب - سَمَاء - نَجْم

۷۵۳. عین الخطأ في المضادات:

- (۱) في جسم أحد عشر سائلا لا يمكن العيش دونه ← جامد
(۲) الجرباء ذات عيون متحركة ← ثابتة
(۳) ربنا إنك من تدخل النار فقد أخزيتك ← تخزج
(۴) تُعطي البقرة الحليب للناس ← تأخذ

۷۵۴. عین الصحيح في المرادفات والمضادات فيما يلي:

- (۱) ما قَسَمَ اللهُ للعباد شيئا أفضل من العقل ← = نَسَرَ
(۲) نَظَرُ الإنسان إلى وجه والديه والبحر والقرآن عبادة ← = شَاهَدَ
(۳) وَضَرَبَ لنا مثلا ونَسِيَ خلقه ← ≠ ذَكَرَ
(۴) جَمَالُ المرأة فَصَاحَةٌ لسانه ← ≠ فُجِحَ

۷۵۵. «كائنات تعيش في الماء والتراب والجو بعضها مفيدة والبعض الآخر ضارة» عین المفردة المناسب حسب الإيضاح:

- (۱) زَيْت (۲) أعشاب (۳) بكتيريا (۴) سائل

۷۵۶. عین الخطأ في الإيضاحات:

- (۱) آكلة الحشرات وتغيراتها اللونية سريعة وتحتوي على مزيج من الألوان ← الفراشة
(۲) طائرة تستعين بحاسة سمعها القوية وعينيها الكبيرتين اللتين تنام الليل ← البومة
(۳) جميع الوسائل التي نتخذها لاثقاء الأمراض كالتطهير والتلقيح ← الوقاية
(۴) سائل نباتي أو حيواني أو معدني نستعمله في الطعام ولحركة المحركات ← زيت

۷۵۷. عین الخطأ في الجموع المكسرة ومفرداتها:

- (۱) له ألوان متعددة ينبعث ضوءها من الأسماك ← أضواء
(۲) يستفيد البشر بالبكتيريا لإنارة المَدَن ← المدينة
(۳) الكلب حيوان يُحرَّك ذنبه لأجل الشكر ← ذنوب
(۴) الحيوانات تعرف بغريزتها الأعشاب الطبية ← العشب

۷۵۸. «كان يخاف أخي الصغير من الظلام لذلك قام أبي بـ... البيت ليلاً بمصابيح متعددة» ما هو الخطأ لتكميل الفراغ:

- (۱) إنارة (۲) إضاءة (۳) ضوء (۴) تنوير

۷۵۹. «... الغابة المجاورة على أنواع مختلفة من الحيوانات كالقطط والكلاب والغربان وغيرها» عین الصحيح:

- (۱) توجَد (۲) تحتوى (۳) تحفظ (۴) تسكن

۷۶۰. «كنت في داخل المتحف فقال لي الموظف: عفوا لا يمكن أن... صورة» عین الصحيح:

- (۱) تجلب (۲) تلتقط (۳) تشاهد (۴) تُعطي

۷۶۱. «شاهدت ليلة أمس كيف انقطع الكهرباء عن المدينة بالكامل وبدت النجوم... في ظلامها» انتخب الجواب المناسب:

- (۱) جميل (۲) مطهرة (۳) مُضيئة (۴) إنارة

۷۶۲. «قال المدرس للطلاب: إذا كنتم لا تعرفون الإجابة عند الامتحان، فخير لكم أن تنتقلوا إلى السؤال التالي لعدم... الوقت» المناسب هو...

- (۱) إدارة (۲) إضاعة (۳) قلّة (۴) زيادة

۷۶۳. «كان رأيي في أغلب الأمور... رأى أخي لأني كنت أظنه منطقياً في رأيه» ما هو الفعل المناسب للفراغ حسب المعنى:

- (۱) يتأثر به (۲) يؤثر على (۳) ينتفع به (۴) يُعير

۷۶۴. «عندما نُعطي الطعام إلى الكلاب فهي...،... لها ليشكر منا» ما هو الصحيح للفراغين:

- (۱) تتحرك - لسان (۲) تحرك - ذنب (۳) تحرك - لسان (۴) تتحرك - ذنب

۷۶۵. «... الأمراض في فصل الشتاء بسبب الجو البارد و... وعلينا الوقاية منها» ما هو الصحيح لتكميل الفراغين:

- (۱) توجد - السائل (۲) تنتشر - البكتيريا (۳) أحدثت - الأمراض (۴) تنشر - الثلج

۷۶۶. «... البحار والمحيطات على أنواع مختلفة من الأسماك والكائنات الحية التي تعيش في...ها» عین الصحيح:

- (۱) تشتمل - جنب (۲) تحتوى - أعماق (۳) تشتمل - بين (۴) تعرف - داخل

۷۶۷. «كانت الأمور في الشركة... بشكل سيئ فلما جاء هذا المدير...ها بشكل حسن» ما هو المناسب لتكميل الفراغين:

- (۱) تدور - أدار (۲) تُدير - تدور (۳) تدور - تدور (۴) تُدير - تُدير

۷۶۸. «ما كنت أعرف كيف... الجوال الجديد حتى...ني أخي لأنه كان عارفاً به» ميز الصحيح للفراغين:

- (۱) أستفيد - علم (۲) أستخدم - علم (۳) أستعين - أدار (۴) أستطيع - أرشد

۷۶۹. عین الخطأ:

- (۱) الإنسان أدب أصدقائه و هم، ← يتأثر به - يؤثر على
(۲) وعليه أن عن الذي ه، ← يبحث - ينفع
(۳) ومن به أيضاً و على الصراط الصحيح، ← ينتفع - يدل
(۴) وإذا ارتكبت خطأ ف ل ه! ← يحول - يعوض

۷۷۰. «حينما نادى المدير الطالب الذى ... الزجاجَة ف... وجهه بسرعة و... خائفاً، مَيَزُ الصَّحِيحَ للفراغات:

(۱) إنكسرت - غير - هرب (۲) قطع - تغير - بعد (۳) كسر - أدار - ابتعد (۴) كسرت - كتم - ابتعد

۷۷۱. «من الغاية راحة الزهور الجميلة و التباتات التى ما ... يد الإنسان في زراعتها، مَيَزُ الصَّحِيحَ للفراغات:

(۱) تنبعث - البرية - تدخلت (۲) نحس - الطيبة - زرعت (۳) نشم - الترابية - دخلت (۴) تبعث - البرية - زرعت

۷۷۲. «عقارب الساعة من ... إلى ... و ... العقرب الضعيف ... الساعات والكبير ... الدقائق فإذا أردنا تقديم أو تأخير الساعة ... ها دورة كاملة» عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

(۱) تحرك - اليسار - اليمين - يسيّر - إلى - إلى - ندور (۲) تتحرك - اليمين - اليسار - يدل - على - على - ندير (۳) تتحرك - الأعلى - الأسفل - تشير - إلى - إلى - ندير (۴) تتحرك - الأسفل - الأعلى - تدل - على - على - ندور

۷۷۳. عَيِّنِ الصَّحِيحَ حسب الحقيقة والواقع:

(۱) الذنّب هو عضوٌ خلف جسم الحيوانِ و تحركها غالباً لطرده الحشرات المؤذية!
(۲) إن البومة هي من الطيور التي تنام في النهار و تبحث عن الغداء في الليل!
(۳) الجرباء والقطن والكلب والبطة كلها حيوانات تحسب من الحيوانات البرمائية!
(۴) الوقاية هي دفع حادثة بعد وقوعها و كما قالوا: هي خير من العلاج!

۷۷۴. عَيِّنِ الخَطَأَ حسب الواقع:

(۱) للغراب صوتٌ يحذر به بقية الحيوانات حتى تتبعد سريعاً عن الخطر!
(۲) لا تتحرك عين الحرباء فإنها ثابتة و لكنها تدير رأسها في كل جهة!
(۳) إن لسان القطن سلاح طبي دائم لأنه مملوء بغدد تفرز سائلاً مطهراً!
(۴) للبط غدة طبيعته بالقرب من ذنبها تحتوى زيتاً خاصاً!

مفهوم



۷۷۵. «شرف المرء بالعلم و الأدب لا التسب» مَيَزُ الصَّحِيحَ في مفهوم العبارة:

(۱) بی نام و نشان شو که در این کوی خرابات (۲) بگو که حال چه داری مگو که اصلت چیست (۳) پسر نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم شد (۴) گر عاشق دلدارى ور سوخته یارى

۷۷۶. «صدور الأحرار قبور الأسرار» لا يكون مفهوم العبارة:

(۱) برلبش مهر است و در دل رازها (۲) عارفان که جام حق نوشیده اند (۳) هر که را اسرار حق آموختند (۴) افشای راز خلوتیان خواست کرد شمع

۷۷۷. «العلم ضيئ و الكتابة قيئ» لا يكون الغرض من العبارة:

(۱) قَيِّدُوا العلم بالكتابة (۲) علم اندر سينه بايد نه سفينه (۳) الكتابة صياد العلم (۴) دانش در بند نگارش بکش

۷۷۸. عَيِّنِ المناسب في المفاهيم:

(۱) «قُلْ سبِرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ» ← چندین هزار منظره زیبا ببایرید
(۲) «إِنَّ اللَّهَ لَا يَكْفُلُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» ← مدبری که به گل نکهت و به گل جان داد
(۳) «ثمرة العلم إخلاص العمل» ← «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»، و إنما لكل امرئ ما قصد!
(۴) «نومٌ على علمٍ خيرٌ من صلاةٍ على جهلٍ» ← «إِذَا نَامَ الْعَالِمُ أَفْضَلُ مِنْ أَنْ يُصَلِّيَ الْجَاهِلُ!»

۷۷۹. «الحسد يأكل الحسنات كما تأكل النار الحطب» ليس الغرض من العبارة:

(۱) حسد آن جا که آتش افروزد (۲) حسد مرد را دل به درد آورد (۳) ز بس رنج و آفت که در زندگی است (۴) حسد برد بدگوی در کار من
(۱) خرمن عقل و عاقبت سوزد (۲) میان دو آزاده گورد آورد (۳) حسد می برم مردگان را به مرگ (۴) سیاه شد بر شاه بازار من

۷۸۰. ﴿وَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ أَيُّهُ الْمَفَاهِيمِ التَّالِيَةِ مَنَاسِبَةٌ لِمَفْهُومِ الْآيَةِ:

- ۱) از آن پس نمیرم که من زنده‌ام
- ۲) چنان بایدت زیستن در جهان
- ۳) می‌کنند اهل هنر نام بزرگان را بلند
- ۴) ز بد گردد اندر جهان، نام بد

۷۸۱. ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ لَا يَكُونُ مَفْهُومِ الْعِبَارَةِ:

- ۱) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام
- ۲) منزل چه سازد و چه کند رخت بیشتر
- ۳) در طبع جهان اگر وفایی بودی
- ۴) زان در که آمدی به همان بایدت شدن

۷۸۲. «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ سَلِمَ الْآخِرُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدُهُ» عَيْنُ الْأَقْرَبِ مِنَ الْمَفْهُومِ:

- ۱) گر در جهان دلی ز تو خرم نمی‌شود
- ۲) مباحث در پی آزار و هر چه خواهی کن
- ۳) امروز جفانمی‌کنند کس
- ۴) آنچه ما را فریضه افتادست

۷۸۳. «رَبِّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ لِأَنَّ مِنْ طَلَبِ شَيْئًا وَ جَدِّ وَ جَدِّ» عَيْنُ مَا يُخَالَفُ مَفْهُومِ الْعِبَارَةِ:

- ۱) یکی را که همت بلند اوفتد
- ۲) همت من دست اگر از آستین بیرون کند
- ۳) ز کوشش، به هر چیز خواهی رسید
- ۴) مکن زغصه شکایت که در طریق طلب

۷۸۴. «التَّجْرِبَةُ فَوْقَ الْعِلْمِ» عَيْنُ الْأَقْرَبِ فِي مَفْهُومِ الْعِبَارَةِ:

- ۱) تجربه و تعلیم بیش و کم کند
- ۲) تجربت کردم و دانا شدم از کار تو من
- ۳) زدانش نخستین، به یزدان گرای
- ۴) جوان گر به دانش بود بی‌نظیر

۷۸۵. مَيِّزُ الْعِبَارَةِ الَّتِي لَا تَرْتَبُطُ بِالْمَفْهُومِ:

- ۱) ﴿إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ ← همه دانشی با خدای است و بس
- ۲) إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غَصَةٌ ← وصیت همین است جان برادر
- ۳) ﴿إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا﴾ ← در مقامی که شفاعت خط‌آمزش‌هاست
- ۴) ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ ← ز تو هر چه نتوانی ایزد نخواست

(خارج ۹۷)

۷۸۶. ﴿لَا تَنْظُرْ إِلَى دَقَاتِ الْحَيَاةِ الْمَاضِيَةِ، بَلْ أَنْظُرْ إِلَى دَقَاتِهَا الْبَاقِيَةِ!﴾ عَيْنُ مَا لَا يَنَاسِبُ مَفْهُومِ الْعِبَارَةِ:

- ۱) نیمه‌خالی لیوان را نبین!
- ۲) لا تتحسّر على ما سبق!
- ۳) بر لب جوی نشین و گذر عمر ببین!
- ۴) استفد ممّا بقى لك من الفرص!

(ریاض ۹۳)

۷۸۷. «مَنْ يَتَأَمَّلُ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمُ مِنَ الْخَطَا» عَيْنُ الْمَنَاسِبِ لِمَفْهُومِ:

- ۱) ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾
- ۲) سخندان پرورده پیر کهن
- ۳) ﴿إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ﴾
- ۴) سخن تا نپرسند لب بسته‌دار

(تجربین ۸۹)

۷۸۸. عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمَفْهُومِ:

- ۱) ﴿إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى﴾ ← اعلم أنّ لكلّ شيءٍ قرين المادّة!
- ۲) البرّان تعمل في السرّ عمل العلانية ← اعلم أنّك مسؤول عن عملك!
- ۳) لا خير في وُدّ امرئ متلّون ← على الإنسان أن تكون سريره و علانيته واحدة!
- ۴) ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ ← من عذب لسانه كثيرا خوانه!



٧٨٩. عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ تَرْتِيبِ الْكَلِمَاتِ حَوْلَ السُّؤَالِ وَالْجَوَابِ الْمُنَاسِبِينَ:

- «هل - هو - الفارسي - سلمان - لا - أعرفه - من - أم - أ - إنه - أصحاب - تعرف - من - أصله - و - إصفهان - أصلها - هي - نعرفه - نعم»:
- (١) أتعرف من هي سلمان الفارسي أم لا؟! نعم، أعرفه، إنه من أصحاب النبي (ص) وأصلها من إصفهان!
 - (٢) هل تعرف من هو سلمان الفارسي؟! نعم، أعرفه، إنه من إصفهان وأصله من أصحاب النبي (ص)!
 - (٣) أتعرف من هو سلمان الفارسي أم لا؟! لا، نعرفه، إنه من أصحاب النبي (ص) وأصله من إصفهان!
 - (٤) هل تعرف من هو سلمان الفارسي أم لا؟! نعم، أعرفه، إنه من أصحاب النبي (ص) وأصله من إصفهان!

٧٩٠. أئِ جَوَابٍ غَيْرٍ مَنْطِقِيٍّ:

- (١) لم تتعجب من زيارتي عن طاق كسرى؟! لأنه لا يذهب إليها إلا قليل من الزوار!
- (٢) هل لكم معلومات مفيدة عن طاق كسرى؟! بالتأكيد، ليس لنا معلومات كثيرة عنه!
- (٣) متى يحتفل المسلمون بعيد الفطر؟! بعد انتهاء عبادة الله في الصوم وفرح المسلمين بفطرتهم!
- (٤) لماذا تكون الأعياد ضرورية لكل أمة؟! لأنها أيام فرح و سرور شامل للمجتمع المسلم!

٧٩١. عَيِّنِ سؤَالَ لَيْسَ مُنَاسِبًا: «يَجِبُ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَسْمَعُوا نَصِيحَةَ أَبِيهِمَا وَيُطِيعُوا أَمْرَهُمَا حَتَّى يَنْتَصِرُوا فِي حَيَاتِهِمَا!»:

- (١) متى يسمع الأولاد نصيحة أبيهما!
- (٢) لم يجب على الأولاد أن يسمعوا نصيحة أبيهما!
- (٣) هل يجب على الأولاد أن يسمعوا نصيحة أبيهما فقط!
- (٤) ماذا يعمل الأولاد للإنتصار في مستقبلهم!

٧٩٢. أئِ جَوَابٍ لَيْنَاسِبٍ بِسؤَالِهِ:

- (١) هل يمكن أن أشتعير كتاباً؟! نعم، إن كنت مشتركة!
- (٢) أزجوان تخفص هذا المبلغ؟! لا يا أختي، أسعارنا محددة!
- (٣) كم متراً يكفي لخياطة فستانين؟! إذن أعطني ستة أمتار!
- (٤) متى ترتفع أسعار بعض البضائع؟! إذا ازداد طلبها و قلَّ عرضها!

٧٩٣. عَيِّنِ جَوَاباً لَا يَرْتَبِطُ مَعَ سؤَالِهِ:

- (١) هل سافرت إلى مازندران حتى الآن؟ لا، مع الأسف، لكنني أحب أن أسافر!
- (٢) كم مرة سافرت إلى إصفهان حتى الآن؟ سافرت إلى إصفهان ثلاث مرات!
- (٣) كم مرة تذهبين إلى المكتبة في كل أسبوع؟ أذهب إليها ثلاثة أيام في الأسبوع!
- (٤) أتعرفون أن بعد هذه الدنيا عالماً آخر؟! نعم، نعرف ذلك جيداً و نعتقد به!

٧٩٤. «أَنَا أَعْرِفُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ حَسَنًا لِأَنِّي وُلِدْتُ فِي مِصْرٍ وَعِشْتُ ثَلَاثِينَ سَنَةً هُنَاكَ» عَيِّنِ السُّؤَالَ غَيْرَ الْمُنَاسِبِ:

- (١) كيف تعرفين اللغة العربية؟! (٢) لماذا تعرف اللغة العربية جيداً؟! (٣) أين عرفت اللغة العربية؟! (٤) متى وفي أي مدينة من مصر وُلدت؟! (٤) متى وفي أي مدينة من مصر وُلدت؟!



■ يتغذى العنكبوت بصورة أساسية على الحشرات بعد اصطيادها بشبكة قوية يصنعها. فلماذا بعض العناكب تقوم بصنع شبكة بكفي حجمها لمرور عنكبوت واحد فقط، و تعلق هذه الشبكة على الأعصان أو تعلق في انشقاقات الأرض، فيبقى العنكبوت منتظراً في أحد أطرافها. و عند عبور الطعنة تسقط فيها غافلة، فيندفع العنكبوت في داخل الشبكة ليقبض على الصيد، ثم يقوم بترميمها وإصلاحها انتظاراً فريسة أخرى! و بعض العناكب تمتلك غدداً سامة قاتلة يستعملها العنكبوت في معاركه أمام خصومه وأعدائه!

(رياضي ٩٠)

٧٩٥. لماذا يصنع العنكبوت شبكته صغيرة؟: يصنعها صغيرة حتى

- (١) لا تدخل فيها الحشرات الصغيره!
- (٢) يعبر العنكبوت فيها بسهولة!
- (٣) يعلقها على الأعصان والأشجار!
- (٤) لا يقدر الصيد أن يفر من داخلها!

٧٩٦. لماذا تعلق الشبكة على الأعصان أو تعلق في انشقاقات الأرض؟

- (١) حتى لا يرى العنكبوت صيده فيقبضه ويأكله!
- (٢) لأن مكان عيش العنكبوت بين الأشجار والنباتات!
- (٣) حتى لا يشعر الصيد بأنه اقترب إلى منطقة الخطر!
- (٤) لأن العنكبوت يريد إخفاءها عن عيون أعدائه!

٧٩٧. عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

- (١) لا إمكان لصيد الحشرات إلا عن طريق الشبكات!
- (٢) العنكبوت كما يصيد يُصاد، هذا ممَّا لا حيلة منه!
- (٣) ينتظر العنكبوت داخل الشبكة لمجىء الصيد!
- (٤) إذا دخل الصيد الشبكة فلا شيء آخر يقدر أن يدخل فيها!

۷۹۸. علی حسب النص:

- (۱) بعد سقوط كل فريسة، تصح الشبكة بحاجة إلى الإصلاح!
 (۲) يسقط الصيد داخل الشبكة حين يرى العنكبوت واقفاً أمامها!
 (۳) حين يسقط الصيد يقوم العنكبوت بترميم الشبكة قبل كل شيء!
 (۴) جميع أنواع العناكب يمتلك عدداً سامةً قويةً تفيدده في المعارك!
- عنكبوت الماء من أعجب الكائنات الحية في عملية تنفسه! فهو لا يستطيع تنفس الأوكسجين المذاب في الماء كما تفعل الأسماك، فيقوم بصنع مكان كروئ من المواد التي تبني بها العناكب بيتها، حيث لا ينفذ منه الماء. ثم يُبْنِيه بين الأغصان المائية بمهارة وسرعة، بعد ذلك يصعد إلى السطح حتى يحمل حبابات الماء هابطاً بها بسرعة، فيضعها في شبكته، وهكذا تتكرر العملية مئات المرات حتى يمتلئ بيته بالهواء، فيدخل فيه بطريقة عجيبة وسرعة فائقة، ثم يُغلق البيت عليه ويعيش بالهدوء والراحة إلى أن ينتهي الأوكسجين فتتكرر العملية ثانية!

۷۹۹. عَيْن الصحيح:

- (۱) العناكب تبني بيوتها بمساعدة بعضها بعضاً!
 (۲) هذا النوع من العنكبوت لا يقدر أن يعيش دائماً خارج الماء!
 (۳) المواد التي تستعملها هذه العناكب لبناء البيت يختلف بعضها عن بعض!
 (۴) لا تقدر الأسماك - مثل العناكب - أن تتنفس الأوكسجين المذاب في الماء!

۸۰۰. ما هي فائدة حبابات الماء:

- (۱) بها ينزل العنكبوت إلى بيته!
 (۲) بها يصعد العنكبوت إلى السطح!
 (۳) فيها الأوكسجين المذاب!
 (۴) فيها ما يساعد العنكبوت على التنفس!

۸۰۱. لماذا يجب على العنكبوت أن يهبط بسرعة بعد مجيئه إلى سطح الماء:

- (۱) لفقدان الهواء على سطح الماء! (۲) حتى لا يموت!
 (۳) حتى لا يزول حباب الماء! (۴) لبناء بيته بسرعة!

۸۰۲. لماذا يجب على العنكبوت أن يبني بيته بصورة لا ينفذ منه الماء:

- (۱) لأنه حينئذ لا يقدر أن يتنفس!
 (۲) حتى لا يُجبر أن يكرر بناء بيته ثانية!
 (۳) لأن الماء يهدم بيته ويقطعه!
 (۴) حتى لا يدخل فيه الهواء المناسب للتنفس!



قواعد

۱. شناخت فاعل ومفعول وانواع آن‌ها:

۸۰۳. كم فاعلاً جاء في هذه الآية الشريفة: «إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»

- (۱) ثلاثة (۲) أربعة (۳) خمسة (۴) ستة

۸۰۴. عَيْن الصحيح في تعيين المفعول:

- (۱) «أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنَا فِيهِ» ← «اللَّيْلُ»
 (۲) «وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ» ← «بَنِينَ»
 (۳) «رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً» ← «رَحْمَةً»
 (۴) «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ» ← «كُم» و «كثيرة»

۸۰۵. عَيْن ما جاء فيها الفاعل والمفعول معاً:

- (۱) هل تُصدّق أن ترى في يوم من الأيام أسماكاً!
 (۲) أنظرُ بدقةً؛ تشاهد سقوط الأسماك من السماء!
 (۳) «أدع إلى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة»
 (۴) «القرآن يأمر المسلمين ألا يسبوا معبودات المشركين»

۸۰۶. عَيْن الصحيح عن إعراب الكلمات التي أُشير إليها بخط: «إِنْ تَقْرَأْ أَنْشَاءَ كَأَمَامِ الظُّلَمِ فَسَوْفَ يَنْتَبَهُ زَمِيلُكَ الْمَشَاغِبِ»:

- (۱) خبر - مضاف اليه - فاعل - مضاف اليه
 (۲) مفعول - مضاف اليه - فاعل - مضاف اليه - مفعول - مضاف اليه - فاعل - مضاف اليه
 (۳) مفعول - مجرور - خبر - مفعول - مضاف اليه - مفعول - مضاف اليه - فاعل - مضاف اليه
 (۴) مفعول - مضاف اليه - مفعول - مضاف اليه - مفعول - مضاف اليه - فاعل - مضاف اليه

۸۰۷. عَيْن الصحيح: «يشاهد أعضاء الأسرة فلماً رائعاً عن الدلفين الذي أنقذ إنساناً من الغرق وأوصله إلى الشاطئ»

- (۱) الصفة - المفعول به - الفاعل
 (۲) المضاف اليه - المفعول به - المفعول به
 (۳) المضاف اليه - المفعول به - الفاعل
 (۴) الصفة - المفعول به - المفعول به - المفعول به

۸۰۸. عَيْن المفعول به:

- (۱) ابحتي عن طريق لحل مشكلتي عالماً!
 (۲) سمعت الأم بكاء طفلتها واقبلت عليها!
 (۳) ذهبْتُ إلى حديقة عمي ضاحكاً وتَنعمتُ بخيراتها!
 (۴) التلميذ المُجدُّ لا يشعر بالخوف عند الإمتحان!

۸۰۹. عَيْن ما جاء فيه الفاعل والمفعول معاً:

- (۱) يا قوم اذكروا نعمة الله عليكم إذ جعل فيكم أنبياءً!
 (۲) الذين آمنوا وعملوا الصالحات فيوفِّيهم أجورهم!
 (۳) يا أيها الناس اتقوا ربكم إن زلزلة الساعة لشيء عظيم!
 (۴) يسكن التملُّ تحت الأرض في مساكن على شكل طبقات!

(فني و حرفه ای ۸۷)

۸۱۰. عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَعْيِينِ الْفَاعِلِ لِلْأَفْعَالِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

- (۱) «كيف تكفرون بالله وكنتم أمواتاً فأحياكم!»: ← ضمير «أنا» المستتر
- (۲) إذا أوحيت إلى الحواريين أن آمنوا بي وبرسولي!: ← الضمير «أنتم»
- (۳) «إبليس كان من الجن ففسق عن أمر ربّه!»: ← الضمير «هو» المستتر
- (۴) «والذين كفروا أعمالهم كسرابٍ يحسبُهُ الظَّمآنُ ماءً!»: ← الضمير البارز

۸۱۱. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي تَعْيِينِ الْفَاعِلِ:

- (۱) ماذا تجد على عيون بعض الحيوانات؟ ← الضمير المستتر
- (۳) إنتصر المسلمون على الروم في معركة اليرموك ← «المسلمون»

۸۱۲. عَيْنِ الْفَاعِلِ يَفْرُقُ مَعَ الْبَاقِي:

- (۱) التلاميذ المجذون يخلقون الآثار الجديدة!
- (۳) الثعلب المريض أكل بقية طعام الأسد!

۸۱۳. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي تَعْيِينِ الْفَاعِلِ:

- (۱) «والذين كسبوا السيئات جزاءً سيئةً بمثلها»: ← ضمير بارز «واو»
- (۲) لا تفعلوا أعمال الخبيرياء ولا تتركوها حياءً!: ← ضمير بارز «واو» / ضمير بارز «واو»
- (۳) كم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله!: ← ضمير بارز «ت»
- (۴) هل يستطيع بعض الحيوانات أن تنظر إلى جميع الجهات!?: ← «بعض» / ضمير مستتر

۸۱۴. عَيْنِ عِبَارَةٍ لَيْسَ فِيهَا الْمَفْعُولُ:

- (۱) تحوّل الأسماك المضيئة ظلام البحر إلى نهار مضيء!
- (۳) ما قسم الله للعباد شيئاً أفضل من العقل والعافية!

۸۱۵. عَيْنِ الْفَاعِلِ لَيْسَ ضَمِيرًا بَارِزًا:

- (۱) مريم في أداء واجباتها حاولت حتى وصلت إلى الفوز!
- (۲) سجّلنا أسماءنا في جامعة إعداد معلّم الشهيد باهنر!
- (۳) اشتريته اليوم من سوق الخضار الباذنجان والبطاطا!
- (۴) الذين لا يملكون السيارات الخصوصية يريدون أن يسافروا بالقطار غالباً!

۸۱۶. كم فاعلاً من نوع الاسم الظاهر في العبارة التالية؟ «فاستجاب لهم ربهم أني لا أضيع عمل عامل منكم!»

- (۱) اثنان (۲) واحد (۳) ثلاثة (۴) أربعة

(هنر ۸۵)

۸۱۷. عَيْنِ الْفَاعِلِ لَيْسَ اسْمًا ظَاهِرًا:

- (۱) لم تقصر الطالبات في أداء واجباتهنّ الدراسية!
- (۳) إنّ الإسلام عدّ العلماء من المجاهدين في سبيل الله!

(فنى و حرفه‌ای ۸۸)

۸۱۸. عَيْنِ الْفَاعِلِ لَيْسَ اسْمًا ظَاهِرًا:

- (۱) بينت لنا امراضنا الجسميّة قيمة سلامة أبداننا!
- (۳) تلبس في فصل الربيع الطبيعة اللباس الأخضر!

۸۱۹. عَيْنِ مَا فِيهِ الْفَاعِلُ مَعَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ:

- (۱) نحن سنقضي عطلتنا السنويّة في قريتنا قرب البحر!
- (۳) فكّرت الأمّ الحنون أنني قد نسيتها ولم يبق ذكر لها!

۸۲۰. عَيْنِ فَاعِلًا مَوْصُوفًا:

- (۱) إنهم ذهبوا للقاء ربهم وحملونا رسالة الدفاع عن أهدافهم!
- (۳) قد استخدّم العدوّ السلاح الكيماويّ ضدّ جنود الإسلام!

(هنر ۸۱)

۸۲۱. عَيْنِ الْعِبَارَةِ الَّتِي مَا جَاءَ فِيهَا الْمَفْعُولُ:

- (۱) الصدق يُنجيك! (۲) ستجدنا في السعادة! (۳) هل ترحمني! (۴) أين توكلك!

(انسانی ۸۰)

۸۲۲. ما هو الفاعل في عبارة: «الله في القرآن! لا يسبقكم بالعمل به غيركم»

- (۱) الله (۲) هو المستتر (۳) غير (۴) هي المستتر



(فنى و حرفه‌ای ۸۹)

- (۲) وصلت إلى بيت صديقي للضيافة مساءً!
- (۴) ادفعوا للفائزين جائزة مناسبة!

(فنی و حرفه‌ای ۸۸)

۸۲۳. «عَلِمْتَنِي مِنْ هِيَ أَصْغَرُ مَتْنِي، دَرَسًا عَظِيمًا!» عَيْنِ الْفَاعِلِ وَنَوْعِهِ:

(۱) من - اسم ظاهر (۲) ی - ضمير بارز (۳) هی - ضمير مستتر (۴) من - اسم استفهام

۸۲۴. عَيْنِ الْعِبَارَةِ الَّتِي لَا يَكُونُ الْفَاعِلُ فِيهَا اسْمًا ظَاهِرًا:

(۱) المسلم من سلم الناس من يده ولسانه!
(۲) لا تَسْمَخْ لِنَفْسِكَ أَنْ تَيَأْسَ فِي الْحَيَاةِ!
(۳) لَوْلَا رَحْمَةُ اللَّهِ لَهْلَكَ النَّاسُ!
(۴) الْعَاقِلُ مَنْ وَعَظَّتْهُ الْأَيَّامُ!

۸۲۵. عَيْنِ الْفَاعِلِ: «إِنَّ فَلَانًا يَعْمَلُ فِي حَقْلِهِ، وَكَانَ مِنْ أَمَالِهِ أَنْ يَرَى حَقْلَهُ مَلِيئًا بِالْأَشْجَارِ وَالنَّبَاتَاتِ؛ مَرَّتَ الْأَيَّامُ وَإِمْتَلَأَ الْحَقْلُ بِالْأُورَاقِ وَالْأَعْضَانِ»:

(۱) ضمير «هو» المستتر، الضمير المستتر، ضمير «هي» مستتر، الحقل
(۲) فَلَاحٌ، الضمير المستتر، ضمير «هو» المستتر، ضمير «ت» البارز، الحقل
(۳) ضمير «هو» المستتر، الضمير المستتر، ضمير «هو» المستتر، الأيام
(۴) الضمير المستتر، ضمير «هو» المستتر، الأيام، الإسم الظاهر

۸۲۶. عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنْ كَلِمَاتٍ أُشِيرَتْ إِلَيْهَا بِخَطِّ: «فِي الْقُطْبِ الشَّمَالِيِّ قَدْ يَتَحَوَّلُ لَوْنُ التَّلْجِ إِلَى الْأَحْمَرِ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ؛ وَالسَّبَبُ يَعُودُ إِلَى وَجُودِ بَعْضِ الْمَوْجُودَاتِ الَّتِي تَتَكَثَّرُ فِيهِ بِسُرْعَةٍ»

(۱) لون: اسم، المفرد المذكر، المفعول
(۲) واحدة: اسم، المفرد المؤنث، العدد الترتيبي
(۳) يَعُودُ: فعل مضارع و فاعله «هو» المستتر
(۴) تَتَكَثَّرُ: فعل مزيد من باب «التفاعل» بزيادة حرف واحد

۸۲۷. عَيْنِ فَاعِلًا لَيْسَ مِضَافًا:

(۱) أذكر المواضع التي يَقَعُ فِيهَا إِسْمُ الْإِسْتِفْهَامِ خَيْرًا!
(۲) قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ!
(۳) إِلَى كَمْ نَوْعٍ تَتَقَسَّمُ أَفْعَالُ الْمَقَارِبَةِ؟ اضْرِبْ مِثْلًا لِكُلِّ مِثْلِهَا!
(۴) مَا الْأَفْعَالُ الَّتِي يَجُوزُ دُخُولُ الْبَاءِ الزَّائِدَةِ عَلَى خَبَرِهَا!

۸۲۸. عَيْنِ مَا جَاءَ فِيهِ الْمَفْعُولُ:

(۱) إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِبُنَ السَّيِّئَاتِ، فَعَلِينَا بِأَدَائِهَا!
(۲) أذكر المواضع التي يَقَعُ فِيهَا إِسْمُ الْإِسْتِفْهَامِ خَيْرًا!
(۳) فِي بَيْوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُزْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا إِسْمُهُ!
(۴) نَصَحَهُ صَدِيقُهُ أَنْ يُعَامَلَ النَّاسَ مُعَامَلَةً حَسَنَةً!

۸۲۹. عَيْنِ الْفَاعِلِ لَيْسَ اسْمًا ظَاهِرًا:

(۱) لا يجوز الإصرار على نقاط الخلاف و العُدوان!
(۲) يتجلى إتحاد الأمة الإسلامية في صور كثيرة!
(۳) إِنَّ اللَّهَ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ بَيْنَ حَقَائِقٍ كَثِيرَةٍ!

۸۳۰. عَيْنِ الْفَاعِلِ عَلَى التَّرْتِيبِ: «الشاعر في هذه القصيدة شَجَّعَ الشَّابَّ إِلَى الْإِسْتِفَادَةِ مِنَ الْفُرْصَةِ وَاعْتَقَدَ أَنَّهَا لَا يَنْجَحُ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الْمَجْدُونَ»:

(۱) الشاب (الاسم الظاهر) - ضمير هو (المستتر) - ضمير هو (المستتر)
(۲) ضمير هو (المستتر) - ضمير «هُ» (البارز) - المُجْدُونَ (الاسم الظاهر)
(۳) الشاعر (الإسم الظاهر) - ضمير هو (المستتر) - ضمير هو (المستتر)
(۴) ضمير هو (المستتر) - ضمير هو (المستتر) - المُجْدُونَ (الاسم الظاهر)

۸۳۱. عَيْنِ الْفَاعِلِ وَنَوْعِهِ فِي الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ: «تَطْلُبِينَ - عَلِمْتَنَ - تَكْذِبُونَ»

(۱) ضمير بارز «ي» - ضمير بارز «تُنَّ» - ضمير بارز «واو»
(۲) ضمير بارز «ن» - ضمير مستتر «أنتنَّ» - ضمير بارز «ن»
(۳) ضمير بارز «ين» - ضمير بارز «تُنَّ» - ضمير بارز «واو»
(۴) ضمير بارز «ي» - ضمير بارز «ن» - ضمير بارز «واو»

۸۳۲. عَيْنِ «النون» لَيْسَتْ فَاعِلَةً:

(۱) تَطْلُبِينَ (۲) طَلَبْتَنَ (۳) يُطَالِبِينَ (۴) يَطْلُبُونَ

۸۳۳. كَمْ فَاعِلًا فِي هَاتَيْنِ الْعِبَارَتَيْنِ: «تُبَيِّنُ الْأَبْحَاثَ الْعِلْمِيَّةَ أَنْ الْمَجَادِلَةَ الْمَسْتَمِرَّةَ بَيْنَ الْوَالِدِينَ تُسَبِّبُ تَأَخُّرَ الطَّلَابِ فِي دَرَسَاتِهِمْ»، «قَطَعْتَ طَرِيقَ الْبَيْتِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ لِأَجْدَ مَا فَقَدْتَهُ، فَوَجَدْتَهُ فِي الْمَرَّةِ الرَّابِعَةِ»:

(۱) خمسة (۲) ستة (۳) سبعة (۴) ثمانية

۸۳۴. عَيْنِ الْفَاعِلِ عَلَى التَّرْتِيبِ: «الفلكيون في القرن العشرين توصلوا إلى أن السماوات والأرض تتشكل من أجزاء مادة قد انفجرت»:

(۱) الفلكيون - ضمير (هي) - ضمير (ت)
(۲) ضمير (واو) البارز - مادة) - ضمير (هي)
(۳) ضمير (هم) - ضمير (أنت) - ضمير (ت)
(۴) ضمير (واو) البارز - ضمير (هي) - ضمير (هي)

(خارج از کشور ۹۳)

۸۳۵. عَيْنِ جَمْعًا سَالِمًا لِلْمَوْثُوفِ مَفْعُولًا:

(۱) تسرني التلميذات الناجحات بجدهن!
(۲) لتأمل الطالبات الذكيات قبل أن يبدأن بالجواب!
(۳) البنات المجذبات تربيهن الأمهات الفاضلات!
(۴) عندما كان الطعام جاهزاً ناديت خالتي لتناول العشاء!

(فنی و حرفه‌ای ۹۰ - با کمی تغییر)

۸۳۶. عَيْنِ «الَّذِينَ» مَفْعُولًا:

(۱) «لا تكونوا كالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِطَرَأٍ»
(۲) «الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلنَّاسِ وَالْمَحْرُومُ!»
(۳) «لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله أمواتاً!»
(۴) «هل يستوى الذين يعلمون والذين لا يعلمون!»

(فنی حرفه‌ای ۸۹)

۸۳۷. عَيْنُ الْفَاعِلِ ضَمِيرًا مُسْتَتِرًا فَقَطْ:

- (۱) «هل يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ!»
 (۲) «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَعَ الْمُتَّقِينَ!»
 (۳) اجتنبا من العلم الذي لا ينعفكما أنتما و عائلتكما!
 (۴) أعجز الناس من عجز عن اكتساب الإخوان!

(فنی و حرفه‌ای ۸۴)

۸۳۸. «حضر في الضَّفِّ من فَهْمٍ ما دَرَسَهُ الْمُعَلِّمُ!» عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِـ «من - ما»:

- (۱) حرف جاز - حرف نافية (۲) فاعل - حرف نفي
 (۳) مبتدأ مؤخر - فاعل (۴) فاعل - مفعول به

۸۳۹. عَيْنُ الْجُمْلَةِ الَّتِي فِيهَا مَفْعُولَانِ:

- (۱) يُشَجِّعُ الْمُتَقَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ فَرِحِينَ!
 (۲) كان أصدقائي يشاهدون مباراة كرة القدم متحيرين متعجبين!
 (۳) احب تلاميذ المدرسة و انفعهم في العام الدراسي!
 (۴) تُعْطَى الْجَوَائِزُ لِمَنْ هُوَ أَحَبُّ مِنَ الْآخَرِينَ!

۸۴۰. «إِلَهِي! تَضَرَّعْتُ إِلَيْكَ مُعْتَذِرًا، لِتَهْبِنِي الْقُدْرَةَ حَتَّى أُدَافِعَ عَنِ وَطَنِي الْإِسْلَامِيِّ» عَيْنُ الْفَاعِلِ عَلَى التَّوَالِي:

- (۱) ت - أَنْتَ - أَنَا
 (۲) ضمير بارز - ي - ضمير مستتر
 (۳) ضمير مستتر - ضمير بارز - أنا
 (۴) ت - ضمير مستتر - ضمير بارز

۸۴۱. عَيْنُ جَمْعِ التَّكْسِيرِ فَاعِلًا:

- (۱) يأمرنا الشيطان أن نكسر صناديق الأمة بقصد الشَّرْقَةِ!
 (۲) قيمه الإنسان هي ما يحسنه من الأعمال، فعليه أن يعرف مطلوبه!
 (۳) نزلت أحكام الله على الأنبياء ليفهمها ساكنو العالم!
 (۴) في الأسبوع الماضي طلب الكبار من صغارهم أن يُساعدوهم في جمع المحاصيل!

۸۴۲. في أي جواب جاء الفاعل قبل نعت؟

- (۱) شبابنا المؤمنون أوجدوا جسور الانتصار في المجتمع!
 (۲) شهر رمضان الذي أنزل فيها القرآن الكريم!
 (۳) شاهد في ساحة المدرسة المدير الذكي أكثر الطلاب أمسي!
 (۴) الحيوانات تعرف بغريزتها الأعشاب الطيبة منذ قديم!

۸۴۳. عَيْنُ الْفَاعِلِ وَالْمَفْعُولِ، ضَمِيرًا فِي فِعْلِ وَاحِدٍ:

- (۱) إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا!
 (۲) خَيْرٌ إِخْوَانِكَ مَنْ نَدَبَكَ إِلَى أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ!
 (۳) إن هربت من الحقيقة تواجهك مشاكل!
 (۴) خَجَلُ التَّلَامِيذِ وَ نَدَمُوا نَصْحَهُمُ الْأَسْتَاذِ!

(انسانی ۹۰)

۸۴۴. عَيْنُ الْمَوْصُوفِ مَفْعُولًا:

- (۱) يحمل النفط بالناقلات الكبيرة إلى خارج البلاد!
 (۲) زاد ورق الأشجار الربيعية زينة الحدائق!
 (۳) تألفت كل فئاتنا الدراسية بهمة أستاذاتنا الفاضلات!
 (۴) علينا أن نُعرف منتجاتنا الوطنية إلى الآخرين!

۸۴۵. عَيْنُ الْخَطَأِ فِي تَعْيِينِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ:

- (۱) يحدِّثنا القرآن عن موضوعات أهم ← مفعول - فاعل - نعت
 (۲) عَلَّمْنَا الرَّجُلَ فِي هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ دَرُوسًا ← مفعول - فاعل - مفعول ثانٍ
 (۳) يفهم كلام المعلم من يستمع إليه حسنًا ← مفعول - فاعل
 (۴) الذي يبني في المدينة بيوتاً يرى ثمرته ← مفعول - نائب فاعل

۸۴۶. ما هو الخطأ حول الإيضاحات؟

- (۱) ربنا، أننا في الدنيا الحسنة و لاتبق لنا معصية ← ثلاثة مفاعيل، فاعلان مستتران
 (۲) أجلسنا صديقنا فجاه المدير و فرحنا ← مفعول - فاعل - مفعول
 (۳) ساعدني في المصائب من أراد لي التقدم ← مفعول - فاعل - مفعول
 (۴) من يعظم حرما ت الله فيجد أثره قريباً ← فاعل مستتر - مفعول - فاعل

(انسانی ۹۶)

۸۴۷. عَيْنُ كَلِمَةِ «مَنْ» مَنْصُوبَةً (مَفْعُولًا):

- (۱) من يرثل القرآن ترتيلاً، فعليه أن يعمل بأوامره و نواهيه!
 (۲) من يعرف أن الله يجازيه يوم القيامة، يحاسب نفسه!
 (۳) سوف يساعدنا من هو أكثر قوة منكم!
 (۴) أحترم من يعتمد على قدراته الذاتية!

(هنر ۹۶)

۸۴۸. عَيْنُ كَلِمَةِ «مَنْ» تَخْتَلِفُ فِي الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ:

- (۱) في كل ظلم نجد من لم يطلب حقه!
 (۲) كيف يفهم تعب الناس من يعيش في الراحة!
 (۳) يجتنب المعاصي من يطلب العلى و يحب نفسه!
 (۴) يسمع صوت الحق من الكائنات من يفتح أذن قلبه!

(هنر ۸۶)

۸۴۹. عَيْنُ «مَنْ» مَفْعُولًا:

- (۱) ساعدني من تسألك أمراً ملتزمة!
 (۲) من ناداني عندما كنت أتكلم معك!
 (۳) ساعدني من كان أقوى مني في الدرس!
 (۴) من يهدني في الحياة يرثمة عمله!



۸۵۰. عین کلمه «المعلم» فاعلاً:

- (۱) يُحِبُّ المعلمُ طالب يسعى لأداء الواجبات!
(۲) يُقَوِّى المعلمُ فى التدريس مطالعته العلمیة و تجعله أعلم!
(۳) يُرید تشجيع الطلاب المعلم لتقدمهم فى الدرس!
(۴) تحترم المعلم فى المدرسة طالبة تفهم قدره!

(هنر ۹۰)

۸۵۱. عین «من» منصوباً (مفعولاً):

- (۱) أَحَبَّ من عزم على الأمور القیمة و سعى فیها!
(۲) تقصّر آمال من دلّه عقله على طریقہ!
(۳) من التأس من يعتقد أنّ الإستغفال بالدرس واجب!
(۴) هناك من یقدّم أعماله خالصه لله، فهو سینتفع!

۸۵۲. كم فاعلاً و مفعولاً فى العبارة ؟ «إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى إِمْتِلَاقِهَا لِلْغَةِ خَاصَّةً، تَمَلَكُ لُغَةً يُمْكِنُ لَهُمْ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا؛ فِإِلْغَرَابِ صَوْتٍ يَحْدُرُ بِهِ بَقِيَّةُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ سَرِيعاً عَنِ مَنطِقَةِ الْخَطَرِ، فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَايَةِ»

- (۱) الفاعل: خمسة، المفعول: ثلاثة
(۲) الفاعل: ستّة، المفعول: أربعة
(۳) الفاعل: خمسة، المفعول: إثنين
(۴) الفاعل: أربعة، المفعول: إثنين

(انسانی ۹۷)

۸۵۳. عین العدد مفعولاً به:

- (۱) إن تدرس كل يوم تسع ساعات بجدّ تنجح قريباً!
(۲) كان يطعم ثمانية مساكين كل أسبوع في ثلاث مرّات!
(۳) قرأت الصفحة الثانية من هذه المنظومة عشر دقائق!
(۴) إن ثلاثة أشهر وأسبوعاً واحداً قضيت في تلك القرية!

(خارج ۹۷)

۸۵۴. عین کلمه «من» ليست فاعلاً:

- (۱) بدأ الدراسة من كان عمره أكثر من أربعين سنة!
(۲) لا يخاف من الهزيمة من يعتمد على نفسه دائماً!
(۳) لا ينجح من بينكم من لا يصدقون في أقوالهم وأعمالهم!
(۴) أحب من بين الموظفين من يحب العمل ولا يطلب الراحة!

۸۵۵. عین الصحيح عن ضمير «نا»: «نحن فعلنا واجباتنا الدراسية حتى يحسبنا المعلم المجتهدين و يعطينا جائزة!»

- (۱) الفاعل - المضاف اليه - الفاعل - المفعول به
(۲) المفعول به - المجرور بحرف الجاز - المفعول به - المفعول به
(۳) الفاعل - المضاف اليه - المفعول به - المفعول به
(۴) المفعول به - المضاف اليه - المفعول به - الفاعل

۸۵۶. عین الصحيح عن ضمير «نا» فى العبارة التالية: «المعلمون أصدقاؤنا المخلصون، لهذا يُعِدُّوننا عن الضلالة و يُنقِّذوننا فى حياتنا»:

- (۱) مُضَافٌ إِلَيْهِ - فاعل - مفعول
(۲) فاعل - مفعول - مفعول
(۳) فاعل - مفعول - فاعل
(۴) مضافٌ إليه - مفعول - مفعول

۸۵۷. عین الصحيح عن ضمير «نا» فى العبارة التالية: «إلهنا ارحمنا و اغفر لنا إن أسرفنا!»

- (۱) مضاف اليه - مفعول به - مجرور به
(۲) مبتدا - فاعل - مضاف اليه - فاعل
(۳) مضاف اليه - مفعول به - مجرور - فاعل
(۴) منادى - مفعول به - مضاف اليه - مفعول به

(فنى حرفه ای ۸۹)

۸۵۸. عین ضمير «نا» مفعولاً:

- (۱) اليوم ضيافتنا فى بيت أحد أصدقائنا الأعرّاء!
(۲) علمينا تجاربيک النافعة أيتها المعلمة!
(۳) نحن فعلنا واجباتنا المدرسية فى طول السنة!
(۴) علينا أن نتناول الطيبات التى هى مفيدة لنا!

۸۵۹. مَيِّزُ ضمير «نا» مفعولاً:

- (۱) تعلّمنا أنّ النسيمة مذمومة!
(۲) علمنا أن لا نتكلّم بغير الحق!
(۳) علمنا أنّ النجاة فى الصدق!
(۴) علمنا أن لا نظلم أحداً!

۸۶۰. عین «نا» فاعلاً:

- (۱) هذه الزيارة واجبة عليه و أرجو أن يزورنا دائماً!
(۲) فرحت جدتي فرحاً عظيماً لأنّها و جدّتنا مُجتَمعين عندها!
(۳) أمرنا الله أن ننظر إلى كائنات الطبيعة و نعتبر بها!
(۴) لقد أعدّنا برنامجاً لزيارة روضة الشهداء فى الأسبوع القادم!

(تجربى ۹۴)

۸۶۱. عین ضمير «نا» فاعلاً و مفعولاً و مضافاً إليه معاً:

- (۱) يساعدنا أبونا فى غرس أشجارنا الخضراء!
(۲) سافرنّا إلى مدينة أسرتنا لزيارة أقرابنا!
(۳) كتبنا تماريننا حتى يحسبنا المعلم مجتهدين!
(۴) تبّسّم لنا و ردتنا الحمراء فى حديثنا!

۲. نون و قايه، ضمير «ى» و فعلهاى دو مفعولاً:

۸۶۲. عین ما ليس فيه «نون الوقاية»:

- (۱) يا أختى، هل تُساعدينى فى فهم هذا الدرس فإنّه صعب جداً!
(۲) قالت الأم لى: يا بنتى لا تضمينى أحداً لا تعرفينه أبداً!
(۳) منحنى زميلى فى يوم ميلادى أحسن هدية و هى الكتاب!
(۴) المعلمون انتخبونى كتلميذ مثالى فى الأخلاق و الدرس!

(فنى حرفه ای ۸۹)

۸۶۳. مَيِّزُ ضمير «ى» مفعولاً:

- (۱) يا فاطمة لا تظنّى الخائن صديقك!
(۲) ساعدنى فى كتابة هذه الرسالة!
(۳) أنا احتاج إلى إخوانى المشفقين!
(۴) جيئتُ لأنتكلّم حول مشاكل المالية!

۸۶۴. عَيْنُ «نُونِ الْوَقَايَةِ»:

- ۱) اِشْتَرَى أَبِي لِأُخْتِي الصَّغِيرَةَ أَسَاوَرَ مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ!
- ۲) لَا تَحْزَنِي لِأَنَّ الْعَسْرِيْمَ بِسُرْعَةٍ وَبِجَيِّئِ الْيُسْرِ!
- ۳) قَالَ: قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ أَنْجَادِلُونِي فِي أَسْمَاءِ سَمَّيْتُمُوهَا!
- ۴) قَدْ جِئْتُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ!

۸۶۵. عَيْنُ الصَّحِيحِ مَعَ «نُونِ الْوَقَايَةِ»؟

- ۱) مُعَلَّمُونِي
- ۲) يَنْصُرُونِي
- ۳) ذَهَبْنِي
- ۴) لَا تُحْسِنِي

(خارج از کشور ۹۴)

۸۶۶. عَيْنُ ضَمِيرِ «الْيَاءِ» لَيْسَ فَاعِلًا:

- ۱) إِنْ تُنَادِي رَبِّكَ الرَّؤُوفَ فَهُوَ يُجِيبُكَ!
- ۲) أَلَمْ تَذُوقِي حَلَاوَةَ عَاقِبَةِ الصَّبْرِ حَتَّى الْآنَ!
- ۳) إِسْمَحِي لِي بِأَنْ أُبَيِّنَ لَكَ نَتَائِجَ جُهْدِكَ!
- ۴) نَبَّهْنِي لِذِكْرِكَ يَا إِلَهِي، حَتَّى أُبْتَعِدَ عَنِ الضَّلَالَةِ!

۸۶۷. عَيْنُ ضَمِيرِ (الْيَاءِ) مَفْعُولًا وَفَاعِلًا وَمُضَافًا إِلَيْهِ مَعًا:

- ۱) يَا بِنْتِي؛ إِعْرِفِي قَدْرَ السَّلَامَةِ، فَهِيَ أَمْنٌ شَيْءٌ!
- ۲) قُلْتُ لِلْمُعَلِّمَةِ الْحَاذِقَةِ اقْرَأِي كِتَابِي وَسَاعِدِينِي!
- ۳) يَا صَدِيقِي، هَلْ تَسَاعَدُنِي فِي حَلِّ التَّمْرِينِ فَأَنَّهُ صَعْبٌ!
- ۴) ذَهَبْتُ عِنْدَ الطَّيِّبِ وَشَجَّعَنِي أَنْ أَتَنَاوَلَ دَوَاءً يُفِيدُ شِفَائِي!

۸۶۸. عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ نُونِ الْوَقَايَةِ:

- ۱) لَا تَضْمَنِي إِنْ كُنْتُ فِي الرُّشْدِ وَالْهَدَايَةِ!
- ۲) لَا تَحْزَنِي وَلَمَّا أَصَلَ إِلَيَّ مَا أُرِيدُ!
- ۳) تَدَيْتَنِي لَيْسَ كَامِلًا وَلَكِنِ الصَّلَاةُ تُنَجِّنِي!
- ۴) لَا تَفْتَنِي الْإِنْسَانَ وَلَا عَمَلُ لَهُ حَتَّى الْآنَ!

۸۶۹. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) لَا تَحْزَنِي أَنْ دَرَسْتِ لَمْ تَتِمَّ مَفْعُولٌ
- ۲) أَعْتَيْتَنِي فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِي ← مَفْعُولٌ
- ۳) أَغْنَى الرَّجَالَ مِنْ عَلْمِنِي حَرْفًا ← فَعْلٌ
- ۴) لَا تَحْزَنِي مَا لَانْتِحَاجَ بِهِ ← مَفْعُولٌ

۸۷۰. عَيْنُ الصَّحِيحِ حَوْلَ اسْتِعْمَالِ نُونِ الْوَقَايَةِ:

- ۱) هَؤُلَاءِ النَّاسُ يُكْرِمُونِي لِأَنِّي أَسْعَى لَهُمْ!
- ۲) يَتَحَرَّكُ الْأَسَدُ حَوْلِنِي فَأَخَافُ كَثِيرًا!
- ۳) لَا تَبَيَّنِي عِنْدَ الْمَدِيرِ يَا أُخِي فَأَنَا لَا اسْتَعَدْتُ!
- ۴) اِزْدَادَنِي اللَّهُ فِي الْإِيمَانِ فَأَشْكُرُهُ شُكْرًا!

۸۷۱. عَيْنُ عِبَارَةٍ لَيْسَتْ فِيهَا «نُونِ الْوَقَايَةِ»:

- ۱) لَا تَكُونُوا أَوْلَ كَافِرِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بَايَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّاي فَاتَّقُونِي!
- ۲) يَا أَبْتَ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا!
- ۳) إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَا يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدُكَ صِرَاطًا سَوِيًّا!
- ۴) أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقُدُونِي!

۸۷۲. عَيْنُ مَا فِيهِ مَفْعُولٌ وَاحِدٌ فَقَطْ:

- ۱) لَقَدْ ارْتَفَعَتِ الْيَوْمَ دَرَجَةُ الْحَرَارَةِ إِلَى أَنْ بَلَغَتْ الْحَدَّ الْأَقْصَى!
- ۲) يَعْلَمُنِي الْمُعَلَّمُونَ مَعْلُومَاتَ كَثِيرَةٍ طَوَّلَ السَّنَةَ الدِّرَاسِيَّةَ!
- ۳) وَهَبْتَنِي الْأُمُّ مَحَبَّتَهَا السَّمَاوِيَّةَ فَأَحْبَبْتُهَا حُبًّا كَثِيرًا!
- ۴) أَلْبَسَ الْوَالِدُ ابْنَهُ قَمِيصًا أَرْخَصَ مِنْ قَمِيصِهِ!

۸۷۳. عَيْنُ مَا فِيهِ مَفْعُولٌ بِهِ وَاحِدٌ:

- ۱) يَجْعَلُ الصَّبِيَّ صِيَاحَهُ أَسْلِحَةً لِلْحَصُولِ عَلَى مَطْلُوبِهِ!
- ۲) إِنَّمَا أَعْطَى اللَّهُ الْإِنْسَانَ عَقْلًا يَفْكُرُ بِهِ!
- ۳) جَعَلَ اللَّهُ دَرَجَةَ عُبَادِهِ مِنْ أَفْضَلِ الدَّرَجَاتِ!
- ۴) قَدْ يُعْطِيكُمْ اللَّهُ وَلَدًا صَالِحًا رِزْقًا لَكُمْ!

۸۷۴. عَيْنُ مَا فِيهِ مَفْعُولٌ وَاحِدٌ فَقَطْ:

- ۱) «رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رِسْلِكَ»
- ۲) مَدِيرِنَا أَعْطَى التَّلْمِيذَ جَائِزَةً جَمِيلَةً فِي حَفْلَةِ الْمَدْرَسَةِ!
- ۳) وَجَدْتُ بَرْنَامَجًا يَسَاعَدُنِي عَلَى تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ!
- ۴) أُخِي مَنَحَ ثَرْوَتَهُ لِشُرَاءِ الطَّعَامِ لِمُسَاعَدَةِ الْفُقَرَاءِ!

۸۷۵. عَيْنُ مَا فِيهِ مَفْعُولَانِ بِهِ اثْنَانِ:

- ۱) جَعَلَتِ الْوَرْدَةُ تَتَفَتَّحُ فِي الرَّبِيعِ بَعْدَ نَزُولِ الْأَمْطَارِ!
- ۲) أَعَدَّتِ الْأُمُّ زَادَ السَّفَرِ إِلَى أَصْفَهَانَ لِزِيَارَةِ الْأَقْرَبَاءِ!
- ۳) وَعَدَّتَنِي الْمَدِيرَةُ تَقْدِيمَ جَائِزَةٍ نَفِيسَةٍ تَشْجِيعًا لِاِكْتِسَابِ الدَّرَجَاتِ الْعَالِيَةِ!
- ۴) كَانَتِ الْمُعَلِّمَةُ تَخْتَبِرُنِي وَأَنَا كُنْتُ مُسْتَعِدَّةً لِلْإِجَابَةِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ!

۸۷۶. عَيْنُ مَا لَهُ مَفْعُولَانِ اثْنَانِ:

- ۱) أَنْتَظِنِي غَافِلًا عَنِ صِلَاحِ الْأُمُورِ يَا زَمِيلِي؟!
- ۲) أَظُنُّ أَنَّكَ تَكُونُ أَقْوَانًا مَعَ تَوَكُّلِكَ عَلَى اللَّهِ!
- ۳) أَنْتَظِنُ أَنْ الَّذِينَ تَعْظَمُهُمْ مَشْفِقًا يَقْبَلُونَ الْمَوْعِظَةَ؟!
- ۴) يَظُنُّ الْغَادِرُ الْمَكْرَمِفْتَاحَ الرَّزْقِ!

(خارج ۹۷)

۸۷۷. عَيْنُ مَا فِيهِ مَفْعُولَانِ اثْنَانِ:

- ۱) اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ مَسَاوِيَّ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا بِلُطْفِكَ وَإِحْسَانِكَ،
- ۲) لِأَنَّ الدُّنْيَا تَأْخُذُ مِمَّا كُلُّ شَيْءٍ جَمِيلٍ لَكُنَّا مَعَ ذَلِكَ نَهْتَمُّ بِهَا،
- ۳) أَمَّا الْآخِرَةُ فَتَبْدُلُ لَنَا كُلَّ شَيْءٍ جَمِيلٍ، عَلَى حَسَبِ قَوْلِ نَبِيِّنَا (ص)،
- ۴) وَمَعَ ذَلِكَ نَحْنُ نَغْفَلُ عَنْهَا سَهْوًا أَوْ عَمْدًا!

۸۷۸. کم مفعولاً فی العبارات التالیة: «وعد الله المؤمنین والمؤمنات جنات» / «وجعلنا السماء سقفاً محفوظاً»

(۱) ثلاثة (۲) أربعة (۳) خمسة (۴) ستة

۳. شناخت مبتدا و خبر و انواع آن:

۸۷۹. عین الخطأ فی تعیین الخبر:

(۱) أخواک دعواً صديقهما إلى تناول العشاء!: «دعوا»
 (۲) الأمهات قمن بتربية أولادهن تربيةً صالحه!: «قمن»
 (۳) المسلم من سلم المسلمون من لسانه ويده!: «من»
 (۴) طالب العلم بين الجهال كالحى بين الأموات!: «بين الجهال»

۸۸۰. «خبر الناس من يساعدهم الآخريين» عین الخبر:

(۱) الآخريين (۲) من (۳) يساعدهم (۴) من يساعدهم

۸۸۱. عین الخطأ فی تعیین الخبر:

(۱) الله برحمته يحنن من يشاء «يحنن»
 (۲) أنت ولينا فاغفر لنا وارحمنا «ولينا»
 (۳) الأمانة في كل صعوبات تجلب الرزق «في كل...»
 (۴) الممرضات في المستشفى يعطفن على المرضى! «يعطفن»

(انسانی ۸۸)

۸۸۲. «معلم مدرستنا أسوة للجميع في الأخلاق» عین الخبر و نوعه:

(۱) أسوة: مفرد (۲) مدرستنا: مفرد (۳) للجميع: جار و مجرور (۴) في الأخلاق: جار و مجرور

(انسانی ۸۷)

۸۸۳. «هؤلاء الأطباء من أبناء بلادنا، هم يشفون المرضى، واهتمامهم كثير بالناس» عین نوع الخبر على التوالی:

(۱) جار و مجرور - جمله - مفرد (۲) مفرد - مفرد - مفرد (۳) جار و مجرور - مفرد - جمله (۴) جار و مجرور - جمله - جار و مجرور

۸۸۴. عین الخبر: «البلاد الإسلامية مجموعة من الشعوب الكثيرة تختلف في لغتها وألوانها»

(۱) الإسلامية (۲) مجموعة (۳) من الشعوب (۴) تختلف

۸۸۵. عین نوع الخبر في الجملة التالیة: «الإسلام منذ ظهوره شجع المسلمين على التفكير والتعلم»

(۱) المفرد: المسلمين (۲) الجار و المجرور: على التفكير (۳) الجملة الفعلية: شجع (۴) الجار و المجرور: منذ ظهوره

(فنی و حرفه ای ۸۹)

۸۸۶. عین الخبر يفرق عن الباقي في النوع:

(۱) التلميذان في الصف حول مسألة تحدثنا،
 (۲) وأصدقائهما في هذه الجلسة حاضرون،
 (۳) بعضهم ظنوا كلام أحدهما حقاً،
 (۴) والآخرون اعتبروا كلام التلميذ الآخر صحيحاً!

۸۸۷. عین الصحيح عن المحل الاعرابي للكلمات التي تحتها خط:

(۱) التلج نوع من أنواع نزول الماء «الخبر»
 (۲) المهرجان احتفال بمناسبة جميلة «الصفة و موصوفها»
 (۳) فقل إنما الغيب لله فانظروا «الخبر»
 (۴) حيرت هذه الظاهرة الناس سنوات «الفاعل»

۸۸۸. عین خبراً يختلف نوعه:

(۱) الندم على السكوت أحسن من الندم على الكلام!
 (۲) أكبر الحمق الإغراق في المدح والدم!
 (۳) أنا وزميلي بعد مساء استلمنا الرسالة عبر الكمبيوتر!
 (۴) عداوة العاقل خير من صداقة الجاهل!

۸۸۹. عین جملة ليس خبرها من نوع «اسم»:

(۱) الكتاب أفضل وسيلة لنقل الآراء والنظرات المختلفة!
 (۲) مكتبة آية الله المرعشي في قم تضم في خزائنها كتباً نفيسة!
 (۳) الوصول إلى الاكتفاء الذاتي هدف مهم للشعب الإيراني!
 (۴) أفضل الأعمال أجراً للمؤمنين القيام السريع من عند المريض!

۸۹۰. عین الصحيح في تعیین الخبر:

(۱) أبواب الجنة التي تنتظرها تحت ظلال السيوف! «تنتظر»
 (۲) المؤمن المصلی الذي يعمل لله كثيراً قليل في الدنيا! «الله»
 (۳) موعدهم الصبح و كما تعلم الصبح قرب! «الصبح» و «قرب»
 (۴) يوم المظلوم على الظالم أشد من يوم الظالم على المظلوم! «من يوم الظالم»

۸۹۱. «آيات الله في الطبيعة كثيرة: إحداهما ظاهرة قوس قزح و هي تتكون من ألوان متنوعة و نحن عند مشاهدتها نتمتع دائماً» عین الخبر:

(۱) كثيرة - ظاهرة قوس قزح - تتكون - نتمتع
 (۲) في الطبيعة - ظاهرة - تتكون - نتمتع
 (۳) كثيرة - ظاهرة - تتكون - نتمتع
 (۴) كثيرة - ظاهرة قوس قزح - من ألوان - نتمتع

۸۹۲. عین الخبر في العبارات التالیة: «هذه أثمار مفيدة نأكلها كل يوم» / «الأطفال الذين لعبوا في الحديقة غرسوا فسيلة جوز»

(۱) نأكلها - الذين (۲) أثمار - لعبوا (۳) أثمار - غرسوا (۴) نأكلها - لعبوا

۸۹۳. عین الخبر يختلف نوعه عن الباقي:

(۱) رجال العلم في أوائل الإسلام اكتشفوا القوانين الهامة!
 (۲) حسن الأدب لنا أمام الناس يسترقيح التسب!
 (۳) سبب تقدم المسلمين العلمي تكريم العلم و العلماء!
 (۴) الشكر على نعم الله تعالى في حياتنا يعطينا خيراً و يزداد لنا رزقاً!

۸۹۴. عَيْنُ الْمَبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ وَنَوْعُ فِي الْعِبَارَةِ: «أَوْلَيْتُكَ الَّذِيْنَ صَدَقُوا.»

- (۱) مبتدأ: أولئك - خبر: ضمير بارز «واو» و نوع اسم
(۲) مبتدأ: أولئك - خبر: «الَّذِينَ» و نوع اسم
(۳) مبتدأ: أولئك - خبر: «الَّذِينَ صَدَقُوا» و نوع جملة اسمية
(۴) مبتدأ: الَّذِينَ - خبر: «صَدَقُوا» و نوع جملة فعلية

۸۹۵. عَيْنُ الْخَطَأِ فِي تَعْيِينِ الْخَبَرِ:

- (۱) الرجل الحقيقي الَّذِي يُحِبُّ عَمَلَ الْخَيْرِ فِي حَيَاتِهِ حُبًّا ← الَّذِي
(۲) المدير من يُدِيرُ أَوْضَاعَ الْمَدْرَسَةِ أَوْ الدَّائِرَةَ ← يُدِيرُ
(۳) فِي أَفْضَلِ بِلَادِ النَّاسِ الَّذِيْنَ يَعْمَلُونَ يَنْجَحُونَ ← يَنْجَحُونَ
(۴) الْإِسْلَامُ مُنْذُ ظَهْوَرِهِ عَلَى صَدَقَةٍ أَكَّدَ وَشَجَّعَ ← أَكَّدَ

۸۹۶. عَيْنُ نَوْعِ الْخَبَرِ الَّذِي يَخْتَلِفُ عَنْ غَيْرِهِ:

- (۱) لِسَانُ الْقَطِّ سِلَاحٌ طَيِّبٌ دَائِمٌ لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِعُدَدٍ!
(۲) بَعْضُ الطُّيُورِ وَالْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بَغْرِيزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّبِيئَةَ!
(۳) الْإِعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ لِأَنَّهَا تَنْتَقِلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ!
(۴) رَيْسُ الْبِلَادِ الَّذِي يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ وَيَنْصَحُهُمْ فِي كُلِّ مَجَالٍ!

۸۹۷. عَيْنُ «مَنْ» خَيْرًا:

(فنى حرفه ای ۹۱)

- (۱) الْوَالِدُ الصَّالِحُ رَزَقَ اللهُ لِمَنْ يَشَاءُ!
(۲) أَجْرُ مَنْ يَعْمَلُ الْخَيْرَ مَحْفُوظٌ عِنْدَ اللهِ تَعَالَى!
(۳) الْجَوَادُّ مَنْ يَنْفِقُ بِمَا عِنْدَهُ اللهُ تَعَالَى!
(۴) مَنْ يُؤْمِنُ بِالتَّوَكُّلِ عَلَى اللهِ، فَهُوَ مُؤْمِنٌ حَقِيقَةً!

(انسانی ۸۹)

۸۹۸. عَيْنُ «مَنْ» أَوْ «مَا» مَرْفُوعًا: (مبتدأ أو خبراً)

- (۱) يَهْدِي الْأَنْبِيَاءُ مَنْ يَعِصُونَ اللهُ!
(۲) أَبْقَى أَعْمَالِكَ مَا تَعْمَلُهُ اللهُ خَالِصًا!
(۳) رَبِّي أَعْلَمُ مَتَى بِمَا أَحْتَاجُ إِلَيْهِ!
(۴) هَلْ يَسْتَوِي الْعَالَمُ فِي عَيْنِكَ مَعَ مَنْ هُوَ جَاهِلٌ!

(هنر ۹۱)

۸۹۹. عَيْنُ «مَا» مَرْفُوعًا: (مبتدأ أو خبراً)

- (۱) مَا فِي يَدِ اللهِ أَوْثَقُ مِمَّا فِي يَدِكَ!
(۲) إِنْ تَأْمُرُ أَحَدًا بِمَا لَا يُطِيقُهُ لَا يَعْمَلُ بِهِ!
(۳) مَا ظَفَرَ مِنْ ظَفَرٍ عَلَيْهِ الْمَعْصِيَةُ!
(۴) رَسَمْتَ مَا تَحِبُّونَ مِنَ التَّصْوِيرِ عَلَى الْجِدَارِ!

(زبان ۹۱)

۹۰۰. عَيْنُ «مَنْ» أَوْ «مَا» خَيْرًا:

- (۱) إِثْمًا يَنْفَعُنَا مِنَ الْعِلْمِ مَا نَسْتَفِيدُ مِنْهُ وَنَعْمَلُ بِهِ!
(۲) الطَّالِبُ مَنْ اعْتَقَدَ أَنَّ التَّعْلِمَ جَزَاءٌ مِنْ وَجُودِهِ!
(۳) الْمُؤْمِنُ لَا يُبْطِلُ مَا أَنْفَقَهُ فِي سَبِيلِ اللهِ بِالْمَنْ!
(۴) مِنَ الْمُعَلِّمِينَ مَنْ يَضْحَى لِبَيْتِ بِنَاءِ الْمَجْتَمَعِ رَفِيعًا!

۹۰۱. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَعْيِينِ الْخَبَرِ:

- (۱) «كُلُّ مَا يَجْعَلُ اللهُ فِي مَسِيرِ الْإِنْسَانِ حِكْمَةً يَنْتَفِعُ بِهَا فِي الْمُسْتَقْبَلِ!» ← «يَجْعَلُ»
(۲) الْمُعَلِّمُ الَّذِي يُضْبِرُ لِتَقَدُّمِ الطُّلَابِ يَهْتَمُّ بِهِمْ وَيُعَلِّمُ قِيَمَةَ عَمَلِهِ! ← «تَلَقَّدَمُ الطُّلَابُ»
(۳) مَنَاطِرُ إِيْرَانِ الطَّبِيعِيَّةِ وَغَيْرِ الطَّبِيعِيَّةِ مِنْ أَمْثَالِ الْغَابَاتِ وَالْمَسَاجِدِ جَمِيلَةٌ جَدًّا! ← «مِنْ أَمْثَالِ»
(۴) عَدَدٌ كَثِيرٌ مِنَ الْأَشْخَاصِ يَعْتَقِدُونَ أَنَّ قِرَاءَةَ التَّارِيخِ ضَرْوْرِيَّةٌ لِلطُّلَابِ وَمُعَلِّمِي التَّارِيخِ! ← «يَعْتَقِدُونَ»

(تجربى ۹۶)

۹۰۲. عَيْنُ «مَا» مَبْتَدَأًا:

- (۱) مَنْ عَمَلَ بِمَا عَلَّمَ اللهُ عِلْمًا مَا لَا يَعْلَمُ!
(۲) مَا تَزْرَعُهُ الْيَوْمَ تَحْصُدُهُ غَدًا، فَاحْذَرِ عَمَلَكَ الْيَوْمَ!
(۳) السَّعَادَةُ أَنْ تَمْلِكَ رَوْحَكَ الرِّضَا عَلَى مَا قَدَّرَ اللهُ لَكَ!
(۴) مَا كَتَبْنَا عَلَى الْوَرَقَةِ إِلَّا مَا لَمْ نَسْتَطِعْ أَنْ نَقُولَهُ بِلِسَانِنَا!

(خارج از کشور ۹۶)

۹۰۳. عَيْنُ الْخَبَرِ إِسْمًا لَا مِضَافًا وَلَا مَوْصُوفًا:

- (۱) أَوْلَيْتُكَ الْعَقْلَاءَ يَتَّبِعُونَ عَنِ الْبَاطِلِ!
(۲) هُوَ لَا زَمِيلَاتِنَا فِي الْمَدْرَسَةِ!
(۳) أَوْلَيْتُكَ الْمَجْتَهِدُونَ مَوْفِقُونَ جَدًّا!
(۴) هُوَ لَا أُمَّهَاتٍ فَاضِلَاتٍ!

(خارج از کشور ۸۶ با تغيير)

۹۰۴. عَيْنُ «مَا» تَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي فِي الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ:

- (۱) قَلْتُ فِي نَفْسِي: مَا تَحَبُّهُ لِي يَسَاعِدُكَ فِي الْحَيَاةِ!
(۲) أَعْطُ مَا تَحَبُّهُ فِي سَبِيلِ اللهِ، فَهُوَ الْبِرُّ!
(۳) أَتَيْهَا الْإِنْسَانُ، إِنَّكَ لَا تَمْلِكُ مَا بِيَدِكَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا!
(۴) قَرَأْتُ الْمَدِيرَةَ بَدَقَّةٍ مَا كَتَبْتَهُ التَّلْمِيذَاتُ لَهَا!

۹۰۵. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَعْيِينِ الْخَبَرِ:

- (۱) «عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا» ← يَمشُونَ
(۲) «الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَثِيرًا مَقْتًا عِنْدَ اللهِ» ← أَتَاهُمْ
(۳) «خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عِنْدَ اللهِ أَكْبَرَ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ» ← أَكْبَرَ
(۴) قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ كَبِيْرٌ فَتَعَلَّمُوا ← شَيْءٌ

۹۰۶. مَا هُوَ الصَّحِيحُ فِي الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ؟ «كَيْفَ الْجَوِّ فِي أَرْدَبِيلِ؟ فِي أَى بِلَادٍ تَقَعُ هَذِهِ الْأَهْرَامُ؟ حِجْمٌ عَلَى مَرْمَى فَرِيْقِ السَّعَادَةِ.»

- (۱) مَبْتَدَأٌ - فَاعِلٌ - مِضَافٌ إِلَيْهِ (۲) خَبَرٌ - مَفْعُولٌ - مِضَافٌ إِلَيْهِ (۳) مَبْتَدَأٌ - مَبْتَدَأٌ - مَفْعُولٌ (۴) مَبْتَدَأٌ - مَفْعُولٌ - اسْمُ الْعِلْمِ

۹۰۷. عَيْنُ نَوْعِ الْخَبَرِ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: «الْإِنْسَانُ الَّذِي فِي الدُّنْيَا كَسَلَانَ يَخْسِرُ كَثِيرًا»

- (۱) خَبَرٌ مَفْرُودٌ (۲) جَارٌ وَ مَجْرُورٌ (۳) جَمَلَةٌ اسْمِيَّةٌ (۴) جَمَلَةٌ فَعْلِيَّةٌ



۹۰۸. عین الخبر و نوعه فی العبارة التالية: «الإنسان المؤمن الذي يقوم بواجبه حريص على تقديم العون و مساعدة الآخرين»

(۱) يقوم - جملة فعلية (۲) الذي يقوم - جملة اسمية (۳) على تقديم - شبه جملة (۴) حريص - مفرد

۹۰۹. عین الخبر و نوعه: «الرياح الشديدة في اليوم الماضي كزلزلة مخوفة تقع أمام عيوننا خربت البيوت»

(۱) كزلزلة: شبه جملة (۲) تقع: جملة فعلية (۳) أمام: شبه جملة (۴) خربت: جملة فعلية

۹۱۰. عین جملة فیها المبتدأ و الخبر و الفاعل و المفعول معاً:

(۱) تستطيع الذلافين أن تُرشدنا إلى مكان سقوط طائرة!
(۲) الطاووس من الطيور المائية تعيش فوق جبال!
(۳) عندما ينقطع تيار الكهرباء في الليل، يُصبح البيت مُظلماً!
(۴) الموسوعة مُعجمٌ صغيرٌ يجمع قليلاً من العلوم المفيدة!

۹۱۱. عین ما ليس فيه الفاعل و المبتدأ و الخبر معاً:

(۱) الشباب المُخلصون يخدمون وطنهم خدمةً جليلاً!
(۲) الطيورُ جميعاً لها أجنحةٌ، تستخدمها عند الطيران!
(۳) هذه كُلُّها فطرةٌ من بحار عجائب خلق الله في عالم الطيور!
(۴) أعلّم الناس من جمع علم الناس إلى علمها!

۹۱۲. عین الجملة الاسمية التي جاء فيها الفاعلان و المفعولان:

(۱) نصحهُ صديقه أن يُعامل الناس مُعاملةً حسنةً!
(۲) من لم يَعْرِف مضرّة الشيء لم يقدّر على الإمتناع منه!
(۳) من لم تُضِلْهُ الكرامة أضلحه الهوان!
(۴) المُسلم من سلّم المُسلمون من لسانه و يديه!

۹۱۳. عین الصّحيح في تعيين إعراب الكلمات التي أُشير إليها بخط:

(۱) الله يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ من يشاء و الله ذو الفضل العظيم! ← مفعول، خبر
(۲) ماذا يجب عليك أن تعمل حتى لا تضيع دقيقة بدون استفادة! ← مفعول، مضاف اليه
(۳) نُزِّلَ من القرآن ما هو شفاءٌ و رحمةٌ للمؤمنين و لا يزيد الظالمين! ← مفعول، مبتدا
(۴) إن الله يدخل الذين آمنوا و عملوا الصالحات جنات! ← فاعل، مفعول

۹۱۴. عین جملة فیها الفاعل، المبتدأ و الخبر و المفعول و المضاف اليه معاً:

(۱) الثلج قطرات الماء تنزل من السماء إلى الأرض!
(۲) الجوُّ باردٌ و أغلقت التلميذة نافذة الضف!
(۳) عندما ينقطع تيار الكهرباء تشمل الظلمة غرفتنا!
(۴) الطفل لايسرُّ لأنه قد حزن من هجر أمه!

(انسانی ۸۹)

۹۱۵. عین المبتدأ ليس مؤخرًا:

(۱) في نهر قرب بيت صديقي أسماك جميلة؛
(۲) لها أنواع مختلفة في اللون و الشكل؛
(۳) هناك أيضاً نباتات خضراء أطراف هذا التهر؛
(۴) و ماؤه صاف كأنه دمع يجري من العين!

(ریاضی ۹۲)

۹۱۶. عین الخبر الجار و المجرور:

(۱) لكّل كاتب أسلوب خاص في كتابة رسائله!
(۲) في تلك الحديقة رائحة الأزهار كثيرة!
(۳) في مكتبة جنب دارنا كتب و رسائل كثيرة،
(۴) على كل الطلبة الإهتمام بالدروس واجب!
(۱) لها أنواع متنوّعة في الشكل و المحتوى،

(انسانی ۹۰)

۹۱۷. عین المبتدأ ليس مؤخرًا:

(۱) عليك بذكر الله فإنه نور القلب!
(۲) هناك أيضاً كتب في القصص قد اشتريتها،
(۳) لكّل كاتب أسلوب خاص في كتابة رسائله!
(۴) مضامينها عذبة و مفيدة بالنسبة للطلاب!

۹۱۸. عین الخبر ليس مقدّمًا:

(۱) «له ما في السماوات و ما في الأرض»!
(۲) عليك بذكر الله فإنه نور القلب!
(۳) لكّل ذنب توبة إلا سوء الخلق!
(۴) «لكم دينكم و لى دين»!

۹۱۹. عین الخبر مقدّمًا:

(۱) في إيران العلماء المسلمون أحدثوا مكاناً يساعدنا للعلاج و يبعدنا عن المرض!
(۲) في الأرض الرسول أبلغ كلام الله و اجتمع حوله أصحاب أوفياء!
(۳) على الله أبناء قومنا المؤمنون يتوكلون و لن يندموا من عملهم هذا!
(۴) للمعلم سيارة هذا الرجل فهو يُقرضه اليوم كي يُذهب أهله نحو الملعب!

۹۲۰. عین الخبر مقدّمًا:

(۱) للنساء المُسلمات العالمات في تقدّم الإسلام دور هام!
(۲) في المدرسة الكبيرة أحد التلاميذ الكرام قال كلاماً!
(۳) علينا في كل أحوال الإحسان بالوالدين واجب ضروري!
(۴) في البحار توجد الأسماك التي في عشاها الطعام قليل!

۹۲۱. عین الخبر مقدّمًا:

(۱) لكّل طالب مدرستنا في الإمتحان سؤال يُجاب!
(۲) في غابة إيران الشهيرة بيوت الناس تقع أحياناً!
(۳) إلى أيّ جهة الرجل ذهب يا صديقي الحنون!
(۴) على الناس الكرام أن يعفوا كلّ مدين حتى يرضى الله!

٩٢٢. عَيْنِ الْخَبْرِ لَيْسَ مَقْدَمًا:

- (١) في خلق السماوات والأرض آيات الله تُشاهد!
(٢) على طالبات ذكيات الإهتمام بالدروس الهامة!
(٣) عند مواجهة المدير شاهدت رجلاً في الصف له كتاب!
(٤) من أكثر الناس علماً عالم ينفع الناس كثيراً!

٩٢٣. عَيْنِ الْخَبْرِ مَقْدَمًا:

- (١) في أيام الإمتحان الصعبة جهدُ الطالب أكثر من قيل!
(٢) في الأيام الدراسية أحبّ كتباً لها فائدة لنا في الحياة!
(٣) في عمري لن أقرأ قصة موضوعها للأطفال مُرّاً!
(٤) في اليوم الماضي ذهبْتُ إلى مطعمٍ طعامه لذيذ!

٩٢٤. عَيْنِ الصَّحِيحِ حَوْلَ الْإِيضَاحَاتِ:

- (١) لدينا زميل قويّ ذكيّ يُحِبُّ الفيزياء كثيراً ← مبتدأ، خبر
(٢) لي في هذه المدرسة إحدى المنضدات الجميلة ← خبر مقدم، مبتدأ مؤخر
(٣) لأبي الكريم عند صغري أحد الكتب طُبعت مَرَّتَيْنِ ← خبر مقدم، مبتدأ مؤخر
(٤) علينا في مجال التّعليم العمل بالقرآن يجب يا أخي ← خبر مقدم، مبتدأ مؤخر

٩٢٥. عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَعْيِينِ الْخَبْرِ:

- (١) وَفَرَّتْ الأُمُّ طَعَاماً لَذِيذاً لِلْحَضْرَاءِ فِيهِ لَحْمٌ طُبِخَ بِدَقِيقَةٍ ← طُبِخَ
(٢) على بعض الناس في المدينة المُساعدة إلى الفقراء تجب ← على بعض
(٣) عالم يذهب يفهم الحياة ... عليّ يضحك يجلس عندي ← يذهب - يضحك
(٤) من سعى رعى، فمن الواجبات اهتمام الطالب إليه ← رعى - من الواجبات

٤. سَوَائِلُ تَرْكِيبِيَّةٍ وَخَطَائِيَّةٍ:

٩٢٦. عَيْنِ الصَّحِيحِ حَوْلَ تَغْيِيرِ الْجُمْلَةِ الْفِعْلِيَّةِ إِلَى الْإِسْمِيَّةِ:

- (١) تُقيمُ المؤمّناتُ الصّلاةَ في أوقاتها! ← المؤمّناتُ تُقِمْنَ الصّلاةَ في أوقاتها!
(٢) ائْتَخَبَ سَعِيدٌ وَعَلِيٌّ أَحْسَنَ الْكِتَابِ! ← سَعِيدٌ وَعَلِيٌّ ائْتَخَبَا أَحْسَنَ الْكِتَابِ!
(٣) مَنَحَ الأَساتِذَةُ الطّالِبَ النّاجِحَ جَائِزَةً! ← الأَساتِذَةُ مَنَحَ الطّالِبَ النّاجِحَ جَائِزَةً!
(٤) يَتَّخِذُ الكُفّارُ أَوْلِياءَ هُم مِّن دُونِ اللهِ! ← الكُفّارُ يَتَّخِذُونَ أَوْلِياءَ هُم مِّن دُونِ اللهِ!

٩٢٧. عَيْنِ الْخَطَأِ عَلَى حَسَبِ الْقَوَاعِدِ:

- (١) لَمْ ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ وَلَمْ وَفَّقْتُ عِنْدَ بَائِعِ الْخُبْزِ!
(٢) أُسْرِعَ خَالِدٌ إِلَى غُرْفَةِ الطَّعَامِ وَحَمَلَتْ تَفَاحَتَيْنِ وَقَدَّمَهُمَا إِلَى وَالِدِهِ!
(٣) أَخَذَ الْوَالِدُ تَفَاحَةً وَأَكَلَهَا وَلَمَّا فَرَغَ مِنْهَا تَنَاوَلَ الثَّانِيَةَ!
(٤) فَتَشَّتْ فِي جُيُوبِي فَمَا وَجَدْتُ شَيْئاً مِنَ الثَّقُودِ!

٩٢٨. عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ إِعْرَابِ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ:

- (١) التّاجِرُ الأَمِينُ الصّادِقُ المُسلمُ مَعَ الشّهداءِ يَوْمَ الْقِيامَةِ! ← الخبر
(٢) اليَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي! ← الفاعل
(٣) اِئْتَمَرُوا إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا! ← الفاعل
(٤) سُبْحانَ الَّذِي أَسْرَى بَعْدَهُ لَيْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ! ← الضّفة

٩٢٩. عَيْنِ الْعِبَارَةِ الصَّحِيحَةِ (حَيْثُ مِطَابَقَةُ الْفِعْلِ وَالْفَاعِلِ):

- (١) يَلْبَسُ أُخْتِي فِي المِصْنَعِ اللَّبَاسَ الأَسْوَدَ!
(٢) تَخَلَّصْتُ أُمِّي مِنْ مِشْأَلِ الحِياةِ مَرَّةً الأُخْرَى!
(٣) شَاهَدْتُ الطِّفْلَ فِي المَلْعَبِ الرِّياضِيِّ مَبْتَسِماً!
(٤) يَقُولُونَ أَصْدِقائِي كَلاماً جَميلاً فِي حَفْلةِ المَدْرَسَةِ!

٩٣٠. عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (١) يَكْتُبُ الطّالِبُ مَقالاتٍ مِفيدَةٍ فِي المِجالِاتِ المِختلِفَةِ! ^{لِلغائِبِينَ} تَكْتُبُانِ الطِّفلَتانِ مَقالاتٍ مِفيدَةٍ فِي المِجالِاتِ المِختلِفَةِ!
(٢) البِومَةُ تَعيشُ فِي الأَمْكانِ المِترِوكةِ! ^{لِلغائِبَاتِ} البِوماتُ يَعْشَنُ فِي الأَمْكانِ المِترِوكةِ!
(٣) كَتَبْتُ دُرُوسِي فِي المِكتَبَةِ! ^{أَمْرٌ لِلْمِخاطِبِينَ} اُكْتُبُوا دُرُوسَكُمْ فِي المِكتَبَةِ!
(٤) الطِّفْلُ يَشاهِدُ صَديقَهُ فِي المِطعمِ! ^{لِلغائِبِينَ} الأَطْفالُ تَشاهِدُونَ صَديقَهُمْ فِي المِطعمِ!

٩٣١. عَيْنِ ما لَيْسَ فِيهِ المِبتدأ:

- (١) تَعاونَ النَّاسُ فِي المِجتمِعِ مِنْ أَهمِّ مَوْضوعاتِ البِلدانِ!
(٢) تَلَوْتُ الهِواءَ اكْبَرُ مَهْدِداتِ نِظامِ الطَّبِيعَةِ!
(٣) إِلَهِي وَرَبِّي! إِياكَ نَعْبُدُ وَإِياكَ نَسْتَعِينُ!
(٤) أَعْلَمُ النَّاسَ فِي المِجتمِعِ مِنْ جَمعِ عِلْمِ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ!

٩٣٢. عَيْنِ الْجُمْلَةِ الَّتِي لَيْسَتْ اِسْمِيَّةً:

- (١) الطّالِبانِ يَسْتَمعانَ إِلَى الأَسْتاذِ وَلَمْ يَتكلَّمَا!
(٢) أَفضَلُ عَمَلٍ لِكَسْبِ دَرَجَةِ عالِيَةٍ فِي اِمْتِحانِ هُوَ المِطالعةُ!
(٣) لِيالِي الشِّتاءِ نَسَمَعُ ذِكْرايَ جَدِّي مَعَ أُسْرَتِنا!
(٤) لِيالِي الشِّتاءِ أَطولُ مِنْ لِيالِي الرِّبيعِ وَالخَرِيفِ!



۹۳۳. عین الخطأ علی حسب القواعد:

- (۱) إنا نطمع أن يغفر لنا ربنا خطايانا!
 (۲) إذا بلغ مطلع الشمس وجدها تطلع على قوم!
 (۳) قد قالوا كلمة الكفر وكفروا بعد إسلامهم!
 (۴) الأم المثالية هي التي يربي أبناءها تربية حسنة!

۹۳۴. عین الصحيح للفرغ: «المعلمون ... التلاميذ المجتهدين»

- (۱) يُكْرَمُوا (۲) أُكْرِمُوا (۳) يَحْتَرَمُوا (۴) أُكْرِمُوا

۹۳۵. عین غير المناسب للفرغ: «... تعاونا على البر والتقوى»

- (۱) الصحابة (۲) المسلمون (۳) يا مؤمنون (۴) النساء

۹۳۶. عین العبارة التي لبست اسمية:

- (۱) هناك في الصباح الباكر رأی رسول الله جماعتين!
 (۲) كل الناس يعبدون الله فقط، عملهم الدعاء والذكر!
 (۳) حول موضوع علمي الآخرون يتباحثون مشتاقين!
 (۴) في الخير يرغب كلا الجماعتين، يرغبون ولكنهم يختلفون سلوكاً!

(فنی و حرفه ای ۸۷)

۹۳۷. عین الجملة الاسمية:

- (۱) إلى متى نتحمل الشدة والعسر!
 (۲) في طبخ الغداء تستعمل أُمِّي البصل غالباً!
 (۳) أحبُّ أصدقائي من يساعدني في الشدائد!
 (۴) أخيراً وبعد سنوات عاد المقاتلون من الحرب!

۹۳۸. عین الجملة الإسمية:

- (۱) شاهدت مع فاطمة أكثر معابد بلاد هند!
 (۲) تقصير الآمال في الدنيا دليل العقل!
 (۳) حين علقت الأم القلادة في عنق الطفل قذفها بعيداً!
 (۴) أحبُّ أصدقائي الناجحين الذين لأنهم حاولون!

۹۳۹. عین جملة ليست اسمية:

- (۱) بعض الناس يعملون كثيراً ويقلون من الكلام!
 (۲) التوكل على الله يوصل الإنسان إلى أهدافه!
 (۳) بجهد علمائنا الكبار في كل المجالات ستكشف أسرار!
 (۴) هذه المجلة التي طالعها غنية بعناوين علمية!

۹۴۰. كم جملة تشاهد في العبارة؟ «كل شيء يرخض إذا كثرت الآداب؛ فإنه إذا كثرت غلا»

- (۱) ثلاث (۲) أربع (۳) ست (۴) خمس

۹۴۱. كم جملة ترى في العبارة؟ «الله تعالى قال: «أنصروا أولياء الله ترحموا» فالناس يعملون به في حياة لها شدائد ومحاسن»!

- (۱) خمس (۲) ست (۳) سبع (۴) ثمانی

۹۴۲. عین المفعول مقدماً على الفاعل:

- (۱) تفكرت أحسن من عمل محمود لأنه لا يفكر قبل الإقدام!
 (۲) ما تكتب في الرسالة التي ترسل للمعلم يقرأه بدقة!
 (۳) ضربها اليوم يمكن أن يكون شديداً لأنها قد هيئت!
 (۴) لما تُنفق في سبيل الله من أموال قد جمعتها أمس!

۹۴۳. عین الخطأ حول العبارات: «ربنا آتينا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة» / «صبر المؤمن على بعض النوائب الشديدة ساعدنا أسبوعاً كاملاً»

- (۱) مفعول ثانٍ واسم التفضيل! (۲) فعل أمر وفعل ماضٍ!
 (۳) مضاف إليه و جمع التكسير! (۴) نعتان وثلاثة مضافات!



الدَّرْسُ الْخَامِسُ

جمله فعلیه

در این درس با ساختارهای جمله و نقش‌های اصلی آن آشنا می‌شویم. این درس نقش بسیار کلیدی و پایه در فهم درس بعد (معلوم و مجهول) و سایر مباحث دارد. جمله فعلیه جمله‌ای است که با فعل آغاز می‌شود. جمله فعلیه اغلب دارای فاعل است و گاه مفعول هم می‌گیرد، تعاریف این ارکان را ببینید:

- ◀ **فعل:** کلمه‌ای است که بر انجام کار یا داشتن حالتی در گذشته، حال یا آینده دلالت دارد. (که در درس اول همه رو یادآوری کردیم)
- ◀ **فاعل:** انجام‌دهنده کار یا دارنده حالت است. **مثال:** علی درس می‌خواند.
- ◀ **مفعول به:** کار بر روی آن انجام می‌شود و معمولاً بعد از فاعل می‌آید. برای این‌که در پیدا کردن فاعل و مفعول دچار توهم نشوید بهتر است انواع فاعل و مفعول را به همراه مثال‌های گوناگون بررسی کنیم:

انواع فاعل

فاعل به سه صورت می‌تواند بیاید:

- 1 **اسم ظاهر:** یک اسم بعد از فعل آمده و فاعل است.
این اتفاق فقط در صیغه سوم شخص مفرد مذکر و مؤنث (للغائب - للغائبة) (هو - هي) می‌افتد چه در فعل ماضی چه در فعل مضارع.
مثال: يذهب علي / جاء الرجل / تذهب زينب / جاءت معلمة
- 2 **ضمیر بارز:** هر ضمیری که جزء شناسه فعل است و در صرف، همراه فعل می‌آید نقش فاعل دارد. **مثال:** ذهبوا، تذهبان، ذهبتم، أكملن
- 3 **ضمیر مستتر یا ضمیر پنهان درون فعل:** یعنی یک ضمیر درون فعل انجام‌دهنده کار است. این اتفاق دارای دو حالت است:
الف) فعل مضارع در صیغه‌های اول شخص مفرد و جمع (أنا - نحن) و دوم شخص مفرد مذکر (أنت) حتماً فاعلش به صورت مستتر (پنهان) است.
مثال: أفرح ← فاعل ضمیر «أنا» مستتر (پنهان) / نَشَاهِدُ الشَّجَرَةَ ← فاعل ضمیر «نحن» مستتر (پنهان) / تذهب إلى بيتك ← فاعل ضمیر «أنت» مستتر (پنهان)
بنابراین در صیغه‌های ۷، ۱۳، ۱۴ یا للمخاطب، متکلم وحده و متکلم مع الغير مضارع، فاعل به صورت ضمیر مستتر (پنهان) است.
ب) در صیغه‌های سوم شخص مفرد مذکر و مؤنث (هو - هي) اگر فاعل بعد از فعل نیاید، فاعل ضمیر «هو» یا «هي» مستتر (پنهان) است. (در این حالت معمولاً فاعل قبل از فعل می‌آید و چون قبل از فعل است دیگر فاعل نیست بلکه مبتدا است.)
مثال: زينب جلست، فاطمة تذهب ← فاعل ضمیر «هي» مستتر در فعل است. / علي جاء، علي يذهب ← فاعل ضمیر «هو» مستتر در فعل است.

جمع بندی

پس در صیغه‌های سوم شخص مفرد دو حالت داریم:

- 1 **فعل + اسم** ← فاعل از نوع اسم ظاهر است. (ذهب رجل) فاعل
- 2 **اسم + فعل** ← فاعل از نوع ضمیر مستتر است. (رجل ذهب) فاعل ضمیر «هو» مستتر

انواع مفعول

مفعول به دو صورت در جمله ظاهر می‌شود:

- 1 **اسم ظاهر:** یک اسم، نقش مفعول دارد.
مثال: يضرب الله مثلاً، شاهدت الأشجار
- 2 **ضمیر متصل:** هرگاه یکی از ضمایر زیر به فعل بچسبد نقش مفعول دارد:
مثال: ضربتها - رأيتكم - شاهدت

| | | | | | |
|----|------|------|------|------|------|
| هَ | هَما | هَما | هَما | هَما | هَنا |
| كَ | كُما | كُما | كُما | كُما | كُنا |
| | | | | | ي |

ویتامینه: ۱ اگر مفعول ضمیر متصل باشد و فاعل از نوع اسم ظاهر، مفعول بر فاعل مقدم می شود.

مثال: قَرَأَهَا الرَّجُلُ ، يُذْهِبُنِي الْأَبُ
مفعول فاعل مفعول فاعل

۲ اگر دو ضمیر به فعل بچسبد، اولی فاعل است و دومی مفعول. **مثال:** أَحَدْتُنَا هِ ، ضَرَبْتَهَا
فاعل مفعول فاعل مفعول

۳ فعل و فاعل از نظر جنسیت (مذکر و مؤنث) باید مطابق هم باشند. **مثال:** ابْتَعَدْتُ فَاطِمَةَ
مؤنث مؤنث

■ حواسمان باشد جمع هایی که بر غیرانسان (غیرعاقل) دلالت می کنند، در حکم یک اسم مفرد مؤنث هستند.

مثال: كَثُرَتِ الْأَشْجَارُ ← فاعل (الأشجار) جمع غیرانسان است. پس فعل آن به صورت مفرد مؤنث آمده است.

۴ صیغه دوم شخص مفرد مذکر (أنت) در مضارع، اولین صیغه فعل امر است. دقت کنید در این فعل هم مثل مضارع، فاعل یک ضمیر مستتر است.

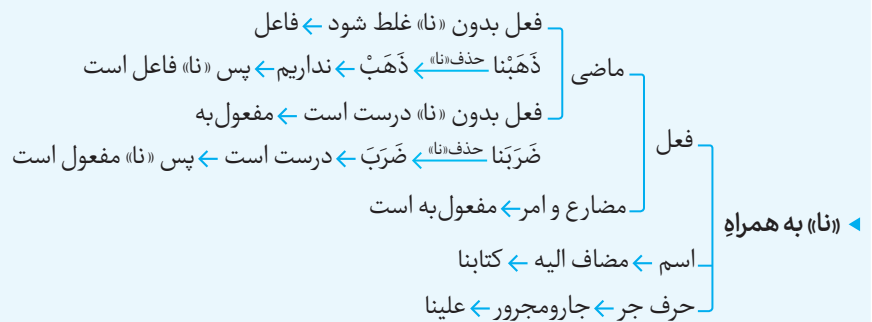
مثال: اِذْهَبْ (تذهب) ← فاعل ضمیر «أنت» مستتر در فعل است.

۵ اگر فاعل اسم ظاهر باشد فعل قبل از آن حتماً به صورت مفرد مذکر یا مفرد مؤنث می آید. (بستگی به جنسیت فاعل دارد.)

مثال: يَضْحَكُ الْمُؤْمِنُونَ / تَسِيرُ النِّسَاءُ
(مفرد مؤنث) (مفرد مذکر)

آقا اجازه: ۱ وقتی ضمیر «نا» به فعل می چسبد، نقش فاعل دارد یا مفعول؟

پاسخ ضمیر «نا» و «ی» می توانند نقش های مختلفی بگیرند که اتفاقاً این نکته بارها در کنکور مورد سؤال بوده!



۲ اگر «نا» به فعل ماضی مجهول بچسبد، نائب فاعل است.

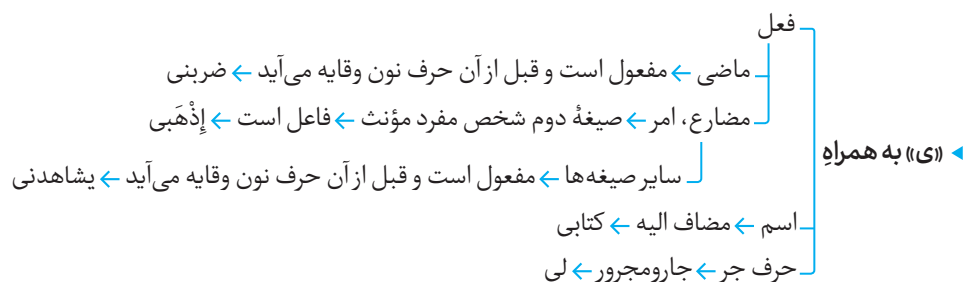
مثال: ضَرَبْنَا، فُرِحْنَا؛ در این حالت قبل «نا» حتما ساکن است.

نون وقایه: اگر ضمیر «ی» مفعول باشد و بخواهد به فعل بچسبد، قبل از ضمیر «ی»، حرف «ن» می آید. پس نون وقایه حتماً با فعل متعدی معلوم می آید و هرگز با فعل لازم یا اسم نمی آید. **مثال:** ضَرَبْنِي / يشاهدني

نسوزی: فعل های «فتن، ضمن، حزن، خزن، حسن، عان، ظن» در ریشه خود نون دارند.

آن را با نون وقایه اشتباه نگیرید **مثال:** لا تفتني ← نون وقایه ندارد.

مثال: لا تفتني ← نون وقایه دارد (تشدید می گوید دو تا نون داریم یکی برای ریشه یکی نون وقایه.)



■ پس هر وقت «ی» با فعل بیاید و قبل از آن «نون وقایه» بود، حتماً مفعول است و اگر «نون وقایه» نداشت، حتماً فاعل است.

مثال: اضربي (فاعل)، اضربني (مفعول)

دوپینگ: اگر فاعل ضمیر مستتر نباشد قاعده زیر برقرار است:

| | | |
|--------------------|----|-------------------|
| خودش ← فاعل است | نی | خودش ← فاعل است |
| بعدش ← مفعول است | | بعدش ← مفعول است |
| مثال: شاهدنی الرجل | | مثال: شاهدی الرجل |
| مفعول فاعل | | فاعل مفعول |

نون اضافه: گاهی نون وقایه به حروف هم می‌چسبد که این موضوع در مثال‌های کتاب درسی دیده می‌شود.

مثال: عنی ← عن + ن + ی / إئنی ← إن + ن + ی / لیتنی ← لیت + ن + ی

ویتامینه: مفعول دوم: برخی فعل‌ها در فارسی، هم مفعول می‌گیرند هم متمم. مثلاً «مادر به کودک غذا داد» به این فعل‌ها در عربی، فعل دو مفعولی می‌گویند و به متمم هم مفعول می‌گویند. پس چنین جملاتی دو مفعول دارند.

مثال: أطمعت الأم الولد الطعام / جعلت المعلم صديقي

| | | | | | | |
|-----|------|---------|---------|------------|---------|---------|
| فعل | فاعل | مفعول ۱ | مفعول ۲ | فعل و فاعل | مفعول ۱ | مفعول ۲ |
|-----|------|---------|---------|------------|---------|---------|

◀ مهم‌ترین افعال دومفعولی

جَعَلَ (قرار داد)، أَرَى (نشان داد) - أَعْطَى (بخشید) - آتَى (داد)، وَهَبَ (بخشید)، مَنَحَ (بخشید)، حَسِبَ (پنداشت)، عَلَّمَ (یاد داد)، سَمَّى (نامید) - ظَنَّ (گمان کرد، پنداشت)، وَجَدَ (یافت)، وَعَدَ (وعده داد)، أَدخَلَ (داخل در... کرد) - صَيَّرَ (قرار داد)، كَسَى (پوشاند)، أَلْبَسَ (لباس پوشاند)

مثال: سَمَّى الأبُّ وَاكْدَه جَعْفَرًا. ◀ پدر فرزندش را جعفر نامید.

فعل فاعل مفعول به اول م. الیه مفعول به دوم

| | | | | | | | |
|------------|-------|-----------|---|-----|------|----------|-----------|
| حَسِبْتُ | الرجل | عالمًا | / | جعل | الله | المؤمنين | مفلحين |
| فعل و فاعل | مفعول | مفعول دوم | | فعل | فاعل | مفعول | مفعول دوم |

■ ممکن است جار و مجرور، صفت یا مضاف‌الیه بین فاعل و مفعول، قرار بگیرد. حواستان باشد این فاصله گمراهتان نکند. (زنها که چون گوجه نباشی!) ضمناً برای جمع‌بندی جمله فعلیه به مثال‌های زیر دقت کنید.

مثال: جاءت إلى البيت الكبير الطالبة. يجب عليكم الإهتمام.

فعل ج.م صفت فاعل / فعل ج.م فاعل

شاهدتُم في ساحة المدرسة المدير. سرتنى في مدرستنا الجميلة من يحب العلم.

فعل فاعل ج.م م. الیه مفعول / فعل مفعول ج.م م. الیه صفت فاعل فعل و فاعل «هو» مفعول

وَعَدَ نَا اللهُ: إن تَنفَقُوا شَيْئًا مِنْ أَمْوَالِكُمْ تَشَاهِدُوا ثَمَرَتَهُ

فعل مفعول فاعل فعل و فاعل «واو» مفعول ج.م م. الیه فعل و فاعل «واو» مفعول م. الیه

وهبني الله قدرة تبني لي المستقبل.

فعل مفعول فاعل مفعول ۲ فعل و فاعل «هی» مستتر ج.م مفعول

جمله اسمیه

جمله‌ای است که غالباً با اسم شروع می‌شود و ارکان اصلی آن مبتدا و خبر است.

◀ **مبتدا:** اسمی است که در ابتدای جمله می‌آید و درباره آن خبری گفته می‌شود؛ در واقع مبتدا همان نهاد در زبان فارسی است.

◀ **خبر:** بخش دوم از جمله اسمیه است که درباره مبتدا، خبری می‌دهد. (همان گزاره است.)

مثال: اللهُ أَعْلَمُ / الرجلُ يذهبُ / الرجاءُ في قلبي

مبتدا خبر مبتدا خبر مبتدا خبر

انواع خبر

خبر سه نوع است که تشخیص آن حائز اهمیت است.

- ۱) خبر مفرد (اسم) ← الرجل عالم
- ۲) خبر جمله (فعل) ← المعلم يدرس العربي
- ۳) جار و مجرور ← الناس في السوق



آقا اجازه: اگر بعد از مبتدا چند کلمه داشتیم که می‌توانستند خبر شوند؛ اولویت با کدوم است؟

پاسخ برای پیدا کردن خبر، حالت‌های زیر قابل تصور است که اگر به درستی یاد بگیریم، در تعیین خبر و نهایتاً ترجمه درست «اشتباه می‌زنیم». پس اگر مبتدا را پیدا کردیم و در تعیین خبر شک داشتیم این گونه عمل می‌کنیم:

الف) فعل و جار و مجرور ← فعل (ترتیب آمدنشان مهم نیست). **مثال:** الرجل في الصف لنا يسعى
مبتدا ج.م مبتدا ج.م فعل (خبر)

ب) اسم و جار و مجرور ← اسم (ترتیب آمدنشان مهم نیست). **مثال:** الرجل في الصف لنا أسوة
مبتدا ج.م اسم (خبر)

ج) اسم + فعل ← اسم (ترتیب آمدنشان مهم است). **مثال:** الرجل عالم يفهم السر
مبتدا اسم (خبر) فعل

د) فعل + اسم ← فعل (ترتیب آمدنشان مهم است). **مثال:** الرجل يذهب عالم
مبتدا فعل (خبر) اسم

ه) خبر جار و مجرور ← آن جار و مجروری که در ترجمه قبل از فعل اسنادی (ربطی) یعنی «است، هست» قرار می‌گیرد، خبر می‌باشد. ضمناً حواسمون باشه اگر بین جار و مجرورها «ک + اسم» بود، آن جار و مجرور، خبر است.

مثال: الحاكم لنا في المدينة كالصديق ← حاکم برای ما در شهر مثل دوست است.
مبتدا ج.م (خبر)



نکته: ۱ در مشخص کردن خبر، به صفت و مضاف‌الیه مبتدا توجه کنید که با خبر اشتباه نشود.

مثال: الرجل العالم في مدرستنا الكبيرة قام بتعليم
مبتدا صفت ج.م م.اليه صفت خبر ج.م

تقدم الشعب الاسلامي اهمم موضوع
مبتدا م.اليه صفت خبر م.اليه

۲ حواسمان باشد جمله‌ای که بعد از «الذی - الّتی - الّذین و ...» و «مَنْ و ما» که در وسط جمله است می‌آید هرگز نمی‌تواند خبر باشد.

مثال: الرجل الذی يذهب عالم
مبتدا صفت جمله وابسته خبر

المعلم من یدرس
مبتدا خبر جمله وابسته

الرجل الذی يستقيم
مبتدا خبر جمله وابسته (صله)

خبر مقدم: گاهی خبر از نوع جار و مجرور بر مبتدا مقدم می‌شود که طبق نمودار زیر قابل دسته‌بندی است:

جار و مجرور در اول جمله +

فعل ← جمله فعلیه است و نیاز به حرکت خاصی نیست. **مثال:** في الصف جلست
ج.م فعل و فاعل

اسم ← نکره ۱۰۰ درصد خبر مقدم و مبتدای مؤخر داریم. **مثال:** في الصف رجل
مبتدا خبر

معرفه ← بعد از مبتدا، یک اسم یا فعل نداریم ← خبر مقدم و مبتدای مؤخر داریم. **مثال:** في الصف الرجل
مبتدا خبر

بعد از مبتدا، یک اسم یا فعل داریم ← خبر مقدم نداریم، مبتدا و خبر عادی داریم.

مثال: في الصف الرجل عالم / في الصف الرجل يضحك
ج.م مبتدا خبر ج.م مبتدا خبر

نکات ترجمه‌ای

- حرف «أن» ناصبه بر سر فعل مضارع می‌آید و معنای مضارع التزامی می‌سازد.
مثال: أحب أن يذهب ← دوست دارم که بروم. عسى الله أن يعفونا ← امید است خداوند ما را ببخشد.
- در ترجمه جملات اسمیه‌ای که فعل ندارند، از افعال ربطی «است، هست» استفاده می‌کنیم.
مثال: العلم كثير ← علم زیاد است. الرجل في البيت ← مرد در خانه است.
- اگر خبر یک اسم نکره باشد و چیزی بعدش نیامده باشد، می‌توان آن را به صورت معرفه ترجمه کرد.
مثال: هو عالم ← او دانا است. علي أسوة ← علی الگو است.
مبتدا خبر
- اگر خبر مفرد (اسم)، جمع باشد و چیزی بعدش نیامده باشد که درباره آن توضیح دهد، می‌تواند به صورت مفرد ترجمه شود.

هؤلاء مؤمنون علماء ← این‌ها مؤمنان دانا هستند.
 أنتم فقراء المدينة ← شما فقیران شهر هستید.

مثال: هؤلاء مؤمنون ← این‌ها مؤمن هستند.
 أنتم فقراء ← شما فقیر هستید.

اسم بدون «ال» ← جمع + مفرد
 اسم «ال» دار ← مفرد + جمع

هؤلاء المؤمنون ... ← این مؤمنان ...
 اگر در فرمول «اسم اشاره + اسم بدون ال» بعد از اسم کلمه‌ای بیاید که راجع به آن توضیح دهد، آن اسم به صورت جمع ترجمه می‌شود.
 مثال: هؤلاء مؤمنون یذهبون ← این‌ها مؤمنانی هستند که می‌روند. اولئك رجال المدينة ← آن‌ها مردان شهر هستند.

پاسخ‌های تشریحی

ترجمه

۷۰۱. «گزینه ۳» حرکت: حرکتش ضمیر ترجمه نشده است.
 ۷۰۲. «گزینه ۳» أَنْظُرُ: نگاه کن «فعل امر است و نباید مضارع ترجمه شود. (رد ۱) «هذا» در گزینه (۲) ترجمه نشده است. «تحوّل: تبدیل می‌کند» متعدی است اما در گزینه (۴) به شکل لازم (تبدیل می‌شود) ترجمه شده است.
 ۷۰۳. «گزینه ۲» صَوْتُ: صدایی «نکره است اما در گزینه (۱) معرفه ترجمه شده است. «الأخطار» در گزینه (۳) به صورت مفرد و در گزینه (۴) به صورت «خطاها» ترجمه شده.

۷۰۴. «گزینه ۳» بررسی سایر گزینه‌ها

- «وله: و دارد» به اشتباه (است) ترجمه شده است.
- «الأشياء الملونة: اشیای رنگی» فاعل است نه مفعول.
- «أخيراً» ترجمه نشده است.
۷۰۵. «گزینه ۴» كُنْتُ تُعْرَفُ: می‌دانستی «ماضی استمراری است. (رد ۱) «الكلب» مفرد است و بدون اسم اشاره. (رد ۱ و ۲) «حاسة سادسة: حس ششمی»، عدد ترتیبی است و نباید به شکل عدد اصلی ترجمه شود. (رد ۳)
۷۰۶. «گزینه ۳» الْقُرْآنِيَّةُ: در گزینه‌های (۱) و (۴) به اشتباه «قرآن» ترجمه شده است. در گزینه (۲) «اللغة» ترجمه نشده. «أريدُ: می‌خواهم» فعل مضارع است نه اسم. (رد ۴)

دوپینگ: گاهی مصدر را می‌توان به صورت مضارع التزامی ترجمه کرد.
 (گاهی یعنی کی؟) این اتفاق معمولاً بعد از فعل‌هایی مثل «طلب - أراد - قَصَد - عزم - يُحِبُّ» می‌افتد.
 مثال: طلبتُ الذهاب: خواستم بروم، رفتن را خواستم

۷۰۷. «گزینه ۲» تُوجَدُ: یافت می‌شود، وجود دارد «مجهول است اما در گزینه‌های (۱) و (۴) اشتباه ترجمه شده است. «نهار مضيء: روزی روشن» ترکیب وصفی و نکره است اما در گزینه (۳) به شکل معرفه آمده.

۷۰۸. «گزینه ۳» بررسی سایر گزینه‌ها

- «للكثير من الأعشاب...: بسیاری از گیاهان دارند...»
- «يمكن أن نستخدّمها كالدواء: می‌توانیم از آن‌ها به عنوان دارو استفاده کنیم.»
- «أن نلتقط أجمل صور: که زیباترین عکس‌ها را بگیریم»
۷۰۹. «گزینه ۴» در گزینه (۱) ضمیر «ها» در «ابتلاءها» ترجمه نشده. «عادة» اسم است و نباید فعل ترجمه شود. (رد ۲) «الوقاية» اسم است ولی در گزینه (۳) به صورت فعل ترجمه شده است.

۶۹۳. «گزینه ۳» «سبروا: حرکت کنید» امر است نه ماضی (رد ۱). «ف: پس و»، در گزینه (۲) «سپس» و در گزینه (۴) «تا» ترجمه شده است. «روی» در گزینه (۴) اضافه است.
 ۶۹۴. «گزینه ۱» قال: گفت «در گزینه (۳) به اشتباه ماضی بعید (گفته بود) ترجمه شده است. «يا قوم: ای قوم من» در گزینه‌های (۲) و (۴) به شکل «ای قوم» ترجمه شده است. «ظَلَمْتُمْ: ستم کردید» فعل ماضی است نه مضارع (رد ۲). «إِنكُمْ ظَلَمْتُمْ: بی شک شما ظلم کردید» در گزینه (۴) مضارع ترجمه شده.

نسوزی: حواسمان باشد اگر اسمی که صدایش می‌زنیم (منادی) آخرش حرکت کسره (ـِ) داشته باشد، این کسره در اصل، ضمیر «ی» بوده. مثلاً «قوم» همان «قومی» (قوم من) است و «رَبِّ» همان «رَبِّي» (خدای من) است.

۶۹۵. «گزینه ۱» «الإغراق في المدح والذم: اغراق در ستایش و نکوهش است. در گزینه (۳) «علی» معنی «با» می‌دهد، زیرا «خواب بر علم» بی‌معناست.
 ۶۹۶. «گزینه ۲» بررسی سایر گزینه‌ها

- «تَسُونُ: فراموش می‌کنید»
- «نَظَرُ: نگاه کردن» مصدر است نه فعل. «عبادة» ترجمه نشده است.
- «عداوة: دشمنی»، «صداقة: دوستی» مصدر هستند.
۶۹۷. «گزینه ۴» «لا أملك» فعل مضارع است اما در گزینه (۱) ماضی ترجمه شده است. «ما: آنچه، چیزی که» در گزینه (۳) به شکل شرط ترجمه شده است. در گزینه (۲) «نفعاً و ضرراً: نفعی و ضرری» نکره است اما به شکل معرفه آمده است.
۶۹۸. «گزینه ۱» «أعودُ: پناه می‌برم» فعل مضارع است نه ماضی (رد ۲). «أن أسألک: که بخواهم» مضارع التزامی است و در گزینه (۴) به شکل «می‌خواهم» ترجمه شده که اشتباه است. «ما لیس لی به علم: آنچه به آن علم ندارم» زمان حال است، و در گزینه (۳) به شکل گذشته (دانشی نداشته‌ام) آمده که نادرست است.

۶۹۹. «گزینه ۴» «أثر علی...: بر... تأثیر گذاشت»، «تأثر به...: از... تأثیر پذیرفت» در گزینه (۱) جابه‌جا ترجمه شده است. ضمن این‌که در گزینه (۲) صیغه فعل به اشتباه به شکل غائب ترجمه شده است. «لا» حرف نفی است و نباید به شکل «هیچ...» ترجمه شود. (رد ۳) هم چنین «يجب» در این گزینه ترجمه نشده.

۷۰۰. «گزینه ۴» «المؤمنون: مؤمنان» فاعل است و «الأحزاب» مفعول اما در گزینه‌های (۱) و (۳) جابه‌جا ترجمه شده است. «وَعَدْنَا الله: خداوند به ما وعده داده»، «الله» فاعل است، اما در گزینه (۲) به شکل مفعولی ترجمه شده است.



۷۲۶. **گزینه ۳** «كان يذهبون: می رفتند» (ماضی استمراری) (رد ۲) «تجری» به خاطر فعل «كان» به صورت ماضی استمراری معنا می شود: (جاری می گشت، روان می شد.) (رد ۴) «الاستهيم» جمع لسان به معنی زبان هایشان است. (رد ۱)
۷۲۷. **گزینه ۳** «در» در گزینه (۱) و (۲) اضافه است. «لا نملك» فعل است نه اسم (رد ۴)
۷۲۸. **گزینه ۴** «من الأشخاص: از افراد، از اشخاص» (رد ۱ و ۲) «حياتهم: زندگیشان، زندگی خود» (رد ۱) «المعالی: بزرگی ها» (رد ۲ و ۳)
۷۲۹. **گزینه ۱** ترجمه کامل گزینه (۱): «خداوند این دست را دوست می دارد.»
۷۳۰. **گزینه ۲** «الدین الوحيد: تنها دین» (رد ۳ و ۴) «له: دارد» (رد ۱ و ۴) ضمناً «یعنی» در گزینه های (۱) و (۳) اضافی است.
۷۳۱. **گزینه ۲** «تحصل: حاصل می گردد، به دست می آید» (رد ۱)، «الناس: مردم» (رد ۳)، «هم الذين: همان کسانی هستند که...» «يقتصون: شکار می کنند» (رد ۴)
۷۳۲. **گزینه ۴** «كنت أحس» ماضی استمراری است. (رد ۱ و ۳)، «سوف تمر: خواهد گذشت، سپری خواهد شد» (رد ۱ و ۲)
۷۳۳. **گزینه ۴** «الحياة: زندگی» (رد ۲) «يقوى: قوی (توانمند) می کند.» (رد سایر گزینه ها) ضمناً در گزینه (۱) «الأموار» ترجمه نشده است.
۷۳۴. **گزینه ۲** «من: کسانی که» (رد ۱ و ۳)، «يسمعون: می شنوند»، «كلام الأنبياء الحق: سخن حق انبیاء»، «المُرشدون: اسم مفعول است» ولی در گزینه های (۳) و (۴) به صورت اسم فاعل ترجمه شده است.
۷۳۵. **گزینه ۳** «حياته المحقرة» معادل «زندگی حقیرانه او (خود)» است (رد سایر گزینه ها) هم چنین «لأن» به معنای «زیرا» است. (رد ۱ و ۲)
۷۳۶. **گزینه ۴** «كانت... ألحث» معادل ماضی بعید است (رد سایر گزینه ها) هم چنین «علی» در گزینه های (۱) و (۳) ترجمه نشده است.
۷۳۷. **گزینه ۲** «لا تسمح لنفسك: به نفست اجازه مده»، «طلب مال الدنيا: طلب مال دنیا»، در ضمن «ضرورته» دارای ضمیر است. (رد سایر گزینه ها)
۷۳۸. **گزینه ۲** «كان... يهاجرون» ماضی استمراری است به معنای «مهاجرت می کردند.» (رد سایر گزینه ها)
۷۳۹. **گزینه ۱** «قطرات الماء الصغيرة»: قطرات کوچک آب (رد ۳ و ۴)
مضاف(موصوف) م.البه صفت
- «انكسر» بعد از «إذا» آمده لذا به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود. (رد ۲ و ۳)
۷۴۰. **گزینه ۳** اگر بخواهید در حل این تست به قسمت «من الواجب علينا أن لا نغض... توجه کنید، قطعاً دچار سردرگمی می شوید، زیرا هر چهار گزینه مفهوم عبارت را رسانده و هر کدام با الفظی خاص معنای الزام را بیان کرده اند. بهترین راه حل این است که از ساختار «فوائد النباتات الكثيرة» استفاده کنید.
- اسم م.البه صفت
- این عبارت معنای «فواید بسیار گیاهان» را می دهد لذا گزینه های (۱) و (۴) رد می شوند. هم چنین با کمی دقت درمی یابیم که «ساخته شده» در گزینه (۲) اضافی است و معادلی در عبارت عربی ندارد.
۷۴۱. **گزینه ۱** ترجمه صحیح عبارت: «امروز تنبلی را ترک کن برای این که فردا پیشرفت کنی.»
۷۴۲. **گزینه ۲** «أرفع العباد: بلندمرتبه ترین بندگان» (رد سایر گزینه ها) هم چنین «من» موصول در اینجا به معنای «کسی است که» می باشد (رد سایر گزینه ها)، در ضمن ضمیر مفرد «ه» در گزینه (۱) به صورت «شان» یعنی جمع ترجمه شده است.
۷۴۳. **گزینه ۲** «عالمنا الذي» معادل «دنیاى ما که...» می باشد، هم چنین

۷۱۰. **گزینه ۲** «تعرف لغة خاصة للتفاهم: زبانی خاص برای تفاهم می دانند.»
۷۱۱. **گزینه ۳** «لسان: زبانی، یک زبان» نکره است و نباید به شکل معرفه ترجمه شود. (رد ۲) «تفرز: ترشح می کند» مضارع التزامی نیست. (رد ۴) ضمناً «مُطَهَّر: پاک کننده» اسم فاعل است و نباید به شکل اسم مفعول (پاک شده) ترجمه شود. (رد ۱)
۷۱۲. **گزینه ۴** «أن تُغَيِّر: که تغییر دهد» (رد ۱) «قد استطاعت» فعل است نه اسم. (رد ۲) «حتى تحمي» مضارع است نه ماضی. (رد ۳)
۷۱۳. **گزینه ۴** «فهم» معادل «تحقیق کرده اند» نیست، «أن»: که (رد ۱) در گزینه (۲) «كوسيلة» ترجمه نشده است. «تحقیقات» هم در گزینه (۳) ترجمه نشده است.
۷۱۴. **گزینه ۴** «فی القیل: در قیل» در قیل» ترجمه نشده است. (رد ۱ و ۲) «يستطيع: می تواند» در گزینه (۲) «بتواند» ترجمه شده است. «أيضاً: نیز» در گزینه (۳) ترجمه نشده است.
۷۱۵. **گزینه ۴** «يوم» در عبارت «أن يأتي يوم: که روزی بیاید»، فاعل است اما در گزینه (۱) به شکل فاعلی ترجمه نشده است. در گزینه (۲) «المُدن: شهرها» مفرد ترجمه شده. در گزینه (۳) ترکیب وصفی «البكتيريا المُضيئة: باکتری های نورانی» به شکل فعل (باکتری هایی که نور می دهد) ترجمه شده که اشتباه است.
۷۱۶. **گزینه ۲** «قصص الأطفال القديمة: داستان های قدیمی کودکان» (رد ۱ و ۳)، «تبدیل گشته اند» در گزینه (۴) معادل عربی ندارد.

نسوزی: دو فعل بعد از «إذا» غالباً به ترتیب به صورت مضارع التزامی و مضارع اخباری ترجمه می شوند (حتی اگر ماضی باشند).
مثال: إذا جاء علیٌّ ذهبنا ← اگر علی بیاید، می رویم.

۷۱۷. **گزینه ۳** «ضوء: نور» در گزینه (۱) «گرما» ترجمه شده است. «وإن» در وسط جمله به شکل (اگرچه، هر چند) ترجمه می شود. (رد ۲)
- «عامل مساعد: عاملی کمک رسان» ترکیب وصفی نکره است اما در گزینه (۴) به شکل معرفه ترجمه شده است.
۷۱۸. **گزینه ۳** «من العجيب جداً أن: بسیار عجیب است که» در گزینه های (۲) و (۴) اشتباه ترجمه شده است. «لكن رأسها يتحرك: اما سرش حرکت می کند» (رد ۱ و ۴)
۷۱۹. **گزینه ۴** «كنت تعلم: می دانستی» ماضی استمراری است. (رد ۱) «زيتاً خاصاً» باید نکره ترجمه شود. (رد ۲) «خزانات» جمع است اما در گزینه (۳) به شکل مفرد (انبار) ترجمه شده است.
۷۲۰. **گزینه ۳** «قد دلت: راهنمایی کرده اند» متعدی است نه لازم.
۷۲۱. **گزینه ۳** «عيون: چشمان» جمع است و نباید به شکل مثنی ترجمه شود. (رد ۱) «أن تُعَوِّض: که جبران کند» مضارع التزامی است اما در گزینه (۲) به شکل مضارع ترجمه شده است. «لكنها» در گزینه (۴) ترجمه نشده است.
۷۲۲. **گزینه ۱** بررسی سایر گزینه ها
- ۲ «أن: که» به اشتباه به شکل «إن: اگر» ترجمه شده است.
- ۳ «شاکراً» اسم است نه فعل (شکرگزار باش) هم چنین «چرا که» اضافی است.
- ۴ «تَعَسَّرَت: سخت شود»
۷۲۳. **گزینه ۳** «نواصل» صیغه متکلم (اول شخص جمع) است نه مخاطب. (رد ۱ و ۴) در گزینه (۲) فعل «بتوانیم» اضافه است و در ضمن «أبناء» به معنی «جوانان» نادرست است.
۷۲۴. **گزینه ۳** «امتحان» مفرد است و در گزینه (۴) دوبار تکرار شده. (رد ۱ و ۴) «لن» یشارکوا» آینده منفی است. (رد ۲)
۷۲۵. **گزینه ۲** «قيم الإسلام الرفيعة: ارزش های والای اسلام» (رد ۳)، «الحریات: آزادی ها» (رد ۱) در عبارت گزینه (۴) کلمه «مهم» اضافه است.

۷۶۱. **گزینه ۳** شب قبل دیدم که چگونه برق به طور کامل در شهر قطع شد و ستارگان در تاریکی شهر **درخشان** ظاهر شدند.

۷۶۲. **گزینه ۲** «معلم به دانش‌آموزان گفت: اگر جواب را در زمان امتحان نمی‌دانستید پس برایتان بهتر است که به خاطر عدم **از دست دادن** وقت به سؤال بعدی بروید. (منتقل شوید)»

ترجمه سایر گزینه‌ها

۱ اداره کردن ۳ کمی ۴ زیادی

۷۶۳. **گزینه ۱** نظر من در اغلب امور، از نظر برادرم **تأثیر می‌پذیرفت** زیرا که گمان می‌کردم او در نظراتش منطقی است.

ترجمه سایر گزینه‌ها

۲ تأثیر می‌گذارد. ۳ سود می‌برد از ۴ تغییر می‌دهد.

۷۶۴. **گزینه ۲** وقتی به سگ‌ها غذا می‌دهیم، پس آن‌ها **دمشان** را **تکان می‌دهند** تا از ما تشکر کنند. «تحرک: حرکت می‌کند»، «ذنب: گناه» و «لسان: زبان» بی‌معنا هستند.

۷۶۵. **گزینه ۲** «بیماری‌ها در فصل زمستان به خاطر هوای سرد و **باکتری‌ها** **پخش می‌شوند** و ما باید از آن پیشگیری کنیم». گزینه‌های (۳) و (۴) متعددی هستند و چون در جمله مفعول نداریم هر دو اشتباه هستند. گزینه (۱) هم بی‌معناست.

ترجمه سایر گزینه‌ها

۱ وجود دارد - مایع ۳ ایجاد کرد - بیماری‌ها ۴ پخش می‌کند - برف

۷۶۶. **گزینه ۲** «دریاها و اقیانوس‌ها **حاوی** انواع مختلفی از ماهی‌ها و موجودات زنده هستند که در **اعماق** آن‌ها زندگی می‌کنند.»

ترجمه سایر گزینه‌ها

۱ در بر می‌گیرد - کنار ۲ شامل می‌شود - میان ۴ آشنا می‌شوند - داخل

۷۶۷. **گزینه ۱** «امور در شرکت، به نحوه **بدی می‌پرخشد**، پس وقتی این مدیر آمد، آن‌ها را به شکل خوبی **اداره کرد**.»

۷۶۸. **گزینه ۲** «نمی‌دانستم چطور از تلفن همراه جدید **استفاده کنم**، تا این‌که برادرم به من **آموخت**، زیرا که او به آن آگاه بود.»

۷۶۹. **گزینه ۴** «**یُحْوَل**» در گزینه (۴) بی‌معناست. «انسان از ادب دوستانش **تأثیر می‌پذیرد** و بر آن‌ها **تأثیر می‌گذارد** و او باید به دنبال کسی **بگردد** که به او **سود رساند** و نیز کسی که از او **سود برد** و او را به راه درست **هدایت کند** و اگر اشتباهی مرتکب شد، پس **تبدیل کند**، تا آن را **جبران نماید**.»

۷۷۰. **گزینه ۳** «وقتی مدیر دانش‌آموزی را صدا کرد که شیشه را شکسته بود، پس چهره‌اش را به سرعت **برگرداند** و ترسان **دور شد**.»

ترجمه سایر گزینه‌ها

۱ شکسته شد - تغییر داد - فرار کرد ۲ قطع کرد - تغییر کرد - دور شد

۴ شکست - پنهان کرد - دور شد

۷۷۱. **گزینه ۱** «از جنگل، بوی گل‌های زیبا و گیاهان **زمینی فرستاده می‌شود** که دست انسان در کاشت آن‌ها **دخالتی نداشته است**.»

۷۷۲. **گزینه ۲** «عقربه‌های ساعت از راست به چپ **حرکت می‌کنند** و عقربه کوچک ساعت‌ها را نشان می‌دهد و بزرگ دقیقه‌ها را، پس اگر بخواهیم ساعت را به جلو یا عقب ببریم، آن را یک دور کامل می‌چرخانیم.»

ترجمه سایر گزینه‌ها

۱ گناه همان عضوی در پشت حیوانات است و آن را غالباً برای طرد حشرات آزاردهنده تکان می‌دهند. (الدَّنب: دم)

۲ جغد از پرنده‌هایی است که در روز می‌خوابد و در شب به دنبال غذا می‌گردد.

«مُلِئٌ» فعل مجهول است که معادل «پر شده است، مملو شده است» است. (رد سایر گزینه‌ها).

۷۴۴. **گزینه ۲** «کان» زمان عبارت را به گذشته تبدیل می‌کند، هم چنین «الابتعاد» اسم است نه فعل (رد ۳ و ۴) «أسباب» جمع است نه مفرد (رد سایر گزینه‌ها)

گزینه ۱ بررسی سایر گزینه‌ها

۲ «عندما» ترجمه نشده، «تروح» به معنای «می‌روی» است نه «رایحه»، «بسیار» اضافی است، «أبْدَلُ» فعل امر است نه مضارع. ۳ «راه می‌روی» معادل «تروح» و «عائیا» به معنای «رنج برده‌اند» نیست. ۴ «تروح» مضارع است نه ماضی، «عائیا» ماضی است نه مضارع.

واژگان

۷۴۶. **گزینه ۳** «الإنسان الساعی»: انسان کوشا (رد ۱ و ۲) «يقذف بعيداً»: دور می‌اندازد (رد ۲)، هم چنین «همیشه» و «دائماً» در گزینه‌های (۱) و (۴) اضافی است.

۷۴۷. **گزینه ۳** «پدرم گمان کرد که عابر راه را گم کرده است. پس او را به راه صحیح **راهنمایی کرد**.»

۷۴۸. **گزینه ۲** «خَلَقُ»: آفرینش است

ترجمه سایر گزینه‌ها

۱ شنیدیم. ۲ ندا می‌داد (فعل مضارع پس از ماضی (سمعنا) است پس به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود). ۴ ما را بمیران.

۷۵۰. **گزینه ۳** «أملك» در این جا تنها معنی «دارم، مالک هستم» دارد با توجه به «کتاب» معنای «فرمانروایی» نمی‌دهد.

۷۵۱. **گزینه ۳** «اگر **کلاغ** خطرا بفهمد، با صدایش به حیوانات **هشدار می‌دهد** تا از خطر دور شوند.»

۷۵۲. **گزینه ۳** «قَطَعُ» (قطعه‌ها) با دیگر واژگان که همگی اسم‌های حیوانات هستند هم‌خوانی ندارد. در گزینه (۱) همه واژگان مصدر هستند. در گزینه (۲) همگی اعضای بدن هستند. در گزینه (۴) همگی در آسمان هستند.

۷۵۳. **گزینه ۳** «تُدَخِلُ»: داخل می‌کنی» متعدی است و متضاد آن «تُخْرِجُ»: خارج می‌کنی» است نه «خارج می‌شوی».

۷۵۴. **گزینه ۴** «قَسَمَ»: قسمت کرد» یا «نَشَرَ»: پخش کرد» و «نَطَرُ»: دیدن» با «شاهد»: دید» مترادف نیستند. «نَسَى»: فراموش کرد» و «ذَكَرَ»: یادکرد» متضاد نیستند.

۷۵۵. **گزینه ۳** «موجوداتی که در آب و خاک و هوا زندگی می‌کنند، برخی مفید و دسته‌ای زبان رسانند» تعریف باکتری است.

۷۵۶. **گزینه ۱** «الحرباء: آفتاب پرست» درست است.

۷۵۷. **گزینه ۳** جمع «ذَنب» به معنای «دم»، «أذنب» است و «ذنوب» جمع «ذنب: گناه» است.

۷۵۸. **گزینه ۳** سایر گزینه‌ها به معنای «نورانی کردن» هستند اما «ضوء: نور» نامناسب است.

۷۵۹. **گزینه ۲** با توجه به حرف اضافه «عَلَى» این گزینه صحیح است. «جنگل مجاور انواع مختلفی از حیوانات همچون گربه‌ها، سگ‌ها، کلاغ‌ها و غیر آن‌ها را **دربردارد**.»

۷۶۰. **گزینه ۲** «در داخل موزه بودم پس کارمند به من گفت: **بخشید**، امکان ندارد که **عکس بگیرید**.»

ترجمه سایر گزینه‌ها

۱ بیاوری ۲ مشاهده کنی ۴ بدهی

۷۸۶. **گزینه ۳** ترجمه عبارت: «نگاه نکن به دقیقه‌های زندگی گذشته، بلکه نگاه کن به دقیقه‌های باقی مانده‌اش.»

ترجمه گزینه ۲: «بر آنچه گذشته است حسرت نخور.»

ترجمه گزینه ۴: «از آنچه برایت از فرصت‌ها باقی مانده استفاده کن.»

۷۸۷. **گزینه ۲** عبارت مورد سؤال (هر کس قبل از سخن گفتن تأمل و تفکر کند از اشتباه در امان می‌ماند.) و گزینه ۲) بیانگر این است که انسان باید قبل از سخن گفتن به سخنش فکر کند تا از خطا و لغزش در امان باشد.

ترجمه گزینه ۲: «چرا به آن چه که می‌گویند، عمل نمی‌کنید؟»

ترجمه گزینه ۳: «هنگامی که عقل کامل باشد سخن ناقص می‌شود.»

۷۸۸. **گزینه ۲** بررسی سایر گزینه‌ها

۱ همانا ما شما را از نو و ماده آفریدیم = بدان که هر چیزی هم‌نوع دارد.

۲ نیکی آن است که در پنهان مانند آشکارا عمل نمایی = بدان که تو مسئول کارت هستی.

۳ هیچ ضرری در دوستی انسان رنگارنگ (دورو) نیست = انسان باید درون و برونش یکسان باشد.

۴ واگر درشت خو (و) سنگدل بودی قطعاً از اطرافت پراکنده می‌شدند = هر کس زبانش شیرین شود، دوستانش زیاد می‌شوند.

مکالمه

۷۸۹. **گزینه ۴** سؤال: آیا می‌دانی که او سلمان فارسی است یا خیر؟! جواب: بله، او را می‌شناسم، او از یاران پیامبر (ص) و اصالت او از اصفهان است.

در گزینه ۱) ضمیر «هی» نادرست است و باید «هو» ذکر می‌شد و «أصلها» باید «أصله» باشد.

در گزینه ۲) از حروف «أَمْ لا» استفاده نشده است.

در گزینه ۳) با فعل «تَعَرَّفُ» سؤال پرسیده و در جواب باید فعل «اعرف» بیاید و فعل «نعرَفُ» صحیح نیست.

۷۹۰. **گزینه ۲** در گزینه ۲) پاسخ سؤال در قسمت اول مثبت آمده است «بالتَّأکید: حتماً، البته» و در ادامه جمله را به صورت منفی آورده است و اسلوب جمله پاسخ غیرمنطقی است.

نسوزی: در جواب سؤال «هَلْ» باید پاسخ یا با «نَعَمْ» یا «لا» شروع شود و نباید آمیخته‌ای از این دو باشد!

ترجمه گزینه ۲) سؤال: آیا شما از طاق کسری اطلاعاتی دارید؟! پاسخ: البته، ما از آن معلوماتی نداریم.

۷۹۱. **گزینه ۱** «بر فرزندان لازم است به نصیحت پدر و مادرشان گوش فرا دهند و دستورات آن‌ها را پیروی کنند تا در زندگیشان پیروز شوند»
«فرزندان چه زمانی به نصیحت والدینشان گوش می‌دهند!»

۷۹۲. **گزینه ۳** «چند متر برای دوختن دو لباس زنانه کافی است؟!»: بنابراین به من شش متر بدهید!

۷۹۳. **گزینه ۲** تاکنون چند مرتبه به اصفهان سفر کرده‌اید؟ «سه بار به اصفهان سفر می‌کنیم.» فعل جمله سؤالی «ماضی» است ولی در پاسخ از فعل مضارع استفاده شده است.

۷۹۴. **گزینه ۴** «من زبان عربی را خوب می‌شناسم زیرا من در مصر متولد شدم و سی سال آن جا زندگی کردم.»

۳ آفتاب پرست و گربه و سگ و مرغابی، از حیوانات دوزیست (آب / خشکی) به حساب می‌آیند. (در خشکی زندگی می‌کنند)

۴ پیشگیری دفع یک حادثه بعد از وقوع آن است و چنان‌که گفته‌اند: آن بهتر از درمان است. (قبل از وقوع است نه بعد از آن)

۷۷۴. **گزینه ۲** ویژگی چرخاندن سر در تمام جهات مخصوص جغد است نه آفتاب پرست (البوم).

مفهوم

۷۷۵. **گزینه ۲** «شرافت انسان به دانش و ادب است نه نسب» که تنها در گزینه ۲) به مفهوم اشاره شده است و گزینه‌های دیگری ارتباط هستند.

۷۷۶. **گزینه ۴** مفهوم عبارت: «لزوم نگر داشتن راز» مفهوم گزینه ۴) «نکوهش افشای راز»

۷۷۷. **گزینه ۲** ترجمه عبارت: «علم شکار است و نوشتن دام و بند.» مفهوم گزینه ۲) بی ربط است.

۷۷۸. **گزینه ۱** ترجمه آیه: «بگو در زمین راه بروید پس بنگرید که چگونه آفرینش را آغاز کرد.» مفهوم، عبرت گرفتن است که در این گزینه به آن اشاره شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها

۲ «هر کس بر اساس توانایی‌ها و دانش کاری می‌کند.»

۳ «اعمال تنها به نیت‌هاست و برای هراسانی آن چیزی است که قصد کرده است.»

۴ «اگر عالم بخواهد بهتر از این است که جاهل نماز بخواند.»

۷۷۹. **گزینه ۳** مفهوم این گزینه: «برتر دانستن مرگ از زندگی است.» مفهوم صورت سؤال و دیگر گزینه‌ها: «منع از حسدورزی»

۷۸۰. **گزینه ۲** مفهوم عبارت و گزینه ۲): «نام نیک از خود بگذار.»

مفهوم سایر گزینه‌ها

۱ «سخن نیک همیشه باقی است و به همراه خود نام سخنگور را جاوید نگاه می‌دارد.»

۳ «هنرمندان نام بزرگان را بلندآوازه می‌کنند چنان‌که شهرت بیستون به دلیل هنرمندی فرهاد کوه‌کن بود.»

۴ «از بدی کردن نام بد می‌ماند، پس نیکی کن.»

۷۸۱. **گزینه ۳** «از بی وفایی جهان» می‌گوید ولی مفهوم سایر گزینه‌ها این است که همه فانی هستیم و خواهیم مرد.

۷۸۲. **گزینه ۲** ترجمه عبارت: «بهترین مردم کسی است که دیگران از زبان و دستش سالم بمانند» (یعنی به دیگران آزار نرساند) که به مفهوم گزینه ۲) نزدیک است. مفهوم سایر گزینه‌ها

۱ «از تو توقع خوبی ندارم، فقط بدی نکنی کافی است.»

۳ «اکنون تو فقط ظلم می‌کنی نه کس دیگر.»

۴ «پاسخ ظلم، ظلم و پاسخ عدالت، عدل است.»

۷۸۳. **گزینه ۱** مفهوم این گزینه می‌گوید: «انسان بلندهمت کم‌تر به آرزوهایش می‌رسد.» مفهوم سایر گزینه‌ها: «جوینده یابنده است.»

۷۸۴. **گزینه ۴** «تجربه بالاتراز علم است.» تنها در این گزینه به این مفهوم اشاره شده که اگر جوان در دانش بی نظیر باشد، باز به گفتار پیر (تجربه وی) نیاز دارد. سه گزینه دیگر بی ارتباط هستند.

۷۸۵. **گزینه ۳** ترجمه آیه: «ما طمع داریم که خدایمان گناهانمان را ببخشد.» اما مفهوم مذکور مربوط به شفاعت است و ارتباطی به آیه ندارد. گزینه‌های دیگر همگی صحیح هستند.

بررسی گزینه‌ها

- ۱ « چگونه زبان عربی را می‌شناسی؟! » ۲ « چرا زبان عربی را خوب می‌شناسی؟! »
- ۳ « زبان عربی را کجا شناختی؟! » ۴ « چه زمانی و در کدام شهر مصر متولد شدی؟! »

درک مطلب



ترجمه متن

عنکبوت به شکلی اساسی از میان حشرات، بعد از شکار کردن آن‌ها به وسیله توری (تار) محکم که آن را می‌سازد، تغذیه می‌کند. پس به همین خاطر بعضی عنکبوت‌ها به ساختن توری که اندازه آن فقط برای عبور یک عنکبوت کافی است می‌پردازند و این تور آویزان می‌شود روی شاخه‌ها یا در شکاف‌های زمین انداخته می‌شود، پس عنکبوت در یکی از طرف‌های (تور) آن منتظر می‌ماند. و به هنگام عبور شکار (طعمه)، ندانسته در آن (تور) می‌افتد پس عنکبوت به داخل تور می‌رود برای این که شکار را بگیرد، سپس به بازسازی و اصلاح آن می‌پردازد و منتظر یک شکار دیگر می‌ماند. بعضی عنکبوت‌ها غده‌های سمی کشنده‌ای (مهلک) دارند که عنکبوت از آن در نبردهایش در برابر مخالفان و دشمنانش استفاده می‌کند.

۷۹۵. (گزینه ۴) چرا عنکبوت تورش را کوچک می‌سازد؟ آن را کوچک می‌سازد تا

بررسی گزینه‌ها

- ۱ حشرات کوچک در آن داخل نشوند. ۲ عنکبوت به راحتی در آن عبور کند.
 - ۳ آن را بر شاخه‌ها و درختان آویزان کند. ۴ شکار نتواند از داخل آن فرار کند.
- (به طوری می‌سازد که اگر افتادی توش دیگه اِنا لله و اِنا الیه راجعون!)

۷۹۶. (گزینه ۳) چرا تور روی شاخه‌ها آویزان می‌شود یا در شکاف‌های زمین انداخته می‌شود؟

بررسی گزینه‌ها

- ۱ تا این که عنکبوت شکارش را نبیند و او را بگیرد و بخورد. ۲ زیرا مکان زندگی کردن عنکبوت بین درختان و گیاهان است. ۳ تا شکار احساس نکند که او به منطقه خطر نزدیک شده است. ۴ زیرا عنکبوت می‌خواهد آن را از چشمان دشمنانش مخفی کند. (اصولاً برای این تله رو پنهان می‌کنیم که طعمه نفهمه که قراره شکار بشه!)

۷۹۷. (گزینه ۲) درست را مشخص کن:

بررسی گزینه‌ها

- ۱ هیچ امکانی برای شکار کردن حشرات نیست مگر از طریق تورها. (من خودم با مگس کش حشره شکار می‌کنم!) ۲ عنکبوت همان گونه که شکار می‌کند، شکار می‌شود، این از چیزهایی است که هیچ چاره‌ای از آن نیست. (این گزینه تبریپ مفهومی برداشته یعنی مرگ شتریه که دم در خونه همه می‌خوابه!)
- ۳ عنکبوت داخل تور منتظر می‌ماند برای آمدن شکار. ۴ اگر شکار در تور داخل شود پس هیچ چیز دیگری نمی‌تواند در آن داخل شود. (پس عنکبوت چطوری میره تو و طعمه رو می‌خوره؟)

۷۹۸. (گزینه ۱) براساس متن:

بررسی گزینه‌ها

- ۱ بعد از به دام افتادن هر شکاری، تور نیازمند ترمیم می‌شود. ۲ شکار داخل تور می‌افتد هنگامی که عنکبوت را ایستاده، مقابل خود می‌بیند. (عنکبوت رو می‌دید که عمراً نزدیک نمی‌شد!) ۳ زمانی که شکار به دام می‌افتد، عنکبوت قبل از هر چیزی به بازسازی تور می‌پردازد. (نه اول تغذیه سالمش رو می‌خوره بعدش تور رو می‌سازه!)
- ۴ همه نوع‌های عنکبوت‌ها غده‌های سمی قوی‌ای دارند که در نبردها به آن سود می‌رساند. (برخی از عنکبوت‌ها از این غده‌ها دارن!)

ترجمه متن عنکبوت آبی از عجیب‌ترین موجودات زنده در عملیات تنفس خود است. پس او نمی‌تواند اکسیژن محلول در آب را تنفس کند همان گونه که ماهی‌ها انجام می‌دهند. پس به ساختن مکانی کروی از موادی که عنکبوت‌ها با آن‌ها خانه‌هایشان را می‌سازند اقدام می‌کند به گونه‌ای که در آن، آب نفوذ نکند. سپس آن را بین شاخه‌های آبی با مهارت و سرعت، محکم و استوار می‌کند. پس از آن به سطح (آب) بالا می‌رود تا حباب‌های آب را حمل کند در حالی که با آن‌ها به سرعت پایین می‌آید. پس آن‌ها را در تار خود قرار می‌دهد و این گونه، عملیات صدها بار تکرار می‌شود تا این که خانه‌اش با هوا پر شود پس به شیوه‌ای عجیب و سرعتی بالا در آن داخل می‌شود. سپس (در) خانه بر او بسته می‌شود و با آرامش و راحتی زندگی می‌کند تا این که اکسیژن تمام شود پس عملیات دوباره تکرار می‌شود.

۷۹۹. (گزینه ۲) درست را مشخص کن:

بررسی گزینه‌ها

- ۱ عنکبوت‌ها خانه‌هایشان را با کمک یکدیگر می‌سازند. (حرفی از همکاری نبود؛ بنده خدا خودش می‌رفت بالا پایین!) ۲ این گونه از عنکبوت نمی‌تواند که همیشه خارج از آب زندگی کند. (معموله دیگه عنکبوت آبی‌ها!) ۳ موادی که این عنکبوت‌ها برای ساختن خانه از آن‌ها استفاده می‌کنند با یکدیگر تفاوت دارند.
- ۴ ماهی‌ها مانند عنکبوت‌ها نمی‌توانند اکسیژن محلول در آب را تنفس کنند. (ماهی‌ها می‌توانند عنکبوت‌ها نمی‌توانند.)

۸۰۰. (گزینه ۴) فایده حباب‌های آب چیست؟

بررسی گزینه‌ها

- ۱ به کمک آن‌ها، عنکبوت به طرف خانه‌اش پایین می‌رود. (مگه خود عنکبوت چُلاقه؟) ۲ به وسیله آن‌ها عنکبوت به سطح (آب) بالا می‌رود. ۳ در آن اکسیژن محلول است. (عنکبوت نمی‌تونه اکسیژن محلول در آب رو تنفس کنه!)
- ۴ در آن چیزی است که به عنکبوت برای تنفس کمک می‌کند. (حتی یمتلیء بالهوا)

۸۰۱. (گزینه ۳) چرا عنکبوت باید بعد از آمدنش به سطح آب به سرعت پایین برود؟

بررسی گزینه‌ها

- ۱ برای وجود نداشتن هوا بر سطح آب ۲ تا این که نمیرد. ۳ تا این که حباب آب از بین نرود. ۴ برای این که خانه‌اش را به سرعت بسازد.

(این همه راه میره بالا که حباب بیاره برا همین زود میاد پایین که حباب نترکه!)

۸۰۲. (گزینه ۱) چرا عنکبوت باید خانه‌اش را به شکلی که در آن آب نفوذ نکند بسازد:

بررسی گزینه‌ها

- ۱ زیرا او در این هنگام نمی‌تواند تنفس کند. ۲ تا این که مجبور نشود که خانه‌اش را دوباره بسازد. ۳ زیرا آب خانه‌اش را نابود می‌کند و ویران می‌نماید. (اگر آب، خانه را نابود می‌کرد که در آب خانه نمی‌ساخت!) ۴ تا این که هوای مناسب برای تنفس در آن داخل نشود.

قواعد

۸۰۳. (گزینه ۲) چهار فعل (بدخل، آمنوا، عملوا، تجری) و چهار فاعل داریم.

۸۰۴. (گزینه ۱) بررسی سایر گزینه‌ها

- ۲ «أمددناکم»: «نا» فاعل و «کم» مفعول است. ۳ «ت» فاعل و «کل» مفعول است.
- ۴ «الله» فاعل و «کم» مفعول است.

۸۰۵. (گزینه ۳) بررسی گزینه‌ها

- ۱ فاعل: ضمیر «أنت» مستتر در «تُصدَّقُ، تری»، مفعول: أسماء
- ۲ فاعل: ضمیر «أنت» مستتر در «أنظر، تُشاهد»، مفعول: سقوط

۸۱۸. **گزینه ۲** «تنبیل راه حل مسأله را نیافت، پس از معلم دربارهٔ جواب آن، سؤال کرد.» بنابراین فاعل «وجد» و «سأل» ضمیر «هو» مستتر است. «المعلم» هم مفعول است. در سایر گزینه‌ها «أمراض، الطبيعة، صديقات» فاعل هستند (گول فاصلهٔ بین فعل و فاعل را نخوردید).

۸۱۹. **گزینه ۴** «معلّمو» فاعل است و مضاف الیه آن «المدارس» است. در گزینهٔ (۱) فاعل «نحن» مستتر است در گزینهٔ (۲) فاعل (التلميذات) بدون مضاف الیه است. در گزینهٔ (۳) «الأم» فاعل و «الحنون» صفت است نه مضاف الیه.

ویتامینه: اسامی مثنی و جمع مذکر اگر به اسمی یا ضمیری اضافه شوند نون «ن» آن‌ها حذف می‌شود. معلّمون + المدرسة ← معلّموا المدارس

۸۲۰. **گزینه ۲** «التساء» فاعل و صفت آن «المسلّمات» است. ۸۲۱. **گزینه ۴** این گزینه، جملهٔ اسمیه است و مفعول ندارد (توکل تو کجا است) در سایر گزینه‌ها «اک»، «نا» و «ی» مفعول هستند.

۸۲۲. **گزینه ۳** «لا یسبق» فعل، «کم» مفعول و «غیر» فاعل است. (غیر از شما، از شما سبقت نگیرد.....)

۸۲۳. **گزینه ۱** عَلِمْتُ + ن + ی + من ... درسا
فعل نون وقایه مفعول اول فاعل مفعول دوم

۸۲۴. **گزینه ۲** ضمیر «أنت» مستتر در «لا تسمع» و «أن تیأس» فاعل است. در سایر گزینه‌ها «الناس» و «الایام» فاعل از نوع اسم ظاهر هستند. ترجمهٔ گزینهٔ (۱) «مسلمان کسی است که مردم از دست و زبان او در امان هستند.»

۸۲۵. **گزینه ۴** «یعمل» و «یری» فاعلشان «هو» مستتر است و فاعل «مَرّت» و «امتلاء» ایم بعد آن‌ها می‌باشد (الایام، الحمل) ۸۲۶. **گزینه ۳** در سایر گزینه‌ها «فاعل، العدد الاصلی، زیادة حرفین» درست است.

۸۲۷. **گزینه ۲** بررسی گزینه‌ها

۱ یقعُ (فعل) فیها / اسمُ (فاعل) (مضاف) / الإِسْتِفْهَامُ (مضاف الیه)
۲ کلمةُ «المؤمنون» فاعل است ولی مضاف نیست زیرا مضاف هیچ‌گاه «ال» نمی‌گیرد.
۳ تنقسمُ (فعل) / أفعالُ (فاعل) (مضاف) / المقارِبةُ! (مضاف الیه)
۴ یجوزُ (فعل) / دخولُ (فاعل) (مضاف) / الباءُ! (مضاف الیه)

۸۲۸. **گزینه ۳** در گزینهٔ (۳) هیچ مفعولی نیامده و جمله مجهول است. در سایر گزینه‌ها به ترتیب «السیئات»، «المواضع»، «ه»، «الناس» مفعول هستند. ۸۲۹. **گزینه ۳** «بین» فعل، «هو» مستتر فاعل و «الحقائق» مفعول است. در سایر گزینه‌ها «الإصرار، اتحاد، هذه» فاعل اسم ظاهر هستند.

۸۳۰. **گزینه ۴** «شجّع»: ضمیر هو (المستتر) / «إُعْتَقَدَ»: ضمیر هو (المستتر) / «یَبْجَحُ»: المُجَدِّون (الاسم الظاهر)

۸۳۱. **گزینه ۱** ضمایر «ی» در «تطلبین»، «تُنَّ» در «عَلَّمْتُنَّ» و «واو» در «تکذّبون» فاعل هستند.

۸۳۲. **گزینه ۴** نون در «یَقْلِبُونَ» فاعل نیست و «واو» فاعل می‌باشد. سایر گزینه‌ها به صیغهٔ (۶) هستند و نون در آن‌ها فاعل است.

۸۳۳. **گزینه ۲** «تُبَيِّنُ» ← فاعل: «الأبحاث» / «تُسَبِّبُ» ← فاعل: ضمیر مستتر «هی» / «قَطَّعتُ» ← فاعل: ضمیر بارز «تُ» / «أجد» ← فاعل: ضمیر مستتر «أنا» / «فقدتُ» ← فاعل: ضمیر بارز «تُ» / «وجدتُ» ← فاعل: ضمیر بارز «تُ»

۸۳۴. **گزینه ۴** «توصّلوا» ← فاعل: ضمیر بارز «واو» / «تشكّلُ» ← فاعل: ضمیر مستتر «هی» / «انفجرتُ» ← فاعل: ضمیر مستتر «هی»

۳ فاعل: ضمیر «أنت» مستتر در «أدُع»، مفعول: ندارد (جار و مجرور مفعول نیست) ۴ فاعل: ضمیر «هو» مستتر در «یأمر» و ضمیر بارز در «یَسْبُوا»، مفعول: المسلمین، معبودات

۸۰۶. **گزینه ۲** تمام نقش‌ها درست مشخص شده است. ۸۰۷. **گزینه ۲** «یشاهد»: فعل و فاعل آن «أعضاء» / «الأسرة»: مضاف الیه / «أنقذ» فعل و فاعل ضمیر مستتر «هو» / «إنساناً»: مفعول به / «أوصله»: فعل و فاعل ضمیر مستتر «هو» / ضمیر «ه»: مفعول

۸۰۸. **گزینه ۲** «الأُمُّ» فاعل و «یكأء» مفعول است. در سایر گزینه‌ها «عن طریق»، «بخیرات» و «بالخوف» جار و مجرور هستند و «عالمًا» و «ضاحكًا» قید حالت هستند.

۸۰۹. **گزینه ۴** بررسی گزینه‌ها

۱ فاعل: ضمیر بارز «واو» در «أذكروا»، مفعول: نعمة ۲ فاعل: ضمیر بارز «واو» در «أمنوا و عملوا»، مفعول: الصّالحات ۳ فاعل: ضمیر بارز «واو» در «أتقوا»، مفعول: «ربُّ» ۴ فاعل: «التَّمَلُّ» و مفعول ندارد.

۸۱۰. **گزینه ۳** بررسی گزینه‌ها

۱ «فأحياکم»: فاعل آن «هو» مستتر است. ۲ «أمنوا»: فاعل ضمیر بارز «واو» است. ۳ «فَسَقَى»: فاعل آن «هو» مستتر است. ۴ «یخسبه الظمان»: فاعل آن اسم الظمان است. (ه) مفعول

۸۱۱. **گزینه ۲** «حرمات» مفعول است، و فاعل «هو» مستتر. ۸۱۲. **گزینه ۳** فاعل در این گزینه ضمیر «هو» مستتر در «أکل» است که مرجع آن «التعلب» می‌باشد. ولی در سایر گزینه‌ها به ترتیب «واو» در «یخلقون»، «تُ» در «وصلتُ» و «واو» در «ادفعا» فاعل از نوع ضمیر بارز هستند. ۸۱۳. **گزینه ۳** فاعل «غَلِبْتُ» ضمیر «هی» مستتر است.

نسوزی: مراقب باشید در صیغهٔ «اللغائبة» ماضی «ت» فاعل نیست و فاعل آن یا اسم ظاهر یا مستتر «هی» است.

۸۱۴. **گزینه ۴** بررسی گزینه‌ها

۱ تُحوّلُ الأسماک ظلام !
فعل فاعل مفعول
۲ یُحدّرُ به الحیوانات فاعل آن مستتر است.
فعل مفعول
۳ قَسَمَ اللهُ للعباد شیئاً !
فعل فاعل مفعول
۴ آن یتعایشوا! فعل و فاعل آن ضمیر بارز «واو» / مفعول به ندارد.

۸۱۵. **گزینه ۱** فاعل «حاولت» و «وصلت» ضمیر «هی» مستتر است. در سایر گزینه‌ها فاعل ضمیر بارز است:

بررسی سایر گزینه‌ها

۲ سَجَلْنَا (نا) ۳ اشتریتُ (تُ) ۴ یملکون (واو)، یریدون (واو)، یسافروا (واو) ۸۱۶. **گزینه ۲** «استجاب» فعل و فاعل آن اسم ظاهر «رب» است. فاعل «أضیع» ضمیر «أنا» مستتر است.

۸۱۷. **گزینه ۳** در این گزینه ضمیر «هو» مستتر در «عدّ» که مرجع آن «الاسلام» است فاعل می‌باشد. در سایر گزینه‌ها فاعل از نوع اسم ظاهر است.

لم تقصّر الطالبات»، «رَبّت هذه»، «یذهب الأطفال»
فعل فاعل فعل فاعل فعل فاعل

۸۳۵. **گزینه ۴** «نادیث» فعل و فاعل و «خالات» مفعول و منصوب است.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ «التلميذات» فاعل و مرفوع و «الناجحات» صفت آن است.

۲ «الطالبات» فاعل و مرفوع و «الذکیات» صفت آن است.

۳ «البنات» مبتدا و «المجدّات» صفت آن است. هم چنین «الأمهات» فاعل و مرفوع و «الفاضلات» صفت آن است.

۸۳۶. **گزینه ۳** لا تحسب + ن + الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَانًا.
فعل و فاعل آن نون تاکید مفعول اول صله ج م م. الیه مفعول دوم «أنت» مستتر

در گزینه (۱) «کالذین» جار و مجرور، در گزینه (۲) «الذین» مبتدا و در گزینه (۴) هم فاعل است.

۸۳۷. **گزینه ۴** ضمیر مستتر این گزینه «هو» در «عَجَزَ» است.

در گزینه (۱) «الذین» فاعل «یستوی» است و «یعلمون» هم دارای ضمیر بارز است. در گزینه (۲) «أتقوا»، «اعلموا» دارای ضمیر بارز هستند. در گزینه (۳) «اجتنبوا» ضمیر بارز دارد و فاعل در «ینفع»، «هو» مستتر است.

۸۳۸. **گزینه ۳** «تلامیذ» و «هم» در «أنفعمهم» مفعول هستند.

در گزینه (۱) «فریق» مفعول است و «فرحین» حال.

در گزینه (۲) «مباراة» مفعول و «متحیرین» و «متعجبین» حال هستند. در گزینه (۴) «تُعظی» فعل دو مفعولی است اما در این جا مجهول آمده است.

۸۳۹. **گزینه ۴** «من» فاعل و «ما» هم مفعول است. حاضر شد در کلاس کسی که فهمید چیزی را که معلم تدریس کرد.

۸۴۰. **گزینه ۱** «ث» در «تضّعت»، «أنت» مستتر در «تَهَبَ» و «أنا» مستتر در «أدفع» فاعل های این عبارت هستند. «ی» در «تهبني» مفعول است.

۸۴۱. گزینه ۴ بررسی گزینه‌ها

۱ یا مرنا الشیطان: فاعل «شیطان» / نکسر: فاعل آن ضمیر مستتر «نحن»

۲ یحسنة: فاعل آن «هو مستتر» / «یعرف»: فاعل آن «هو مستتر»

۳ تُرُكْتُ: فعل مجهول و فاعل آن حذف شده است. / یُبیین ساکنو: فاعل آن «ساکنو» جمع سالم است.

۴ طلب: فاعل آن «الکبار» (الجمع المکسر) / یساعدهم: فاعل آن ضمیر بارز «واو»

۸۴۲. **گزینه ۳** «المدیر» فاعل است و «الذکی» صفت آن.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ شبابنا المؤمنون
مبتدا مضاف الیه صفت

۲ القرآن الکریم
نائب فاعل صفت

۴ الأعشاب الطیبة
مفعول صفت

۸۴۳. **گزینه ۲** «ندبک»: فعل و فاعل آن ضمیر «هو» مستتر و مفعول آن ضمیر متصل «ک» است در گزینه (۱) مفعول به نیامده است. / در گزینه (۳) فاعل اسم ظاهر «مشاکل»

و «ک» مفعول است. / در گزینه (۴) فاعل اسم ظاهر «الاستاذ» و «هم» مفعول است.

۸۴۴. **گزینه ۴** «منتجات» مفعول و منصوب است و صفت آن (الوطنیة) هم منصوب می باشد.

در سایر گزینه‌ها «الناقلات» مجرور به حرف جرّ، «الکبیرة» صفت، «الأشجار» مضاف الیه و مجرور، «الربیعیة» صفت، «فئات» مضاف الیه و مجرور، «الدراسیة» صفت و «أستاذات» مضاف الیه و مجرور و «الفاضلات» صفت آن هستند.

۸۴۵. **گزینه ۴** «ثمره» مفعول است. (نمی تواند نائب فاعل باشد چون از نظر جنس مخالف «یری» است.)

۸۴۶. **گزینه ۴** «أثر» مفعول برای «یجد» است.

۸۴۷. **گزینه ۴** «أحترم» فعل و فاعل ضمیر «أنا» مستتر و «من» مفعول و منصوب است. «من» در سایر گزینه‌ها به ترتیب مبتدا، مبتدا، فاعل است که مرفوع هستند.

۸۴۸. **گزینه ۱** «نجد» فعل، فاعل «نحن» مستتر و «من» مفعول و منصوب است. در سایر گزینه‌ها «من» فاعل و مرفوع است.

۸۴۹. **گزینه ۱** «ساعدی» فعل امر، «ی» فاعل و «من» مفعول است.

در گزینه های (۲) و (۴) «من» ابتدای جمله آمده و «مبتدا» است. در گزینه (۳) هم «من» فاعل است.

۸۵۰. **گزینه ۳** «یُریدُ» فعل، «المعلّم» فاعل و «تشجیع» مفعول است. (معلم تشویق کردن دانش آموزان برای پیشرفت آن‌ها در درس می خواهد.) در سایر گزینه‌ها «المعلّم» مفعول مقدم و «طالب»، «مطالعات» و «طالبة» فاعل هستند.

ترجمه سایر گزینه‌ها

۱ دانش آموزی که برای انجام تکالیف تلاش می کند معلم را دوست دارد.

۲ معلم را در تدریس قوی می کند، مطالعات علمی اش ...

۴ احترام می گذارد به معلم، دانش آموزی که ...

دقت کنید که در گزینه (۱) اگر «طالب» مفعول بود به صورت «طالباً» یعنی با کرسی (الف) می آمد.

۸۵۱. **گزینه ۱** «أحبُّ» فعل و فاعل آن ضمیر مستتر «أنا» و «من» مفعول است. (کسی که به کارهای ارزشمند تصمیم می گیرد و در آن می کوشد را دوست دارم.)

بررسی سایر گزینه‌ها

۲ «آمال» نائب فاعل (مضاف) و «من» مضاف الیه است.

۳ «من الناس» خبر مقدم و «من» مبتدای مؤخر است.

۴ «هناک» خبر مقدم و «من» مبتدای مؤخر است.

۸۵۲. **گزینه ۳** پنج فعل داریم (تملک، یمکن، تتفاهم، یحدّر، تبتعد) پس پنج فاعل داریم ضمناً «لغة، الحيوانات» مفعول هستند.

۸۵۳. **گزینه ۲** «ثمانیة» مفعول برای فعل «یطعم» است.

۸۵۴. **گزینه ۴** در گزینه «۴» «من» مفعول به است.

۸۵۵. **گزینه ۱** در این گزینه نقش «نا» به درستی بیان شده است.

۸۵۶. **گزینه ۴** «أصدقاء+نا»: مضاف الیه / «یُبعدون+نا»: مفعول / «یُقوّدنا»: مفعول

۸۵۷. **گزینه ۳** «نا» ی اول به اسم چسبیده پس مضاف الیه است و «نا» ی دوم به فعل امر چسبیده پس مفعول است. «نا» ی سوم به حرف چسبیده پس مجرور به حرف جراست و «نا» ی چهارم به فعل ماضی چسبیده و قبل از آن ساکن است پس فاعل است.

۸۵۸. **گزینه ۲** «نا» مفعول و منصوب است قبل از آن هم ضمیر «ی» فاعل می باشد. به نقش «نا» در سایر گزینه ها توجه کنید:

ضیافتنا - أصدقائنا - فَعَلْنَا - واجباتنا - عَلینا - لِنَا
م. الیه م. الیه فاعل م. الیه مجرور به حرف جر مجرور به حرف جر

۸۵۹. **گزینه ۴** «نا» به فعل امر چسبیده پس نقش مفعول دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ «تَعَلّمنا» (آموختیم) فعل و فاعل آن ضمیر بارز «نا» است.

۲ «عَلّمنا» فعل مجهول و «نا» نائب فاعل آن است.

۳ «عَلّمنا» (دانستیم) فعل و فاعل آن ضمیر «نا» بارز است.

۸۶۰. **گزینه ۴** فعل بی «نا» غلط می شود (أعَدُّ) پس «نا» فاعل است. «نا» در سایر گزینه‌ها مفعول است:

۱ «بیزورنا» ← ما را زیارت کند ۲ «وَجَدْتنا» ← ما را یافت ۳ «أَمَرْنَا» ← به ما امر کرد



۲ لایئنی: برطرف نمی‌کند («نی» برای اصل کلمه است و متصل به ضمیر «ی» نیست؛ بنابراین نون وقایه نیست!)

۳ جاء + ن + ی: جآئی / اُتبع + ن + ی: اُتبعنی نون وقایه

۴ سلُوا + ن + ی: سلونی / تفقدو + ن + ی: تفقدونی نون وقایه

۸۷۲. **گزینه ۱** «بلغت»: فعل، فاعل آن «هی» مستتر و «الحدّ» مفعول و منصوب. در سایر گزینه‌ها «یُعَلِّم» و «هَب» و «أَبَس» فعل‌های دو مفعولی هستند که هر کدام دو مفعول به گرفته‌اند!

۸۷۳. **گزینه ۴** «مَنَحَ» فعل و «ثروة» مفعول است.

در گزینه (۱) ضمیر «نا» در فعل «أتنا»، «ما» و ضمیر «نا» در «وعدتنا» در گزینه (۲) «التلمیذ» و «جائزۃ» و در گزینه (۳) «برنامجا» و ضمیر «ی» در «یساعدنی» مفعول هستند.

۸۷۴. **گزینه ۳** «جَعَلَ» فعل، «الله» فاعل و «درجة» مفعول به است.

۸۷۵. **گزینه ۳** «وعدت» فعل دو مفعولی است که به ترتیب «ی» و «تقدیم» مفعول‌های آن هستند.

۸۷۶. **گزینه ۱** «تظننی»: فعل - تظنّ + «ن» وقایه + «ی» (مفعول به اول) و «غافلاً» مفعول به دوم است. در سایر گزینه‌ها بعد از فعل «أُنْ» آمده است که بیانگر جمله‌ای جدید می‌باشد قبل از آن هم دو اسم نداریم پس قطعاً در تمام گزینه‌ها یک مفعول به داریم!

۸۷۷. **گزینه ۱** فعل «لا تجعل» دو مفعولی است، مفعول اول آن «مساوی» و مفعول دوم آن «اکبر» است.

۸۷۸. **گزینه ۲** «وعد» و «جعل» افعال دو مفعولی هستند و «المؤمنین»، «جنّات»، «السّماء» و «سقفاً» مفعول هستند. دقت کنید «المؤمنات» وابسته است و «محفوظاً» صفت.

۸۷۹. **گزینه ۴** «کالحنی» خبر است. «جویای علم بین انسان‌های نادان مانند زنده مبتدا خبر

در بین مردگان است.»

۸۸۰. **گزینه ۲** «خبر» مبتدا، «الناس» مضاف الیه و «من» خبر است. «یساعد» هم جمله صله است.

۸۸۱. **گزینه ۳** «الأمانة» مبتدا و «تُجَلَّب» خبر است.

۸۸۲. **گزینه ۱** «معلّم مدرستنا أسوة ...»

مبتدا م. الیه م. الیه خبر

۸۸۳. **گزینه ۱** «هؤلاء الأطباء من أبناء بلادنا،

مبتدا تابع خبر جم. م. الیه م. الیه

هم یشفون، واهتما مهم کثیر بالئاس»

مبتدا خبر (جمله) مبتدا م. الیه خبر جم

۸۸۴. **گزینه ۲** در ترکیب اسم (مجموعه) + فعل (تختلف)، اولویت با اسم است. «الإسلامیة» صفت است و «من الشعوب» جار و مجروری است که خبری به ما نمی‌دهد.

۸۸۵. **گزینه ۳** «شَجَّعَ» خبر جمله فعلیه برای «الإسلام» است. ترجمه عبارت: «اسلام از زمان ظهورش مسلمانان را بر فکر کردن و یادگیری تشویق کرد.»

۸۸۶. **گزینه ۲** «أصدقاء» مبتدا و «حاضرون» خبر (اسم) است. در سایر گزینه‌ها «تحدّثا»، «ظنّوا» و «اعتبروا» خبر از نوع جمله فعلیه هستند.

۸۸۷. **گزینه ۳** «الغیب» مبتدا و خبر آن «لله» (جار و مجرور) است و در سایر گزینه‌ها به ترتیب «زُول: مضاف الیه»، «جمیلة: صفة و موصوفها مناسبة»، «الظاهرة: فاعل نیست بلکه وابسته فاعل است.» و فاعل آن «هذه» می‌باشد.

۸۸۸. **گزینه ۳** بررسی گزینه‌ها

۱ التّدّم (مبتدا)... أحسن (خبر)...! (اسم)

۲ أكبر (مبتدا)... الإغراق (خبر)...! (اسم)

شیرخشک: اگر ضمیر «نا» به فعل مضارع یا امر بچسبد، قطعاً مفعول است اما اگر به فعل ماضی بچسبد دو حالت دارد:

الف) اگر «نا» را حذف کنیم ساختار فعل خراب شود «نا» فاعل است:

مثال: دَهَبْنَا حذف «نا» دَهَبَ: چنین فعلی نداریم پس «نا» فاعل است.

ب) اگر «نا» را حذف کنیم و ساختار فعل خراب نشود: «نا» مفعول است.

مثال: شاهدنا شاهد: ساختار فعل آسیب ندید پس «نا» مفعول است.

۸۶۱. **گزینه ۳** بررسی گزینه‌ها

۱ «یساعدنا، أبونا، أشجارنا» مفعول م. الیه م. الیه
۲ «سافرنا، أسترنا، أقبائنا» فاعل م. الیه م. الیه

۳ «کتبنا، تماریننا، یحسینا» فاعل م. الیه مفعول م. الیه
۴ «لنا، وردتنا، حدیقتنا» ج. م م. الیه م. الیه

۸۶۲. **گزینه ۲** نون در «لا تضمنی» زائد نیست زیرا ریشه این فعل «ضمن» می‌باشد. ضمناً «لا تعرفین» هم، صیغه (۱۰) (للمخاطبة) است. در سایر گزینه‌ها نون وقایه داریم: «تُساعِدین» (تُساعِدین + ن + ی)، «منحنی» (منح + ن + ی)، «انتخبونی» (انتخبو + ن + ی)

۸۶۳. **گزینه ۲** تنها در این گزینه قبل از «ی» نون وقایه آمده پس «ی» مفعول است (به من کمک کن). «ی» در سایر گزینه‌ها نقش فاعل، مضاف الیه و مضاف الیه را دارد.

۸۶۴. **گزینه ۳** «تُجادلون» (تجادلون + ن + ی) نون وقایه دارد. در گزینه (۲) نون جزو ریشه است (حزن).

۸۶۵. **گزینه ۲** «نون وقایه» به فعل متعدی می‌چسبد. گزینه (۱) اسم است، گزینه (۳) فعل لازم و در گزینه (۴) نون جزو ریشه است (حسن).

۸۶۶. **گزینه ۴** «ی» با، نون وقایه آمده پس مفعول است (نَبّهنی). ضمناً «ی» در «إلهی» مضاف الیه است. در سایر گزینه‌ها «ی» بدون نون وقایه و فاعل است.

۸۶۷. **گزینه ۲** بررسی گزینه‌ها

۱ «بنتی»: م. الیه / «إعرفی»: فاعل

۲ «إقرئی»: فاعل / کتابی: م. الیه / «ساعِدینی»: مفعول

۳ «صدیقی»: م. الیه / «تُساعِدنی»: مفعول / «لی»: ج. م

۴ «شَجَّعنی»: مفعول / «شفائی»: م. الیه

نسوزی: هرگاه ضمیر متصل «ی» به فعل بچسبد و بین آن‌ها نونی بیاید ضمیر «ی» مفعول است و اگر این نون نباشد، آن ضمیر «ی» فاعل است.

مثال: ضربنی / اضربی
مفعول فاعل

۸۶۸. **گزینه ۴** «لا تفتنی» از ریشه «فتن» است و نون وقایه ندارد. نون وقایه در سایر گزینه‌ها (لا تضمن + نی، لا تُجز + نی، تُنجی + نی)

۸۶۹. **گزینه ۲** در گزینه‌های «۱» و «۴» نون جزو ریشه فعل است و «ی» فاعل (حزن - حزن). در گزینه (۲) نیز «أغنی» اسم تفضیل است.

۸۷۰. **گزینه ۳** (لا + تُبیین + نی)

صورت صحیح سایر گزینه‌ها

۱ «یکرمونی» (یکرمون + نی) ۲ «حولی» (اسم نون وقایه نمی‌گیرد)، ۴ «زاد» لازم است.

۸۷۱. **گزینه ۲** بررسی گزینه‌ها

۱ اِتَّقوا + ن + ی: اِتَّقونی نون وقایه

۹.۰۰. **گزینه ۲** «الطالب» مبتدا و «من» خبر است. در گزینه (۱) «ما» فاعل، در گزینه (۳) «ما» مفعول و در گزینه (۴) «من المعلمین» خبر مقدم و «من» مبتدای مؤخر هستند.

۹.۰۱. **گزینه ۴** بررسی سایر گزینه‌ها

۱ «كُلُّ»: مبتدا، «حکمة»: خبر، «ينتفع»: جمله وصفیه. ۲ «المعلم»: مبتدا، «یهتمُّ»: خبر. ۳ «مناظر»، مبتدا - «جميلة»: خبر

۹.۰۲. **گزینه ۲** بررسی گزینه‌ها

۱ «ما» ی اول مجرور و «ما» ی دوم مضاف‌إلیه و مجرور

۲ ما: مبتدا و مرفوع

۳ ما: مجرور به حرف جرّ

۴ «ما» ی اول نافییه است پس نقش ندارد / «ما» ی دوم: مفعول و منصوب است.

۹.۰۳. **گزینه ۳** بررسی گزینه‌ها

۱ اولئك العقلاء یبتعدون خبر(فعل)

۲ هؤلاء زمیلاتنا خبر.مضاف

۳ اولئك المجتهدون موفّقون خبر

۴ هؤلاء أمهات فاضلات خبر.موصوف صفت

۹.۰۴. **گزینه ۱** «ما» ابتدای جمله و مبتدا است. «ما» در سایر گزینه‌ها نقش مفعول منصوب دارد.

ویتامینه: برای تشخیص نقش «من» و «ما» در ابتدای جمله حالت زیر مطرح است:

۱ بعد از آن‌ها اسم آمده باشد:

- موصول ← معمولاً مبتدا ← من قلبه طاهر ناجح مبتدا صله خبر

معرفه ← خبر مقدم ← من أنت خبرمقدم مبتدا

استفهام + نکره ← مبتدا ← من أقری مئی مبتدا خبر ج.م

۲ بعد از آن‌ها فعل لازم بیاید ← مبتدا ← من یدهب مبتدا خبر

۳ بعد از آن‌ها فعل متعدی با مفعول بیاید ← مبتدا ← ما قرأته مبتدا مفعول

۴ بعد از آن‌ها فعل متعدی بدون مفعول بیاید ← مفعول مقدم ← من رأیت؟ مفعول مقدم

۹.۰۵. **گزینه ۳** بررسی گزینه‌ها

۱ «عباد» مبتدا، «الرحمان» م. الیه، «الذین»: خبر

۲ «الذین»: مبتدا، «یجادلون»: صله، «أتی»: جمله وصفیه

۳ «خلق»: مبتدا، «اکبر»: خبر

۴ «قلب»: مبتدا / «لیس...»: جمله وصفیه، «کبیت»: خبر

۹.۰۶. **گزینه ۱** «کیف»: خبر مقدم، «الجو»: مبتدا، «هذه»: فاعل، «السعادة» مضاف‌إلیه برای «فریق».

۹.۰۷. **گزینه ۴** «یخسر» خبر جمله فعلیه است. ترجمه عبارت: «انسانی که در دنیا تنبل است در آخرت بسیار زیان می بیند.»

۹.۰۸. **گزینه ۴** «الإنسان المؤمن الذی یقوم بواجبه حریض...»

مبتدا صفت صفت صله ج.م خبر

۹.۰۹. **گزینه ۴** «الریاح الشدیدة فی الیوم الماضي کزلزة مخوفة تقع أمام»

مبتدا صفت صفت صله ج.م صفت جمله وصفیه قید

۳ أنا (مبتدا)... استلّمنا (خبر)...! (فعل)

۴ عداوة (مبتدا)... خیر (خبر)! (اسم)

۸۸۹. **گزینه ۲** بررسی گزینه‌ها

۱ الكتاب (مبتدا) + أفضل (خبر) ← اسم

۲ مكتبة (مبتدا) + تضم (خبر) ← فعل

۳ الوصول (مبتدا) + هدف (خبر) ← اسم

۴ أفضل (مبتدا) + القيام (خبر) ← اسم

۸۹۰. **گزینه ۳** بررسی گزینه‌ها

۱ أبواب (مبتدا) تحت (خبر)...!

۲ المؤمن (مبتدا) قليل (خبر)!

۳ موعدهم (مبتدا) الصبح (خبر) / الصبح (مبتدا) قرّب (خبر)!

۴ یوم (مبتدا) أشد (خبر)!

۸۹۱. **گزینه ۳** بررسی عبارت

«آیات»: مبتدا، «کثیرة»: خبر / «إحدى»: مبتدا، «ظاهرة»: خبر / «هی»: مبتدا،

«تتکون»: خبر / «نحن»: مبتدا، «نتمتع»: خبر

نسوزی: دقت کنید اگر مبتدا، خبر، فاعل، مفعول و... دارای صفت یا مضاف‌إلیه بودند صرفاً اسم اول، نقش مورد نظر را می‌گیرد. نه این که کل آن گروه اسمی یک نقش بگیرند.

مثال: جاء أحد المعلمین العلماء فاعل م. الیه صفت

۸۹۲. **گزینه ۳** «أثمار» ال ندارد و بعد از اسم اشاره آمده پس خبر است (رد ۱ و ۴). ضمناً دقت کنید جمله‌ای که بعد از موصول (الذی - الذین - الّتی و...) بیاید نمی‌تواند خبر باشد (رد ۲)

۸۹۳. **گزینه ۳** بررسی گزینه‌ها

۱ «رجال»: مبتدا، «اکتشفوا»: خبر (فعل) ۲ «حُسن»: مبتدا، «یستتر»: خبر (فعل)

۳ «سبب»: مبتدا، «تکریم»: خبر (اسم) ۴ «الشکر»: مبتدا، «یُعطینا»: خبر (فعل)

۸۹۴. **گزینه ۲** «اولئك الذین صدقوا» آنها کسانی هستند که راست گفتند.

مبتدا خبر صله

۸۹۵. **گزینه ۲** «من» خبر است و «یُدیر» صله است. (جمله وابسته)

۸۹۶. **گزینه ۲** بررسی گزینه‌ها

۱ لسان... سلاح...! اسم

مبتدا خبر

۲ بعض... تعرف...! فعل

مبتدا خبر

۳ الاعصار... ریح...! اسم

مبتدا خبر

۸۹۷. **گزینه ۳** «الجواد» مبتدا و «من» خبر است.

«من» در سایر گزینه‌ها، مجرور به حرف جرّ، مضاف‌إلیه و مبتدا است.

۸۹۸. **گزینه ۲** «أبئی» مبتدا، «أعمال» مضاف‌إلیه، «ک» مضاف‌إلیه و «ما» خبر است. (مانندگارتین کارهای تو چیزی است که...)

در گزینه (۱) «الأنبیاء» فاعل و «من» مفعول در گزینه (۳) مجرور به حرف جرّ و در گزینه (۴) «من» مضاف‌إلیه است.

۸۹۹. **گزینه ۱** «ما» مبتدا و «أوثق» خبر است. «چیزی که در دست خداوند است از آنچه در دست تو است محکم‌تر است.»

بررسی سایر گزینه‌ها

۲ مجرور به حرف جرّ ۳ حرف نافییه و بدون نقش ۴ مفعول



عیوننا خَرَبْتُ البيوتَ

م.البه خبر(فعل) مفعول

ترجمه: «بادهای شدید در روز گذشته مانند زلزله ترسناکی که در برابر چشمان ما اتفاق می افتد خانه ها را خراب کرد.»

۹۱۰. **گزینه ۴** «الموسوعة»: مبتدا / «مُعجم»: خبر / «يَجْمَعُ» فعل و فاعل آن ضمیر مستتر «هو» / «قليلًا»: مفعول

۹۱۱. **گزینه ۳** «هذه»: مبتدا / «قطرة»: خبر «خلق الله»: مضاف اليه اما هيچ فعل و فاعلی در جمله نیست.

بررسی سایر گزینه ها

۱ «الشباب»: مبتدا / «يخدمون»: خبر / «يخدمون»: فعل و فاعل آن ضمیر بارز «و»
 ۲ «الطيور»: مبتدا / «جميع»: خبر / «تستخدم»: فعل و فاعل آن ضمیر مستتر «هي»
 ۴ «أعلم»: مبتدا / «من»: خبر / «جمع»: فعل و فاعل آن ضمیر مستتر «هو»

۹۱۲. **گزینه ۳** در کدام جمله اسمیه، دو فاعل و دو مفعول آمده است؟
 «مَنْ: مبتدا / لم تَصْلِحْهُ، أَصْلَحْهُ: خبر / الكرامَةُ، الهوانُ» فاعل /
 «ضمایر (ه، ه، ه): مفعول

۹۱۳. **گزینه ۲** در سایر گزینه ها به ترتیب «مفعول، مضاف اليه، مفعول، خبر، مفعول، مفعول دوم» درست است.

۹۱۴. **گزینه ۲** در گزینه (۱) مفعول در گزینه (۳) مبتدا و خبر و در گزینه (۴) مفعول نداریم.

۹۱۵. **گزینه ۴** این گزینه با جار و مجرور شروع نشده که خبر مقدم داشته باشد. سایر گزینه ها با جار و مجرور یا قید شروع شده اند و بعد از آن اسم نکره آمده است.

۹۱۶. **گزینه ۲** «لكل» خبر مقدم از نوع جار و مجرور است و «أسلوب» (نکره) مبتدای مؤخر است. سایر گزینه ها با جار و مجرور شروع شده اند ولی بعد از آن ها مبتدا معرفه است و با اسم یا فعل آمده پس خبر مقدم نداریم.

بررسی سایر گزینه ها

۱ «رائحة» مبتدا و «كثيرة» خبر

۳ «الإهتمام» مبتدا و «واجب» خبر

۴ «ملابس» مبتدا و «تجفف» خبر

۹۱۷. **گزینه ۴** «مضامين» مبتدا و «عذبة» خبر است. اصلاً جار و مجرور یا قید نداریم که خبر مقدم باشد یا نباشد!

۹۱۸. **گزینه ۲** در این گزینه بعد از جار و مجرور مبتدا نیامده است.

در گزینه (۱) «له» خبر مقدم و «ما» مبتدای مؤخر، در گزینه (۳) «لكل» خبر مقدم و «توبة» مبتدای مؤخر، در گزینه (۴) «لكم» خبر مقدم و «دين» مبتدای مؤخر و همچنین «الی» خبر مقدم و «دين» مبتدای مؤخر است.

۹۱۹. **گزینه ۴** «للمعلم» خبر مقدم و «سيارة» مبتدای مؤخر است. در سایر گزینه ها بعد از جار و مجرور اسم معرفه آمده که بعد از آن خبر داریم:

بررسی سایر گزینه ها

۱ «العلماء» مبتدا و «أحدثوا» خبر

۲ «الرسول» مبتدا و «أبلغ» خبر

۳ «أبناء» مبتدا و «يتوكلون» خبر

۹۲۰. **گزینه ۱** «للساء» جار و مجرور است و «دور» نکره، پس خبر مقدم و مبتدای مؤخر داریم: مبتدا و خبر در سایر گزینه ها:

«أحد... قال، الإحسان... واجب، الطعام قليل»

مبتدا خبر مبتدا خبر مبتدا خبر

۹۲۱. **گزینه ۱** «لكل» ج. م و (سؤال) نکره است پس خبر مقدم می سازد. خبر در سایر گزینه ها: «تقع، ذهب»

۹۲۲. **گزینه ۱** «آيات» مبتدا و «شاهد» خبر است.

در سایر گزینه ها: «على طالبات... الإهتمام، له... كتاب، من أكثر... عالم» خبر مقدم و مبتدای مؤخر هستند.

۹۲۳. **گزینه ۲** در این گزینه «لها» خبر مقدم و «فائدة» مبتدای مؤخر است. در گزینه (۱) «جهد» مبتدا و «أكثر» خبر، در گزینه (۳) «موضوع» مبتدا و «مر» خبر، در گزینه (۴) «طعام» مبتدا و «لذيذ» خبر است.

۹۲۴. **گزینه ۲** «لدينا... زميل، أحد... طبعت، العمل... يجب»

خبر مبتدا مبتدا خبر مبتدا خبر

۹۲۵. **گزینه ۴** خبر در سایر گزینه ها: فیه / تجب / يفهم /

۹۲۶. **گزینه ۴** بررسی سایر گزینه ها

۱ المؤمناتُ يُقمن! ۲ سعيدٌ و عليٌّ اِنتخبا! ۳ الأساتيدُ متخوا!

ویتامینه: هنگام تبدیل جمله فعلیه به اسمیه، فعل در وسط جمله با اسم قبل از خود (مرجع) باید از نظر «عدد و جنس» مطابقت داشته باشد:

مثال: يتخذ الكفار الكفار يتخذون

جمع مذكر جمع مذكر

۹۲۷. **گزینه ۲** «حَمَل» درست است زیرا مرجع آن «خالد» مذكر است.

۹۲۸. **گزینه ۴** بررسی سایر گزینه ها

۱ «الصدوق» صفت است و «مع الشهداء» خبر.

۲ «دين، نعمة» هر دو مفعول هستند.

۳ «الأرض» مفعول است.

۹۲۹. **گزینه ۳** «شاهدت» فعل همراه فاعل (ت) و «الطفل» مفعول آن است. در گزینه (۱) با توجه به «أختي»، «تلبس» صحیح است.

در گزینه (۲) «تخلص» فعل ماضی از باب «تفعل» است و با توجه به «أُمی»، «تخلصت» صحیح است.

در گزینه (۴) «يقول» صحیح است (اگر فعل ابتدای جمله بیاید و فاعل آن اسم ظاهر باشد، باید به شکل مفرد به کار رود).

۹۳۰. **گزینه ۳** در گزینه (۱) «تكتب» صحیح است (فاعل اگر مثنی یا جمع باشد فعل به صورت مفرد می آید). در گزینه (۲) «تعيش» صحیح است. (برای جمع غیرعاقل، مفرد مؤنث به کار می رود) در گزینه (۴) فعل مناسب «بشاهدون» است.

۹۳۱. **گزینه ۳** در این گزینه «إياك» مفعول مقدم و جمله فعلیه است.

در سایر گزینه ها «تعاون» مصدر باب «تفاعل»، «تلوث» مصدر باب «تفعل» و «أعلم» اسم تفضیل است و همگی مبتدا هستند.

۹۳۲. **گزینه ۳** «ليالي الشتاء» قید زمان و «نسمع» فعل است. در سایر گزینه ها مبتدا و خبر داریم.

شیرخشک: هرگاه جار و مجرور، ظرف و منادا ابتدای جمله بیاید برای

تشخیص نوع جمله (اسمیه یا فعلیه بودن) باید به بعد از آن ها نگاه کنیم.

اليوم عليٌّ يذهب / يا عليٌّ علمك كثيرٌ / في الصباح ذهبْتُ

ظرف مبتدا خبر منادا مبتدا م.البه خبر ج.م فعل و فاعل

هناك أسئلةٌ / يا زينبُ اذهبي

(خبرمقدم) مبتدا منادا فعل

۹۳۳. **گزینه ۴** «تُرَبِّي» درست است زیرا فاعل آن «هي» است و به «الأُم» برمی گردد.

۹۳۴. **گزینه ۴** «المعلمون» جمع مذكر است پس فعل آن هم باید جمع مذكر باشد، پس گزینه (۲) که فعل امر است رد می شود. ضمناً گزینه های (۱) و (۳) که

مضارع هستند بی دلیل نون از آخرشان حذف شده است.

۹۳۵. **گزینه ۴** «تعاونوا» برای جمع مذکر مناسب است نه «النساء» که جمع مؤنث است. («الصحابه» جمع «صاحب» و مذکر است)

۹۳۶. **گزینه ۱** در این عبارت «هناک» قید، «فی الصباح» جار و مجرور و «الباکر» صفت است که بر فعل خود (رای) مقدم شده است، پس جمله فعلیه است.

در سایر گزینه‌ها بعد از قید و جار و مجرور اسم آمده پس جمله اسمیه داریم.

۹۳۷. **گزینه ۳** «أَحَبُّ» مبتدا، «أصدقاء» و «ی» مضاف‌الیه و «من» خبر است، پس جمله اسمیه داریم. ترجمه عبارت: «محبوب‌ترین دوستان من کسی است که به من در سختی‌ها کمک کند.» گزینه‌های (۱) و (۲) با جار و مجرور شروع شده‌اند ولی بعد از جار و مجرور فعل آمده نه اسم، در ابتدای گزینه (۴) هم قید زمان داریم ولی بعد از آن‌ها فعل آمده نه اسم.

۹۳۸. **گزینه ۲** جمله اسمیه نسبت به جمله فعلیه دارای تأکید است. جملات سایر گزینه‌ها فعلیه هستند ولی در گزینه (۲) جمله، اسمیه است.

۹۳۹. **گزینه ۳** جمله اسمیه دارای تأکید است و در گزینه (۲) جمله با جار و مجرور

شروع شده و بعد از آن‌ها فعل آمده پس جمله فعلیه است نه جمله اسمیه.

«یجهد علمائنا الکبار فی کُلِّ المجالات ستکشف أسرار»
جار و مجرور مضاف‌الیه مضاف‌الیه صفت جار و مجرور مضاف‌الیه فعل نائب فاعل

سایر گزینه‌ها با اسم شروع شده‌اند و جمله اسمیه هستند.

۹۴۰. **گزینه ۳** «کُلُّ» مبتدا است و «إِنَّ...» جمله جدید، چهار فعل هم داریم (مجموعاً ۶ تا)

۹۴۱. **گزینه ۴** الله، تعالی، قال، أنصروا، ترجموا،
مبتدا فعل فعل فعل فعل

الناس، يعملون، لها حالات
مبتدا فعل خبر مبتدا

۹۴۲. **گزینه ۲** «ما» مفعول مقدم است که بر فاعل و جمله مقدم شده است. (هر چه بنویسی ... در گزینه‌های دیگر «تفکر» و «ضرب» مبتدا هستند. و «ها» مفعول است.)

۹۴۳. **گزینه ۲** «صبر» مصدر است نه فعل ماضی (صبر مؤمن به ما کمک کرد).

